درسنامه ناظر

گروه پژوهش سفیران فاطمی



درسنامه فاطمی

مشخصات کتاب

سرشناسه : مهدی پور، علی اکبر، 1324 -

عنوان قراردادی : درسنامه فاطمی. فارسی.

عنوان و نام پدیدآور : درسنامه فاطمی/علی اکبر مهدی پور.

مشخصات نشر : قم: رسالت، 1384.

مشخصات ظاهری : 144 ص.؛ 8×12 س م.

شابک : 500 ریال ؛ 400ریال (چاپ دوم)

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

رده بندی کنگره : BP27/2/ج65د4 1393

رده بندی دیویی : 297/973

ص:1

اشاره

درسنامه فاطمی

علی اکبر مهدی پور

ص: 2

ص: 3

ص: 4

درس اوّل: مطلع نور

اشاره

«اللّه ُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْض مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَوةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِی زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّیٌّ»(1)

حضرت فاطمه ی زهرا علیهاالسلام مهر تابان، خورشید فروزان و ستاره ی درخشان کره ی خاکی است، که نور جمالش بر آسمانیان نور افشانی می کند، همان گونه که ستارگان آسمان بر اهل زمین.(2)

او را «زهرا» نام نهادند، زیرا پس از خلقت زمین و آسمان، فرشته ها از تاریکی آسمان ها شکایت نمودند، خداوند منّان نور حضرت زهرا علیه السلام را در قندیلی از عرش آویزان کرد و کرات عُلوی با نور فاطمه علیهاالسلام منوّر گردید.(3)

او را زهرا نام نهادند، زیرا او هر روز سه بار: 1) بامدادان؛ 2) به هنگام زوال؛ 3) و شامگاهان بر مولای متقیان نور افشانی می کرد.(4)

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: چرا حضرت فاطمه را «زهرا» نامیدند؟ فرمود:

1- [1] سوره ی نور، آیه ی 35.
2- [2] - علامه ی مجلسی، بحار الانوار،ج 43، ص 12.
3- [3] - همان، ص 17.
4- [4] . همان، ص 16.

لاَنَّ اللّهَ عَزَّوجلَّ خَلَقَها مِنْ نُورِ عَظَمَتِهِ؛ فَلَمّا أشْرَقَتْ أَضاَءتِ السَّماواتُ وَ الْأَرْضُ بِنُورِها، وَ غُشِيَتْ أبصارُ المَلائِكَهِ وَ خَرَّتْ للّهِ ساجِدينَ.

زیرا خداوند او را از نور عظمت خودش آفرید. هنگامی که نورش طالع گردید، آسمان ها و زمین با نورش روشن شد، دیدگان فرشتگان خیره گردید و در برابر خداوند به سجده افتادند.(1)

آیه نور

حضرت فاطمه علیهاالسلام آیتی از آیات نور پروردگار است که در میان آیات نورانی پروردگار درخششی خاص دارد.

در میان سوره های قرآن فقط یک سوره به نام: «سوره ی نور» است.

در میان آیات نورانی سوره ی نور، فقط یک آیه به عنوان «آیه ی نور» می باشد.

سوره ی نور و آیه ی نور بر محوریّت کوثر قرآن، حضرت فاطمه ی زهراء علیهاالسلام می چرخد.

رئیس مذهب، امام به حق ناطق، حضرت جعفر صادق علیه السلام در تفسیر آیه ی نور می فرماید:

«اللّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَوةٍ»؛ _خداوند نور آسمان ها و زمین است، مثل نور خداوند مثل چراغدان است._

منظور از مشکات (چراغدان) حضرت فاطمه است.

1- [1] . شیخ صدوق، علل الشرایع، ج1، ص 180.

«فِیهَا مِصْبَاحٌ»_؛ و در آن چراغدان چراغ پر فروغی است._

منظور از مصباح (چراغ پر فروغ) امام حسن مجتبی علیه السلام است.

«الْمِصْبَاحُ فِی زُجَاجَهٍ»_؛ آن چراغ در حبابی شفّاف قرار دارد._

منظور از زجاجه (حباب شفاف) امام حسین علیه السلام است.

«الزُّجَاجَهُ کَأَنَّهَا کَوْکَبٌ دُرِّیٌّ»_؛ آن حباب گویی ستاره ی سحر است._

منظور از کوکب دریّ (ستاره ی سحر) حضرت فاطمه است.

و در تفسیر «نُورٌ عَلی نُور» فرمود: امامی پس از امامی از تبار فاطمه.

و در تفسیر این آیه ی شریفه چنین فرمود: «وَمَنْ لَّمْ یَجْعَلِ اللّهُ لَهُ نُورًا» امام از نسل حضرت فاطمه «فَمَا لَهُ مِنْ نُّورٍ» نور امامی روز قیامت روشنگر او نخواهد بود.(1)

قرآن کریم در آیه بعدی کانون این نور را چنین بیان می کند:

«فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَیُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ»

در خانه هایی که خداوند اذن ترفیع آنها را داده است، و اذن داده که در آنها خداوند یاد شود و نامش برده شود.(2)

هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این آیه را تلاوت فرمود، یکی از اصحاب پرسید: منظور از این خانه ها چیست؟

بزرگ مفسر قرآن فرمود: خانه های پیامبران.

ابوبکر برخاست، در حالی که به خانه ی حضرت علی و حضرت فاطمه اشاره می کرد، پرسید: آیا این خانه نیز از آن خانه هاست؟ فرمود:

1- [1] . کلینی، الکافی، ج1 ص 180.
2- [2] . سوره نور، آیه ی 36.

نَعَمْ مِنْ أَفضَلِها؛

آری، از برترین آنهاست.(1)

در کتب عامّه آمده است که هنگامی که شب اول ماه، حضرت فاطمه استهلال می کرد، نور جمالش بر هلال غلبه می کرد و کسی هلال را نمی دید.

عایشه می گوید: ما در اطاقی که چراغ نبود، با نور جمال حضرت فاطمه نخ در سوزن می کردیم.

برای یادگار پیامبر این مطلب جای شگفت نیست، که عایشه می گوید: «شبی سوزن را گم کردم، در منزل چراغ نبود، هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شد، با نور جمالش سوزن را پیدا کردم.(2)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که هرگز سخن به گزاف نمی گوید، در وصف جمال حضرت فاطمه می فرماید:

لَو کانَ الْحُسنُ شَخْصاً لَکانَ فاطِمَهَ، بَلْ هِیَ أَعْظَمُ؛

اگر زیبایی تجسّم پیدا می کرد، فاطمه می شد، بلکه فاطمه از آن نیز بزرگتر است.(3)

بوی بهشت

حضرت فاطمه علیهاالسلام در کنار این نورانیّت خاصّ، بوی بهشت می داد و از این جهت نیز موجب آزار حسودان می شد.

عایشه می گوید: به رسول خدا عرض کردم، چه شد هنگامی که فاطمه

1- [1] . حسکانی، شواهد التنزیل، ج 1، ص 533، ح 567.
2- [2] . علامه ی مجلسی، بحار الانوار، ج 16 ص 176.
3- [3] . حموینی جوینی، فرائد السمطین، ج2، ص 68، ح 392.

می آید او را بوسه باران می کنی و همانند کسی که بخواهد به کسی عسل بخوراند، زبانت را در دهانش می گذاری؟!

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شبی که مرا به معراج بردند، جبرئیل مرا وارد بهشت نمود و سیبی به من داد، من آن را خوردم و آن مبدأ نشو فاطمه شد.

فاطمه حوریه ی انسیّه است، هر وقت اشتیاق بهشت داشته باشم، او را می بوسم و بوی بهشت را از او می شنوم.(1)

اجتماع همه ی کمالات ظاهری و معنوی در وجود مقدّس حضرت فاطمه علیهاالسلام موجب شد که بسیاری از اصحاب پیامبر، حتّی شماری از کهنسالان آنها، از حضرت فاطمه علیهاالسلام خاستگاری کردند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ همه ی آنها می فرمود: در مورد فاطمه منتظر فرمان پروردگار هستم. تا هنگامی که اراده ی حضرت احدیّت تعلّق گرفت بر این که صدّیقه ی طاهره را به صدّیق اعظم و فاروق امّت، یعنی حضرت امیرمؤمنان علیه السلام تزویج نماید، پس عقد آنان را در آسمان جاری کرد و به حبیبش دستور داد که در زمین جاری نماید و اینک شرح ماجرا:

تزویج نور با نور

هنگامی که خداوند منّان اراده فرمود که حضرت صدیقه را به ازدواج حضرت علی علیه السلام در آورد، جبرئیل امین را فرمان داد که در زمین و آسمان ندا کند که فرشتگان در بیت المعمور گرد آیند.

آنگاه به فرشتگان فرمود: من شما را گواه می گیرم که کنیز پاک و راستگویم

1- [1] . خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج5 ص 87.

را به بنده ی پاک و راستگویم تزویج کردم.

آنگاه به فرمان خداوند بهشت تزیین شد، حوریان به صف ایستادند، بیت المعمور مفروش گشت و فرشتگان به صف ایستادند، جبرئیل امین بر کرسی کرامت بالا رفت و خطبه خواند و در فرازی از آن گفت:

ای فرشتگان مقرّب، ای راکعان، ای تسبیح گویان، ای اهل آسمان ها و زمین ها، همه گواه باشید که من فاطمه ی زهرا، دختر رسول عالمیان، سَروَر بانوان جهانیان را به عقد علی، سَروَر اوصیا در آوردم، به فرمان خدا یک پنجم دنیا، از زمین و آسمان، دشت و دمن، کوه و دریا را مهریه ی او قرار دادم.(1)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در منزل امّ سلمه بود، فرشته ای فرود آمد که پیامبر اکرم تا آن روز او را ندیده بود، فرمود: جبرئیلا! تا کنون من تو را به این صورت ندیده بودم. عرض داشت: من جبرئیل نیستم، من محمود هستم، خداوند مرا فرستاده که نور را با نور تزویج کنم.

فرمود: کدام نور را با کدام نور؟ عرضه داشت: فاطمه را با علی.

در میان دو کتف او نوشته شده بود:

لا اله الاّ اللّه، محمّد رسول اللّه، علیٌّ وصیّه.

فرمود: ای محمود! از چه زمانی این نوشته در میان دو کتف تو نوشته شده است؟

گفت: 22000 سال پیش از آن که خداوند متعال دنیا را بیافریند.(2)

1- [1] . نمازی خویی، حدایق الاشارات، ص 164.
2- [2] . شیخ صدوق، الأمالی، ص 474.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود که تعدادی از مهاجران و تعدادی از انصار را فراخواندند، پس خطبه ی مفصلی خواندند که با: «الحمد للّه المحمود بنعمته» آغاز می شود، در پایان فرمودند:

من شما را گواه می گیرم که فاطمه را به ازدواج علی درآوردم در مقابل 400 مثقال نقره، اگر راضی باشد.

آن گاه علی علیه السلام وارد شد، پس خطاب به ایشان فرمود:

یا علی! خداوند منان به من امر فرموده که فاطمه را به عقد تو در آورم، من او را به عقد تو در آوردم، در مقابل 400 مثقال نقره.

آیا راضی هستی؟

عرضه داشت: آری. آنگاه به سجده افتاد و سجده ی شکر به جای آورد.

پیامبر رحمت دعا کرد و فرمود: خداوند نسلی پاکیزه ی فراوان برای شما قرار دهد و مبارک گرداند.(1)

شب زفاف

به فرمان پیامبر طعامی به عنوان ولیمه تهیّه شد و در کوچه های مدینه دعوت همگانی برای شرکت در مجلس ولیمه به عمل آمد.

همه ی اهالی مدینه ده نفر ده نفر وارد شدند و اطعام شدند و سیر شدند و ظرف غذا تغییر نکرده و همچنان پر از غذا بود.

بیش از 3000 نفر از مؤمنان و 300 نفر از منافقان، در کنار سفره حاضر شدند، همه سیر شدند و دیگ غذا به برکت «مبارکه» هنوز پر بود.

1- [1] . خوارزمی، المناقب، ص 336، ح 357.

آنگاه کاسه ها را پر کردند به خانه های بیوه زنان، بینوایان، و نیازمندان ارسال گردید، حتی به خانواده های اهل ذمّه از اهل کتاب نیز ارسال شد. (1)

هنگامی که عروس را به خانه ی مولا می بردند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیشاپیش، جبرئیل از طرف راست، میکائیل از طرف چپ و هفتاد هزار ملک از پشت سر حرکت می کردند و تا صبح مشغول تسبح و تقدیس بودند.(2)

چند نکته

اشاره

قرآن کریم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را برای ما اُسوه و الگو معرّفی کرده می فرماید:

«لَقَدْ کَانَ لَکُمْ فِی رَسُولِ اللّهِ أُسْوَهٌ حَسَنَهٌ»

برای شما در رسول خدا الگوی زیبایی است.(3)

در منابع حدیثی، سیره و تاریخ، مطالب فراوانی در مورد ازدواج صدّیقه ی طاهره آمده، که ما در اینجا کمتر از یک صدم آن را نقل کردیم.

در همین مقدار نکات مهمّی هست که باید جامعه ی اسلامی برای برون رفت از مشکلات زمان ما، به آنها توجه کنند:

1. مقدار مهریّه

در تعالیم عالیه ی اسلامی برای کمی مهریّه تأکید فراوان شده و عملاً رسول اکرم صلی الله علیه و آله مهریّه حضرت فاطمه علیهاالسلام، حضرت خدیجه و دیگر همسران خود را 5/12 اوقیه قرار داده که معادل 5/262 مثقال نقره ی خالص(4) می باشد، که در

1- [1] . طبری امامی، دلائل الامامه، ص 96.
2- [2] . ابن فتال، روضه الواعظین، ج1 ص 338.

3- [3] . سوره احزاب، آیه ی 21.
4- [4] . که همان 400 مثقال شرعی است.

اصطلاح به «مهر السّنه» شهرت یافته است.

اگر به جای مسابقه در فزون طلبی، تلاش شود که مهریّه بانوان به همان مهر السّنّه برگردد، تأثیر عجیبی در پایین آمد سنّ ازدواج خواهد داشت.

حضرت خدیجه 4000 دینار به خانواده ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرستاد تا آن را به عنوان مهریّه به خانواده ی حضرت خدیجه بفرستند(1) ولی پیامبر صلی الله علیه و آله اکرم فقط 500 درهم یعنی یک هشتادم آن را به عنوان مهریه فرستاد.(2)

2. نقد بودن مهریّه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود که زره خود را بفروشد و پول آن را به عنوان مهریّه به حضرت فاطمه بپردازد.

در زمان ما به داماد تلقین می شود که: کی داده، کی گرفته؟!

طولی نمی کشد که عروس خانم به دادگاه مراجعه کرده، علیه داماد شکایت، مهریه اش را می طلبد، داماد راهی زندان شده.

3. جلب نظر دختر

ازدواج صدّیقه ی طاهره به امر پروردگار و لازم الاجراء بود، در عین حال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به نزد حضرت فاطمه علیهاالسلام رفته، به او می فرماید: علی آمده، نام تو را می برد. صدّیقه طاهره سکوت می کند و پیامبر عظیم الشأن می فرماید: سکوتش علامت رضایتمندی است.

پدرها و مادرها در عین رعایت مصالح فرزندان، باید به خواسته های آنها

1- [1] . علامه مجلسی، بحار الانوار، ج16، ص 70.
2- [2] . کلینی، الکافی، ج5، ص 376.

توجّه کنند به آرای آنها احترام بگذارند، در هیچ موردی، به ویژه در مورد انتخاب همسر آنها را مجبور نکنند.

4. تأمین جهیزیّه

تأمین جهیزیّه یکی از دغدغه های مهمّ خانوده های عروس می باشد، در این زمینه زیاده روی های عجیبی می شود و تأمین جهیزیّه گاهی خانوده هایی را از زندگی ساقط می کند.

مراکزی عهده دار تأمین جهیزیّه شده، در این امر حیاتی به کمک خانواده ها می شتابند و کار بسیار شاسته ای انجام می دهند، باید آنها را پشتیبانی کرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مهریه حضرت فاطمه علیهاالسلام یک مشت به سلمان، یک مشت به مقداد و چند مشت به چند نفر دیگر از اصحاب دادند و کمّ و کیف جهیزیّه مورد نظر را بیان فرمودند و آنها را راهی بازار نمودند.

5. ولیمه ی عروسی

در زمان ما به بهانه ی کوچک بودن خانه ها، ولیمه ها را در تالارها با هزینه های کمرشکن انجام می د هند و بسیاری از خانوده ها جدّاً با مشکل مواجه می شوند.

6. توجّه به نیازمندان

علاوه بر حاضران و شرکت کنندگان در ولیمه ی صدّیقه ی طاهره، پیامبر رحمت کاسه ها را پر کرده به خانه های بیوه زنان، بینوایان و نیازمندان فرستادند.

در جوامع ما عمدتاً افراد ثروتمند به مجالس ولیمه دعوت می شوند و به

نیازمندان توجّهی نمی شود.

امیدواریم همه ی ما از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر پیشوایان معصوم علیهم السلام الگو بگیریم، برای امر ازواج تسهیلاتی فراهم کنیم، از سقوط نسل جوان در فساد و تباهی جلوگیری کنیم.

با کمال تأسف بسیاری از نقّادان که در هر مجلسی تجمّل پرستی را محکوم می کنند، خود در مقام عمل از تجمّلات صرف نظر نمی کنند و در برابر خواستگاران شرایط سخت و طاقت فرسا قرار می دهند.

برای تحقیق بیشتر:

روضه الواعظین، تألیف: ابن فتّال نیشابوری، مستشهد 508 ق.

مناقب امیرالمؤمنین، تألیف: اخطب خوارزم، متوفای 568 ق.

دلائل الامامه، تألیف: طبری امامی - قرن پنجم -

ص: 15

درس دوّم: سیمای حضرت فاطمه علیهاالسلام در آیینه ی قرآن

اشاره

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چهل سال تمام به عبادت و اطاعت پروردگار پرداخت، تا به دریافت قرآن کریم مفتخر گردید.

آنگاه چهل شبانه روز به تهجّد خاصّ پرداخت تا کوثر قرآن فاطمه ی زهرا علیهاالسلامبه آن حضرت اعطاء گردید.

بیش از صد آیه از آیات نورانی قرآن در پرتو احادیث وارده از پیشوایان معصوم علیهم السلام به صدّیقه ی طاهره، حضرت فاطمه ی زهرا علیهاالسلام تفسیر شده است، که از آن جمله است سوره ی مبارکه کوثر:

«إِنَّا أَعْطَیْنَاکَ الْکَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّکَ وَانْحَرْ * إِنَّ شَانِئَکَ هُوَ الْأَبْتَرُ»

ما به تو کوثر عطا کردیم، پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی ذبح کن، به راستی دشمن تو بلا عقب و مقطوع النسل است.(1)

این سوره کوتاه ترین سوره ی قرآن است که از سه آیه و 10 کلمه تشکیل یافته و 6 واژه از واژگان آن در قرآن فقط یک بار به کار رفته است.

همان گونه که حضرت فاطمه علیهاالسلام دردانه ی جهان خلقت است، سوره ی

1- [1] . سوره ی کوثر، آیه ی 1-3.

کوثر نیز از نوادر سوره های قرآن می باشد.(1)

گلواژه ی کوثر

«کوثر» بر وزن «فَوعَل» برای کثرت بیش از حد وضع شده است، نهر بهشت را از این جهت کوثر می نامند که آبش بسیار فراوان، ظرف هایش به تعداد ستارگان و جایگاهش بسیار بلند است.(2)

در مورد حوض کوثر از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود:

حوض من مسیر یک ماه راه است، آبش سفیدتر از شیر، عطرش خوشبوتر از مشک، کاسه هایش به تعداد ستارگان می باشد. هرکس از آن بنوشد، هرگز تشنه نمی شود.(3)

در مورد نهر کوثر نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

بر کرانه ی آن 12000 درخت است، هر درختی 360 شاخه دارد، چون اهل بهشت در صدد جشن و شادمانی باشند، شاخه ها به حرکت در می آیند، از شاخه های آن درختان نغمه های روح بخشی شنیده می شود، که اگر در بهشت مرگ بود، اهل بهشت از شادی قالب تهی می کردند.(4)

در مورد منظور از کوثر اقوال مختلفی هست، ابن حجر تعداد آن را بیش از 10 قول گفته،(5) برخی دیگر آن را به 26 قول رسانده اند.(6)

1- [2] . شش مورد نام برده شود
2- [1] . ابن حجر، فتح الباری، ج8 ، ص 732.
3- [2] . بخاری، الصّحیح، ج 8، ص 149.
4- [3] . ابن مشهدی، کنزالدقائق، ج 11، ص 562.
5- [4] . ابن حجر، همان.
6- [5] . قرشی، قاموس القرآن، ج6، ص 94.

مهم ترین اقوال به شرح زیر است:

1. حوض کوثر

حوض کوثر میعاد گاه امّت با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در عرصات محشر می باشد که می فرماید:

اِصبِرُوا حَتّی تَلْقُونی عَلَی الْحَوضِ؛

صبر و شکیبایی پیشه کنید تا در کنار حوض کوثر با من ملاقات کنید.(1)

در احادیث ثقلین که با بیش از یکصد طریق از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسیده، در مورد قرآن و عترت آمده است:

لَنْ یَفْتَرِقا حَتّی یَرِدا عَلَی الْحَوضِ

از یکدیگر جدا نمی شوند، تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.(2)

2. نهری در بهشت

کوثر نهری در بهشت است که بیشتر نهرهای بهشتی از آن سرچشمه می گیرد.(3)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمود:

کوثر نهری است در بهشت که خداوند آن را به من عطا فرموده است، خاکش چون مشک است، از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر

1- [1] . بحاری همان.
2- [2] . حاکم، مستدرک علی الصحیحین، ج3، ص 148.
3- [3] . خلیل، العین، ج 4، ص 37.

می باشد.(1)

در حدیث دیگری فرمود:

کوثر نهری است که خداوند آن را به من عطا فرموده است.(2)

در حدیث دیگری فرمود:

در شب معراج بر نهری گذشتم که بر کرانه های آن مرواریدهای بزرگی بود که میان تهی بود. از جبرئیل پرسیدم که آن چیست؟ گفت: آن کوثر است.(3)

آنگاه خطاب به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

کوثر نهری است که از زیر عرش سرچشمه می گیرد، از شیر سفیدتر، از عسل شیرین تر و...

در پایان فرمود:

علی جان! این نهر از آنِ من و تو و دوستداران توست.(4)

در حدیث دیگری فرمود:

این نهر برای من، تو، فاطمه، حسن و حسین می باشد و شخص دیگری در آن سهم ندارد.(5)

در حدیث دیگری فرمود:

کسی که پیمان مرا بشکند و یا خون اهل بیت مرا بریزد از آن نهر

1- [1] . سیوطی، الجامع الصّغیر، ص 402.
2- [2] . دیلمی، فردوس الاخبار، ج 3، ص 358.
3- [3] . بخاری، الصّحیح، ج 6، ص 219.
4- [4] . شیخ طوسی، الامالی، ص 69.

5- [5] . سید شرف، تأویل الآیات الظّاهره، ج2، ص 858.

نخواهد نوشید.(1)

در ضمن حدیث معراج فرمود:

جبرئیل خانه های مرا به من ارائه داد و خانه های اهل بیت ام را در کنار نهر کوثر به من نشان داد.(2)

3. خیر کثیر

ابن عباس در تفسیر کوثر گوید: کوثر خیر کثیری است که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عطا شده است.

ابو بشیر گوید: به سعید بن جبیر گفتم: مردم خیال می کنند که کوثر نهری در بهشت است. سعید گفت:

نهری که در بهشت است، آن نیز بخشی از همان خیر کثیر است که خداوند به پیامبر عطا فرموده است.(3)

ابن فارس گوید:

کوثر نام نهری در بهشت است که منظور از آن خیر کثیر است.(4)

خلیل گوید:

کوثر خیر کثیری است که خداوند منّان آن را به رسول عالمیان عطا فرموده است.(5)

کوثر در لغت به معنای متناهی در کثرت می باشد، یعنی، هیچ خیر و برکت و

1- [1] . حسکانی، شواهد التنزیل، ج2، ص 487.
2- [2] . همان، ص 486.
3- [3] . بخاری، الصحیح، ج 6، ص 219.
4- [4] . ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ج 5 ص 161.
5- [5] . خلیل، العین.

رحمتی نیست، جز این که خداوند آن را به حبیب خود عطا فرمود است.(1)

4. نسل و ذرّیه

طریحی گوید: گفته شده منظور از کوثر کثرت نسل و ذرّیه است که در نسل حضرت فاطمه علیهاالسلام تحقّق یافته است.(2)

فخر رازی در تفسیر کوثر گوید:

قول سوم این است که منظور از کوثر اولاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می باشد، زیرا این سوره در ردّ کسی نازل شده که پیامبر اکرم را «ابتر» خوانده است و لذا معنای سوره ی مبارکه چنین می باشد:

خداوند منّان به رسول عالمیان از طریق حضرت فاطمه نسل با برکتی عنایت فرموده که در رهگذر زمان باقی خواهد ماند.

با نظر اعتبار ببین چقدر از فرزندان حضرت فاطمه کشته شده اند، ولی جهان پر است از این نسل مبارک.

از تبار بنی امیه حتی یک نفر شخص قابل اعتنا نمانده است. ولی عالمان فرهیخته و بزرگواری که از نسل فاطمی پیدا شده اند، به شمار نمی آیند، که از آن جمله است: امام باقر، امام صادق، امام کاظم، امام رضا، امام جواد، امام هادی، امام عسکری و غیر آنها.(3)

عین همین متن را نیشابوری نیز در تفسیر خود آورده است.(4)

1- [1] . صادقی، الفرقان، ج 30، ص 476.
2- [2] . طریحی، مجمع البحرین، ج 3، ص 449.
3- [3] . فخر رازی، تفسیر کبیر، ج 32، ص 124.
4- [4] . نیشابوری، تفسیر غرائب القرآن، در حاشیه تفسیر طبری، ج 30، ص 175.

برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سه فرزند ذکور عنایت فرموده:

1. قاسم از حضرت خدیجه

2. عبداللّه، ملقب به طیّب و طاهر نیز از خدیجه

قاسم در چهار سالگی و عبداللّه در شیرخوارگی وفات کردند.(1)

3. ابراهیم از ماریه ی قبطیّه، که او نیز در خرد سالی وفات کرد.

تنها فرزندی که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله باقی ماند و نسل طیّب و طاهر آن حضرت به وسیله ی او تداوم یافت، حضرت فاطمه ی زهرا علیهاالسلام می باشد که تنها مصداق کوثر می باشد.

به هنگام تهاجم به خانه ی وحی، حضرت محسن بین در و دیوار به شهادت رسد، از این طریق ثلث عترت طه از بین رفت و نسل حضرت فاطمه علیهاالسلام فقط از طریق امام حسن و امام حسین علیهماالسلام تداوم یافت.

در فاجعه ی کربلا همه ی فرزندان امام حسین علیه السلام به شهادت رسیدند و سادات حسینی منحصرا از طریق امام سجاد علیه السلام باقی ماندند.

در همین فاجعه، همه ی فرزندان امام مجتبی علیه السلام نیز به شهادت رسیدند و سادات حسنی از طریق حسن مثنّی و زید بن امام مجتبی تداوم یافت.

با توجّه به نکات فوق، کثرت نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یکی از معجزات، عنایات حضرت احدیت و کرامات گلواژه ی کوثر می باشد.

در تفسیر قمی آمده است:

خداوند کوثر را به جای ابراهیم، فرزند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به آن حضرت

1- [1] . یعقوبی، التاریخ، ج 2، ص 26.

عطا فرموده است.(1)

عین همین تعبیر از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است.(2)

جایگزین بودن کوثر به جای ابراهیم شاهد دیگری است بر این که منظور از کوثر، فقط فاطمه ی زهرا علیهاالسلام می باشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرزندش ابراهیم را برای امام حسین علیه السلام فدا کرد، خداوند منّان نیز نسل آن حضرت را از طریق حضرت فاطمه علیهاالسلام تداوم بخشید.

تقابل گلواژه ی کوثر با «ابتر» دلیل قاطع و روشنی است بر این که منظور از کوثر، حضرت فاطمه علیهاالسلام است.

در واقع خداوند منّان به حبیب خود می فرماید:

دشمن تو ابتر است، از او نه اسمی، نه رسمی، نه فرزندی و نه نام نیکی نخواهد ماند، اما ذرّیه ی تو تا روز قیامت باقی و پابرجا می باشد و آثار فضل و آوازه ی تو در دنیا و آخرت بیرون از شمار می باشد.(3)

شیخ زاده در حاشیه ی خود بر تفسیر بیضاوی می نویسد:

مفسران در تفسیر کوثر اقوال مختلفی گفته اند، از جمله این که منظور از کوثر اولاد پیامبر اکرم می باشد و دلالت می کند بر این معنی این که این سوره در ردّ کسی نازل شده که آن حضرت را ابتر خوانده و تصوّر کرده که آن حضرت جانشین و جایگزین نخواهد داشت.(4)

1- [1] . علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج 2، ص 445.
2- [2] . طبرسی، مجمع البیان، ج 10، ص 836 در چاپ دیگر: ص 459
3- [3] . بیضاوی، أنوار التّنزیل، ج 3، ص 576.
4- [4] . شیخ زاده، الحاشیه علی تفسیر البضاوی، ج9، ص 341.

از دیگر مفسّرانی که این تعبیر را آورده اند عبادتند از: شهاب الدّین(1)

عثمان بن حسن، مشهور به: کوسه زاده(2) و ابوبکر حضرمی می باشند.(3)

بورسوی می گوید: اظهر این است که همه ی نعمت های الهی در واژه ی کوثر جمع است، این واژه همه ی نعمت های ظاهری و باطنی را در بر می گیرد.

سپس می نویسد: خیرات دنیا و آخرت از نعمت های ظاهری می باشد و علوم لدنّی که با افاضات ربّانی حاصل می شود، از نعمت های باطنی می باشد.(4)

بر این اساس حضرت فاطمه ی اطهر علیهاالسلام همان خیر کثیر است که خداوند منّان به حبیب خود رسول عالمیان عطا فرموده، که حوض کوثر و نهر بهشتی کوثر جلوه هایی از این کوثر جاری رسالت و امامت می باشد و همه ی نعمت های ظاهری و باطنی را فرا می گیرد.

با توجّه به تقابل آن با «ابتر» کثرت اولاد، نام نیک، خیر و برکت مادّی و معنوی را در بر دارد و در مقابل ابتر: از همه ی آنها محروم است، نه نسلی، نه اسمی، نه رسمی، نه نام نیکی، بلکه منقطع از هر خیری می باشد.(5)

یکی از جهات اعجاز قرآن در سوره ی مبارکه کوثر این خبر غیبی است که خداوند منّان آن دشمن دیرینه پیامبر را «ابتر» تعبیر فرموده و ابتر در لغت به معنای کسی است که نسلش قطع شود و عقب نداشته باشد.(6)

1- [5] . شهاب الدین، عنایه القاضی، ص 403.
2- [1] . کوسه زاده، المجالس، ص 222.
3- [2] . حضرمی، القول الفصل، ص 457.
4- [3] . بورسوی، روح البیان، ج 10، ص 617.
5- [4] . ثعلبی، الکشف و البیان، ج 10، ص 313.
6- [5] . خلیل، العین، ج 4، ص 37؛ ابن کثیر، النّهایه، ج1، ص 93.

جالب توجّه این که هنگام نزول این سوره، عاص بن وائل 10 پسر داشت(1) ولی منطق وحی او را ابتر خواند و نسلش منقطع شد.

در این زمینه توجیه دیگری نقل شده و آن این است که فرزندانی که در فراش او متولّد شده بودند، همگی حرام زاده بودند و هیچ کدام فرزند واقعی او نبودند.(2)

شأن نزول آیه

ابن عباس گفته: این آیه در مورد عاص بن وائل سهمی (پدر عمروعاص) نازل شده است(3) غالب مفسّران نیز همان را از ابن عباس نقل کرده اند.(4)

ولی در لسان روایات غالبا از عمروعاص به عنوان ابتر تعبیر شده است:

1. رسول اکرم صلی الله علیه و آله شرورترین انسان ها را در میان اوّلین و آخرین می شمارد، شش تن از امّت های پیشین و شش تن از از امّت اسلامی نام می برد و در پایان می فرماید: وَ الْأَبتَر وَ هُوَ عَمْرُ بْنُ عاص.(5)

2. امام مجتبی علیه السلام در مجلس معاویه به عمرو عاص خطاب کرده و فرمود:

وَ اَمّا أنتَ یا عَمروُبْنُ الْعاصِ الشّانی اللّعینُ الأبْتَرُ؛

اما تو ای عمروبن عاص! دشمن، ملعون، ابتر!(6)

1- [1] . صادقی، الفرقان، ج 30، ص476.
2- [2] . شیخ طوسی، التّبیان، ج 10، ص 418.
3- [3] . ابن عباس، تنویر المقباس، ص 602؛ واحدی، اسباب النزول، ص 206.
4- [4] . ثعلبی، الکشف و البیان، ج 10، ص 307، طبری، جامع البیان، ج 30، ص 212؛ طبرسی، مجمع البیان، ج 10، ص 836.
5- [5] . شیخ صدوق، الخصال، ج 2، ص 458، خصال مترجم، ص 647.
6- [6] . طبرسی، الاحتجاج، ج 1، ص 276.

حل مشکل به این است که به هنگام مواجه شدن با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پدر و پسر هر دو حضور داشتند.

ابوهلال عسکری می نویسد: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از خاکسپاری فرزندش با عاص بن وائل و پسرش عمروبن عاص روبه رو شدند. عمروعاص گفت: «من این مرد را دشمن می دارم».

پدرش گفت: «او دیگر ابتر شد و نسلش منقطع گردید.»

پس خداوند آیه ی شریفه ی «إِنَّ شَانِئَکَ هُوَ الْأَبْتَرُ» را نازل فرمود.(1)

بیان امام مجتبی علیه السلام نیز به این نکته اشاره دارد، آنجا که خطاب به عمروعاص فرمود:

تو بودی که خطبه خواندی و گفتی: من محمد را دشمن می دارم و عاص بن وائل گفت: محمد ابتر است، فرزند ندارد، اگر بمیرد نامش و یادش از بین می رود.(2)

شایان توجه است که عمر عاص در مقابل این آیه شریفه جبهه گرفته، در مصر بر فراز منبر گفت 200000 درهم به من داده اند که آیه ی «إِنَّ شَانِئَکَ هُوَ الْأَبْتَرُ» را از قرآن بردار!!

معاویه در نامه ای به او نوشت: آنچه در مصر بر فراز منبر گفتی به من رسید، تو چنین جایگاهی نداری.(3)

به کوری چشم همه ی بدخواهان، کوثر همیشه جاری رسالت و امامت،

صدّیقه ی طاهره، حضرت فاطمه علیهاالسلام، تندیس کوثر، سرچشمه ی نسل مبارک

1- [1] . ابوهلال، الأوائل، ص 80.
2- [2] . طبرسی، همان.
3- [3] . بحرانی، تفسیر البرهان، ج 10، ص 441.

پیامبر رحمت، تا انقراض عالم و پایان جهان، بر تارک خلقت می درخشد و ذریّه اش در اقصی نقاط عالم، شاهد صدق منطق وحی و مصداق روشن خیر کثیر می باشند.

از ده پسر عاص بن وائل هیچ نشانی در جهان نماند و میلون ها سیّد حسنی و حسینی از برج فاطمی و علوی طلوع کرده، در جهان نور افشانی می کنند.

گفته می شود: در قرن هشتم سادات و فرزندان حضرت زهرا علیهاالسلام را سر شماری کردند، به 20000 رسیدند، و در زمان سلطان سلیم عثمانی (جلوس: 974-982ق) شماره ی آنها به 19 ملیون رسیده بود.(1)

آگاهان آمار، سادات را در زمان ما 60 ملیون نفر تخمین می زنند.(2)

کثرت نسل مبارک و میمون حضرت زهرا، یکی از معجزات غیبی قرآن کریم و بر چیده شدن طومار نسل عاص بن وائل از روی زمین، یکی دیگر از معجزات قرآن می باشد، که نه اسمی، نه رسمی، نه یادی و نامی از او نمانده است.(3)

در پایان این مقال اشاره می کنیم که آنان که به در خانه ی وحی تهاجم کردند،

کوثر قرآن را در میان در و دیوار آزردند و ثلث عترت طه را با یک لگد از بین

1- [1] . قریشی، قاموس القرآن، ج 6، ص 96.
2- [2] . در هر قرن حداقل سه نسل به وجود می آید، بدین گونه که اگر شخصی در 25 سالگی ازدواج کند، تا 35 سالگی صاحب فرزند شود و فرزند او هم ازدواج کند تا 35 سالگی صاحب فرزند شود سه نسل می شود. به این ترتیب تاکنون حدود 40 نسل از فرزندان حضرت زهرا به وجود آمده اند. اگر هر نسلی دو فرزند از خود باقی بگذارد، به این معناست که در هر طبقه نسل حضرت زهرا دو برابر می شود. بدین گونه که در نسل اول 2 نفر، نسل دوم 4 نفر، نسل سوم 8 نفر، نسل چهارم 16

نفر، نسل پنجم 32 نفر، به همین ترتیب تا آنکه در نسل بیست و هفتم جمعیت آنها به 67108864 نفر می رسد. پس وجه این آمار برای سادات روشن می شود.

3- [3] . طنطاوی، تفسیر الجواهر، ج 25، ص 276.

بردند، همان گونه که سعادت شرکت در نماز فاطمه علیهاالسلام را از دست دادند، در روز قیامت نیز همانند اشتران بیگانه که از نزدیک شدن به آبشخور رانده می شوند، از نزدیک شدن به حوض کوثر منع شده، به سوی دوزخ رانده می شوند، چنانچه در احادیث فراوان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است.(1)

برای تحقیق بیشتر:

1. فضائل فاطمه الزّهراء فی الذّکر الحکیم، شیخ علی حیدر مؤید.

2. شواهد التنزیل، حافظ عبیداللّه حسکانی، از علمای عامه در قرن پنجم هجری.

3. الکوثر فی احوال فاطمه بنت النّبی الاطهر، سید محمد باقر موسوی (در هفت مجلد)

1- [1] . بخاری، الصّحیح، ج 8، ص 148-151؛ ابن حجر، فتح الباری، ج11، ص 473.

در فرازی از حدیث کساه معروف آمده است که خداوند منّان خطاب به فرشتگان فرمود:

من آسمان بر افراشته، زمین گسترده، خورشید فرزان، ماه تابان، فلک چرخان، دریای خروشان و کشتی های روان را جز برای محبّت این پنج تن که در زیر کساء هستند نیافریدم.

این فراز از کلام قدسی صریح است در این که پنج تن از آل عبا علّت خلقت و راز آفرینش جهان هستی می باشند.

جبرئیل امین عرضه داشت:

بار پرودگارا! چه کسانی در زیر کساء هستند؟

خداوند منّان فرمود:

هُمْ اَهْلُ بَیْتِ النُّبُوَّهِ وَ مَعْدِنُ الرِّسالَهِ،

هُمْ فاطِمَهُ وَ اَبُوها وَ بَعْلُها وَ بَنُوها.

آنها اهل بیت نبوّت و معدن رسالت هستند.

آنها: فاطمه، پدر فاطمه، شوهر فاطمه، و فرزندان فاطمه هستند.(1)

1- [1] . در مورد اعتبار حدیث کساء معروف در فصل «آثار علمی حضرت فاطمه» سخن گفتیم.

در این فراز از کلام قدسی پنج تن آل عبا، با محوریت حضرت فاطمه علیهاالسلام معرّفی شده اند.

این کلام قدسی مؤید است با کلام قدسی دیگر، که در شب معراج از سوی خداوند منّان خطاب به خاتم پیامبران شرف صدور یافته است که خطاب شد:

یا اَحْمَدُ! لَولاکَ لَما خَلَقْتُ الأفْلاکَ،

وَ لَولا عَلیٌّ لَما خَلَقْتُکَ

وَ لَولا فاطِمَهُ لَما خَلَقْتُکُما؛

ای احمد!(صلی الله علیه و آله) اگر تو نبودی این چرخ گردون را نمی آفریدم، اگر علی نبود تو را نمی آفریدم و اگر فاطمه نبود شما دو تن را نمی آفریم.

این کلام قدسی را مرحوم آیت اللّه میرجهانی در کتاب شریف «الجُنّه العاصمه» از کتاب «کشف اللّئالی» با سند متصل به جابر بن عبد اللّه انصاری نقل کرده است.(1)

کتاب «کشف اللئالی» تألیف صالح بن عبد الوهّاب، مشهور به: «ابن عرندس» می باشد.

ابن عرندس از علمای بزرگ و شعرای سترگ شیعه در قرن نهم هجری می باشد.

علامه امینی در مورد یکی از قصائد ایشان فرموده است:

در میان اصحاب مشهور است که این اشعار هرگز در مجلسی خوانده نشده، جز این که حضرت بقیّه اللّه ارواحنا فداه حضور یافته است.(2)

1- [1] . میرجهانی، الجنّه العاصمه، ص 284.
2- [2] . علامه امینی، الغدیر، ج 7، ص 14.

متن کامل این اشعار در کتاب «منتخب طریحی» آمده است.(1)

کتاب «کشف الّلئالی» تا کنون به چاپ نرسیده است، نسخه ی خطّی آن در کتابخانه ی علامه شیخ محمد سماوی، در نجف اشرف، موجود است.

علامه میرجهانی آن را در کتابخانه مرحوم سماوی دیده و کلام قدسی یاد شده را از آن استنساخ نموده است.(2)

چند نکته

1. حدیث کساء معروف را صاحب عوالم با سلسه اسنادش از طریق جابر بن عبد اللّه انصاری، از حضرت فاطمه علیهاالسلام روایت کرده است.(3)

2. به هنگام وقوع حادثه ی کساء، واثله بن اسقع، از اصحاب عظیم الشأن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خانه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام حضور داشته و این واقعه را مشاهده کرده، علاوه بر جابربن عبداللّه او نیز مشاهدات خود را برای دیگر اصحاب نقل کرده است.(4)

3. معرفی اصحاب کساء از سوی حضرت احدیّت با محوریّت حضرت فاطمه علیهاالسلام انجام یافته است.

خداوند می توانست به فرشتگان بفرماید که آنها حبیب من رسول اکرم، دخترش فاطمه، دامادش علی و نوه هایش حسن و حسین می باشند، ولی فرمود: آنها فاطمه، پدر فاطمه، همسر فاطمه و فرزندان فاطمه می باشند.

1- [1] . طُریحی، المنتخب، ج2، ص254.
2- [2] . میرجهانی، همان، ص 283.
3- [3] . بحرانی، عوالم العلوم، ج11، ص 930.
4- [4] . ابن ابی شیبه، المصنّف، ج7، ص 50.

4. احتمالا جهت محوریّت حضرت فاطمه علیهاالسلام در این کلام قدسی، این باشد که مخاطب این سخن فرشته ها بودند و فرشته ها از پیش از خلقت حضرت آدم، با حضرت فاطمه علیهاالسلام آشنایی داشتند، زیرا پس از خلقت زمین و آسمان فرشتگان از تاریکی آسمان شکایت کردند، خداوند منّان نور حضرت فاطمه علیهاالسلام را برای فرشتگان تجلّی داد، همه ی فرشته ها به سجده افتاندند و عرض کردند: این چه نوری است، خطاب شد:

این پرتوی از انوار منست، آن را در آسمانم قرار دادم و آن را از عظمت نور خودم آفریدم، او را از صلب پیامبری از پیامبرانم بیرون می آورم و او را بر پیامبرانم تفضیل می دهم و از او پیشوایانی به وجود می آورم که به فرمان من بر می خیزند و به حق من رهنمون می شوند، آنها را پس از انقضای وحی، جانشینان خود در روی زمین قرار می دهم.(1)

بر این اساس فرشته ها از پیش از خلقت حضرت آدم، با نور حضرت فاطمه علیهاالسلام آشنا بودند و با نور آن حضرت از تاریکی آسمان نجات یافته بودند.

در واقع خداوند منان می فرماید: شما که حضرت فاطمه را می شناسید و هزاران سال است که با نور او آشنا هستید، اصحاب کساء عبارتند از: فاطمه، پدر فاطمه، همسر فاطمه، و فرزندان فاطمه.

5. در متن حدیث کساء جابر بن عبداللّه انصاری از حضرت فاطمه علیهاالسلام نقل می کند که می فرماید:

پس خداوند فرمود: ای فرشتگان من! و ای ساکنان آسمان من! پس

1- [1] . شیخ صدوق، علل الشرایع، ج1، ص180.

جبرئیل امین عرضه داشت: پروردگارا! چه کسانی زیر کساء هستند؟

پس خداوند عزّوجلّ فرمود: آنها اهل بیت نبوّت و معدن رسالت هستند...

پس جبرئیل عرض کرد: پروردگارا! آیا اذن می فرمایی که من نیز هبوط کرده، ششمین آنها بشوم؟

پس خداوند فرمود: آری من اذن دادم.

پس جبرئیل فرود آمد و گفت: درود بر تو ای رسول خدا...

همه ی این فرازها را حضرت فاطمه علیهاالسلام بدون واسطه نقل می کند و نمی فرماید که پدرم فرمود: که خداوند منّان چنین فرمود و فرشتگان چنان، بلکه خود می فرماید: که خداوند فرمود و جبرئیل عرضه داشت و خداوند فرمود.

این تعبیرها صریح هستند در این که حضرت فاطمه علیهاالسلام بدون واسطه سخن رب الارباب را شنیده و گفت و گوی فرشتگان را با حضرت احدیّت شخصا استماع نموده است.

6. یکی از اسامی حضرت فاطمه علیهاالسلام، «محدّثه» می باشد، امام صادق علیه السلام در علت نامگذاری آن حضرت به محدّثه فرمود:

حضرت فاطمه را از این جهت «محدّثه» نامیده شده، که فرشته از آسمان بر او فرود می آمد و او را ندا می کرد، همان گونه که بر مریم دخت عمران فرود می آمد.(1)

1- [1] . همان، ص 182.

7. سخن گفتن فرشته ها با حضرت مریم (1) و همسر حضرت ابراهیم در

قرآن به صراحت آمده(2) و در مورد مادر حضرت موسی واژه ی «وحی» به کار رفته است:

ما به مادر موسی وحی کردیم که...(3)

از این رهگذر امکان سخن گفتن فرشته با حضرت فاطمه علیهاالسلام و دریافت وحی برای آن حضرت از آیات نورانی قرآن قابل اثبات است.

8. رئیس مذهب، امام صادق علیه السلام در مورد ایّام حزن و اندوه حضرت فاطمه علیهاالسلام پس از شهادت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

در فراق پدر، اندوه فراوان او را فرا گرفت، جبرئیل همواره به نزد او می آمد، او را نیکو تسلیت می داد، از جایگاه پدرش سخن می گفت و از آنچه پس از وی برای ذریّه اش رخ خواهد داد نوید می داد.(4)

9. در کلام قدسی «لَولاکَ لَما خَلَقْتُ الأَفْلاکَ، وَ لَولا عَلیٌّ لَما خَلَقْتُکَ، وَ لَولا فاطِمَهُ لَما خَلَقْتُکُما» تصور نشود که این کلام برتری حضرت علی علیه السلام را بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و برتری حضرت فاطمه علیهاالسلام را بر آن دو می رساند، بلکه از اعتقادات قطعی ما این است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشرف کاینات و افضل موجودات جهان خلقت است و بعد از ایشان امیرمؤمنان علیه السلام بر همه ی پیامبران پیشین برتری دارد.

10. معنای حدیث قدسی این است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشرف و افضل کائنات

1- [2] . سوره ی آل عمران، آیه ی 3.
2- [1] . سوره ی هود، آیه ی 71 - 73.
3- [2] . سوره ی قصص، آیه ی 7.
4- [3] . کلینی، اصول کافی، ج1، ص 458.

است و خاتم پیامبران، پس از شهادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شریعت نسخ نمی شود،

بلکه تا انقراض عالم ادامه دارد و تداوم شریعت با وجود مقدس مولای متّقیان، امیرمؤمنان علیه السلام می باشد و لذا اگر علی نبود شرع مقدس ابتر می شد و تداوم نمی یافت و لذا فرمود:

وَ لَولا عَلیٌّ لَما خَلَقْتُکَ،

اگر علی نبود، تو را خلق نمی آفریدم.

چنانچه در قرآن کریم در مورد ابلاغ ولایت امیرمؤمنان به صراحت آمده است که:

«وَإِنْ لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»(1)

یعنی، اگر وصایت و ولایت امیرمؤمنان علیه السلام را ابلاغ نکنی، اساس رسالت الهی را ابلاغ نکرده ای.

چون امامت تداوم رسالت است و رسالت بدون امامت ابتر می باشد.

.11

وَ لَولا فاطِمَهُ لَما خَلَقْتُکُما

اگر فاطمه نبود، شما دو تن را نمی آفریدم.

زیرا بعد از شهادت مولای متقیان باید نُه ستاره ی فروزان امامت از برج فاطمی طلوع نماید، تا شریعت مطهّره تداوم پیدا کند.

پس این جمله به معنای برتری حضرت فاطمه بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام نمی باشد، بلکه به این معناست که شرع مقدس نبوی با خلافت علوی، و سپس با امامت امامان معصوم از تبار فاطمه علیهاالسلام تداوم خواهد یافت.

1- [1] . سوره ی مائده، آیه ی 67.

12. در پایان این مقال، این درس را با نکته ای نغز و پر مغزی از غوّاص

برکه ی غدیر خم، علامه ی بزرگوار آیه اللّه شیخ عبد الحسین امینی قدس سره حُسن ختام می بخشیم:

علامه ی امینی پس از بازگشت از سفر پاکستان چند روزی در مشهد مقدّس اقامت داشتند و جمعی از علمای مشهد مقدس به دیدارشان شرفیاب شدند، یکی از علمای مشهد که اینک از مدرسین حوزه ی علمیه مشهد مقدّس هستند، نقل می کنند که علامه ی امینی در یکی از جلسات برای گروهی از دیدار کنندگان، از یافته های خود از نسخه های خطی استانبول صبت کردند و به عنوان نمونه فرمودند:

من در مسافرت خود به استانبول و استفاده از نسخه های خطی کتابخانه های استانبول دو مجلّد بزرگ پیرامون امام حسن و امام حسین علیهماالسلام یادداشت برداشته ام، اگر روزی این یادداشت ها منتشر شود، به همان مقدار کتاب الغدیر موج ایجاد کرده، نشر این یادداشت ها نیز در جهان اسلام تأثیر خواهد گذاشت.

آنگاه یکی از یافته های خود را به شرح زیر بیان فرمودند:

من در این سفر در تتمّه ی حدیث «لولاک» را پیدا کردم و متن آن چنین است:

یا اَحْمَدُ! لَولاکَ لَما خَلَقْتُ الأفْلاکَ،

وَ لَولا عَلیٌّ لَما خَلَقْتُکَ،

وَ لَولا فاطِمَهُ لَما خَلَقْتُکُما،

وَلَولا الحَسَنان لَما خَلَقْتُکُم؛

_ای احمد!(_صلی الله علیه و آله) اگر تو نبودی این چرخ گردون را نمی آفریدم، اگر علی

نبود تو را نمی آفریدم و اگر فاطمه نبود شما دو تن را نمی آفریدم.

و اگر حسن و حسین نبودند، شما سه تن را نمی آفریدم.(1)

چنانچه پیشتر تقدیم گردید، معنای حدیث شریف این است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله علّت غایی جهان آفرینش، حضرت علی علیه السلام تداوم بخش شریعت نبوی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین علیهم السلام تداوم بخش کوثر جاری امامت هستند.

برای تحقیق بیشتر:

1. الجُنّه العاصمه، تألیف: حاج سید حسن میرجهانی (متوفای 1413ق)

2. الغدیر، تألیف: علامه امینی (متوفای 1390 ق)

3. المنتخب، تألیف: فخرالدین طریحی (متوفای 1085ق)

1- [1] . مهدی پور جرعه ای از کرامات امام حسین علیه السلام ص 16.

روایات صادره از رسول اکرم صلی الله علیه و آله پیرامون حضرت زهرا علیهاالسلام بسیار فراوان است، به تعدادی از آنها اشاره می کنیم:

1. فَاطِمَهُ بَهْجَهُ قَلْبِی، وَ ابْنَاهَا ثَمَرَتَا فُؤادِی، وَ بَعْلُهَا نُورُ بَصَرِی، وَ الْأَئِمَّهُ مِنْ وُلْدِهَا أُمَنَاءُ رَبِّی، وَ حَبْلُهُ الْمَمْدُودُ بَیْنَهُ وَ بَیْنَ خَلْقِهِ، مَنِ اعْتَصَمَ بِهِمْ نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُمْ هَوَی؛

فاطمه شادمانی دل من است، دو پسرش میوه دلم هستند، همسرش نور دیده ام می باشد، امامان از نسل او امنای پروردگار و ریسمان استوار خداوند به سوی مردمانند.

هرکس به آنها چنگ بزند نجات می یابد و هرکس از آنها تخلّف کند هلاک می گردد.(1)

2. وَ أَمَّا ابْنَتِی فَاطِمَهُ، فَإِنَّهَا سَیِّدَهُ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ، مِنَ الْأَوَّلِینَ وَ الْآخِرِینَ، وَ هِیَ بَضْعَهٌ مِنِّی، وَ هِیَ نُورُ عَیْنِی وَ هِیَ ثَمَرَهُ فُؤادِی، وَ هِیَ رُوحِی؛

اما دخترم فاطمه، او سرو بانوان جهان است از اولین و آخرین، او پاره تن من است، او نور چشم من، میوه دل من و روح من است.(2)

1- [1] . أخطب خوارزم، مقتل الحسین، ج 1، ص 99.
2- [2] . شاذان بن جبرئیل، الفضائل، ص 22.

3. نَزَلَ مَلَکٌ فَبَشَّرَنِی أَنَ فَاطِمَهَ سَیِّدَهُ نِسَاءِ الْجَنَّه؛

فرشته ای بر من فرود آمد و مرا بشارت داد که فاطمه سَروَر بانوان بهشت است.(1)

4. خَیْرُ رِجَالِکُمْ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ، وَ خَیْرُ شَبَابِکُمْ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ، وَ خَیْرُ نِسَائِکُمْ فَاطِمَهُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ،

بهترین مردان شما علی بن ابی طالب است، بهترین جوانان شما حسن و حسین است و بهترین بانوان شما فاطمه دختر محمد است.(2)

5. أَلاَ تَرضَینَ أَن تَکُونِی سَیدَهَ نِسَاءِ أَهلِ الجَنَّهِ وَابنَاکِ سَیدَا شَبَابِ أَهلِ الجَنَّهِ؛

آیا خشنود نیستی از این که بانوی بانوان بهشت باشی و پسرانت سَروَر جوانان بهشت باشند؟(3)

6. یَا سَلْمَانُ حُبُّ فَاطِمَهَ یَنْفَعُ فِی مِائَهِ مِنَ الْمَوَاطِنِ، أَیْسَرُ تِلْکَ الْمَوَاطِنِ: الْمَوْتُ وَ الْقَبْرُ وَ الْمِیزَانُ وَ الْحَشْرُ وَ الصِّرَاطُ وَ الْمُحَاسَبَه؛

ای سلمان! محبّت دخترم فاطمه در یکصد مورد پر خطر سود می بخشد، که آسان ترین آنها: 1) دم مرگ؛ 2) در قبر؛ 3) سنجش اعمال؛ 4) محشر؛ 5) صراط؛ 6) و به هنگام حساب رسی اعمال می باشد.(4)

7. إِذَا کَانَ یومَ القِیامَهِ، نَادَی مُنادٍ مِن بُطنَانِ العَرشِ، یا أَهلَ المَوقَفِ، غُضُّوا أَبصَارَکُم وَنَکِّسُوا رُؤسَکُم، لِتَجُوزَ فَاطِمَهُ بِنتُ مُحَمَّدٍ عَلَی الصِّرَاطِ؛

_چون روز قیامت فرا رسد، منادی از اعماق عرش ندا دهد: هان ای اهل محشر! دیدگان خود را فرو بندید و سرهای خود را پایین بیاورید، تا فاطمه دختر محمد از صراط عبور _

1- [1] . ذهبی، سیر أعلام النّبلاء، ج 2، ص 123.
2- [2] . خطیب، تاریخ بغداد، ج 4، ص 392.
3- [3] . هیثمی، مجمع الزّوائد، ج 9، ص 201.

4- [4] . خوارزمی، مقتل الحسین، ج 1، ص 100.

کند.(1)

8. إنَّ اللّهَ أَمرَنی أَن اُزَوِّجَکَ فَاطِمَةَ عَلَی خُمسِ الدُّنیا، فَمَن مَشَی عَلَی الأَرضِ وَهُوَ یبغِضُکِ، فَالدُّنیا عَلَیهِ حَرَامٌ، وَمَشَی عَلَیهَا حَرَاماً؛

_خداوند به من امر فرمود که فاطمه را به تو (امیرمؤمنان _علیه السلام) تزویج کنم در برابر یک پنجم دنیا، پس هر کسی که بر فراز آن گام نهد، در حالی که تو را دشمن می دارد، دنیا برای او حرام می باشد و گام نهادنش بر آن حرام است.(2)

9. فَاطِمَهُ بَضْعَهٌ مِنِّی، یُرِیبُنِی ما رَابَها، و یُؤذِینِی ما آذاها؛

فاطمه پاره تن من است، آنچه او را اندوهگین سازد، مرا اندوهگین می سازد و آنچه او را آزار بدهد، مرا آزار می دهد.(3)

10. أَوَّلَ مَن یدخُلُ الجَنَّهَ بِنتِی فَاطِمَهُ؛

اول کسی که وارد بهشت می شود، دخترم فاطمه است.(4)

11. إِنَّ اللّهَ غَیرُ مُعَذِّبِکِ وَ لاَ وُلدِکِ؛

خداوند تو را و فرزندانت را هرگز عذاب نمی کند.(5)

12. أَبشِری یا فَاطِمَهُ! فَاِنَّ المَهدِی مِنکِ؛

ای فاطمه تو را بشارت باد که مهدی از نسل توست.(6)

13. إِنَّ اللّهَ یَغْضَبُ لِغَضَبِکِ وَ یَرْضَی لِرِضَاک؛

1- [1] . سبط ابن جوزی، تذکره الخواص، ج 2، ص334.
2- [2] . قندوزی، ینابیع المودّه، ج 2، ص 314.
3- [3] . ابن حجر، تهذیب التّهذیب، ج 6، ص 609.
4- [4] . زینی دحلان، سیره حلبیه، ج 1، ص 232.
5- [5] . هیثمی، مجمع الزّوائد، ج 9، ص 202.

6- [6] . متّقی هندی، کنز العمّال، ج 12، ص 105.

خداوند به سبب خشم تو خشمگین می شود و به سبب خشنودی تو خشنود می شود.(1)

14. فِدَاکَ أَبِی وَ أُمِّی؛

پدر و مادرم به فدای تو باد.(2)

15. الْحَمْدُ للّه ِ الَّذِی لَمْ یُخْرِجْنِی مِنَ الدُّنْیَا حَتَّی رَأَیْتُ فِی ابْنَتِی مَا رَأَی زَکَرِیَّا فِی مَرْیَمَ بِنْتِ عِمْرَان؛

سپاس خداوندی را که مرا از دنیا بیرون نبرد تا در دخترم دیدم آنچه را که زکریا در مریم دخت عمران دیده بود.(3)

16. یا فَاطِمَهُ! أَبشِری، فَإِنَّ لَکِ عِندَ اللّه ِ مَقَاماً؛

فاطمه جان! تو را بشارت باد که برای تو در نزد خداوند جایگاه بلندی هست.(4)

17. لَوْ لَمْ یَخْلُقِ اللّهُ عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ، لَمَا کَانَ لِفَاطِمَهَ کُفْو؛

اگر خداوند علی بن ابی طالب را نمی آفرید، هرگز برای فاطمه هم سنگ پیدا نمی شد.(5)

18. إِنَّ فَاطِمَهَ خُلِقَتْ حُورِیَّهً فِی صُورَهِ إِنْسِیَّه؛

فاطمه حوریه ای است که به صورت انسیه آفریده شده است.(6)

19. إِنَّما سُمِّیَت فَاطِمَهُ فَاطِمَهً، لأَنَّها فُطِمَت هِیَ وَ شِیعَتُهَا وَ ذُرِّیَّتُهَا مِنَ النَّارِ؛

_فاطمه از این جهت فاطمه نامیده شد که خودش، شیعیانش و ذریه اش از آتش جهنّم _

1- [1] . طبرانی، المعجم الکبیر، ج 1، ص 108.

2- [2] . حاکم، المستدرک علی الصّحیحین، ج 3، ص 156.
3- [3] . بحرانی، عوالم العلوم، ج 11، ص 94.
4- [4] . کراجکی، کنز الفوائد، ج 1، ص 150.
5- [5] . ابن فتّال نیشابوری، روضه الواعظین، ج 1، ص 347.
6- [6] . طبری امامی، دلائل الامامه، ص 146، ح 52.

بریده شده اند.(1)

20. أَوَّلُ مَنْ یُحْکَمُ فِیهِمْ مُحَسِّنُ بْنُ عَلِیٍّ علیهماالسلام وَ فِی قَاتِلِهِ ثُمَّ فِی قُنْفُذٍ فُیُؤتَیَانِ هُوَ وَ صَاحِبُهُ فَیُضْرَبَانِ بِسِیَاطٍ مِنْ نَارٍ لَوْ وَقَعَ سَوْطٌ مِنْهَا عَلَی الْبِحَارِ لَغَلَتْ مِنْ مَشْرِقِهَا إِلَی مَغْرِبِهَا وَ لَوْ وُضِعَتْ عَلَی جِبَالِ الدُّنْیَا لَذَابَتْ حَتَّی تَصِیرَ رَمَادا؛

در محکمه عدل الهی نخستین پرونده ای که به آن رسیدگی می شود، پرونده حضرت محسن است، که در مورد او، قاتل او و قنفذ داوری می شود. قنفذ را با صاحبش می آورند با تازیانه های آتشین بر آنها می نوازند، که اگر یکی از آنها به دریا زده شود، همه دریاها از مشرق تا مغرب به جوش می آید و اگر یکی از آنها به کوه های دنیا نهاده شود، ذوب می شود و تبدیل به خاکستر می گردد.(2)

روایات وارده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیرامون جایگاه صدّیقه طاهره بسیار فراوان است، به همین مقدار بسنده می کنیم، فقط چند نکته پیرامون احادیث یاد شده تقدیم می کنیم:

چند نکته

1) در حدیث اول جایگاه حضرت زهرا علیهاالسلام، حضرت امیرمؤمنان علیه السلام و امامان نور علیهم السلام از تبار آن حضرت، به صورت شفّاف بیان شده، بر ضرورت تمسّک به ذیل این خاندان تأکید شده، راه نجات بیان گردیده، راه هلاکت و سقوط در آتش نیز یادآوری شده است.

2) در حدیث دوم از حضرت فاطمه علیهاالسلام به عنوان بانوی بانوان جهان در میان

1- [1] . همان، ص 148، ح 57.
2- [2] . ابن قولویه، کامل الزّیارات، ص 334.

اولین و آخرین تعبیر شده، که حضرت مریم بانوی بانوان عصر خویش و حضرت فاطمه علیهاالسلام بانوی بانوان جهان از آغاز خلقت تا پایان جهان می باشد.

3) در حدیث سوم بر سَروَر بانوان بهشتی بودن آن حضرت تأکید شده است و این بیان از منطق وحی نقل شده است.

4) در حدیث چهارم بر افضلیت حضرت زهرا بر بانوان جهان خلقت تأکید شده است.

5) در حدیث پنجم سَروَری بانوان بهشتی، به عنوان تسلّی بخش قلب شریف آن حضرت در برابر ناملایمات بیان گردیده است.

6) در حدیث ششم آثار محبّت و دلباختگی به آن حضرت و سودمند بودنش در یکصد مورد پر خطر، از جمله به هنگام مرگ، حضور در محشر، عبور از صراط و در موقع سنجش اعمال بیان شده است.

7) در حدیث هفتم جایگاه ویژه حضرت زهرا در محشر و فرمان حق تعالی به تشریفات خاص، به هنگام ورود آن حضرت به عرصه محشر و عبور از صراط بیان گردیده است.

8) در حدیث هشتم آمده است که یک پنجم روی زمین مهریه صدّیقه طاهره است و چون این سهم به صورت مشاع می باشد، در هر وجب به وجب آن ایشان سهم دارند. تنها دوستداران خاندان عصمت و طهارت حقّ عبور و مرور دارند و بر دشمنان این خاندان تصرّف در روی زمین ممنوع است حتی اگر نماز بخوانند، همانند تصرّف در مکان غصبی، گناه به شمار می آید.

9) در حدیث نهم دلدادگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت فاطمه علیهاالسلام بیان گردیده، که هر کس موجب غم و اندوه حضرت فاطمه علیهاالسلام باشد، قلب شریف

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به درد می آورد.

10) در حدیث دهم آمده است که حضرت فاطمه علیهاالسلام نخستین کسی است که وارد بهشت می شود، با تجلّیات آن حضرت از بهشت رونمایی می شود و با مقدمش سرای جاویدان الهی افتتاح می گردد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث دیگری فرمود: علی جان! تو نخستین کسی هستی که وارد بهشت می شود.(1) این دو حدیث با یکدیگر تعارض ندارند، زیرا که علی علیه السلامهمراه حضرت فاطمه علیهاالسلام وارد بهشت می شود، چنان که در حدیث دیگری فرمود: نخستین کسی که وارد بهشت می شود، علی و فاطمه دختر محمد علیهم السلام می باشند.(2)

11) در حدیث یازدهم برات آزادی ذریه حضرت فاطمه علیهاالسلام از آتش جهنّم صادر شده است. این موضوع در مورد فرزندان ایشان، یعنی: امام حسن، امام حسین، حضرت زینب (امّ کلثوم) علیهم السلام قطعی است، چنان که در احادیث فراوان به آن تصریح شده است.(3) اما در مورد نسل های بعدی، مشروط است بر این که با اعمال ناشایست خود این مدال افتخار را از خود دور نکنند و همانند فرزند حضرت نوح مشمول آیه شریفه «إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِکَ» نشوند.(4)

همان گونه که قرآن کریم در مورد همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «اگر یکی از شما گناه آشکار کند، عذابش دو برابر دیگران است»(5) امام سجّاد علیه السلام در مورد سادات بنی الزّهراء می فرماید:

1- [1] . اخطب خوارزم، المناقب، ص 76.
2- [2] . شبلنجی، نور الأبصار، ص 42.
3- [3] . علامه مجلسی، بحارالانوار، ج 43، ص 231.
4- [4] . سوره هود، آیه 46.
5- [5] . سوره احزاب، آیه 30.

لِمُحْسِنِنَا كِفْلَانِ مِنَ الْأَجْرِ وَ لِمُسِيئِنَا ضِعْفَانِ مِنَ الْعَذَاب؛

برای افراد نیکوکار از ما دو برابر پاداش داده می شود و برای گنهکاران ما دو برابر عذاب می باشد.(1)

12) در حدیث دوازدهم برای تسلّی قلب شریف حضرت فاطمه علیهاالسلام بشارت می دهد که حضرت مهدی از نسل تو می باشد، او می آید و انتقام تو را از دشمنانت می گیرد، چنان که امام باقر علیه السلام به آن تصریح فرموده است.(2)

13) در حدیث سیزدهم از جایگاه ویژه حضرت فاطمه علیهاالسلام سخن رفته و آن مقام بسیار بلندی است که به احدی از انبیا و اولیا داده نشده است.

منطق وحی در مورد انبیا و اولیا می فرماید:

«لا یَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ یَعْمَلُون»؛

آنها در گفتا بر خداوند پیشی نمی گیرند، آنها مطابق فرمان الهی رفتار می کنند.(3)

ولی بزرگ مفسّر قرآن، خاتم پیغمبران، در مورد سیده النّسوان می فرماید:

إِنَّ اللّهَ یَرْضَی لِرِضَاکِ وَ یَغْضَبُ لِغَضَبِک؛

خداوند با خشنودی تو خشنود می شود و با غضب تو غضبناک می شود.(4)

یَا فَاطِمَهُ! إِنَّ اللّهَ لَیَغْضَبُ لِغَضَبِکِ وَ یَرْضَی لِرِضَاک؛

_ای فاطمه! خداوند به سبب خشم تو خشمگین و به سبب خشنودی تو _

1- [1] . علامه مجلسی، همان، ص 230.

2- [2] . طبری امامی، دلائ الامامه، ص 485.
3- [3] . سوره انبیا، آیه 27.
4- [4] . طبرانی، معجم کبیر، ج 1، ص 108.

خشنود می شود.(1)

خداوند منّان بر اساس این حدیث که با سند صحیح در ده ها منبع حدیثی از شیعه و سنّی آمده است، به حضرت فاطمه علیهاالسلام برگ سفیدی عطا کرده و فرموده از هر کس تو خشنود باشی من خشنودم و از هر کس تو خشمگین باشی من بر او خشمناکم.

14) در حدیث چهاردهم پدر و مادرش را فدای دخترش می کند و آن یک استثنا در شیوه گفتاری پیامبر می باشد.

15) در حدیث پانزدهم خشنودی خودش را در مورد مائده آسمانی که بر حضرت فاطمه علیهاالسلامآمده بود، با شور و اشتیاق عجیبی بیان می کند.

16) در حدیث شانزدهم جایگاه بسیار بلند حضرت فاطمه علیهاالسلام را در بارگاه حضرت احدیت بیان می کند.

17) در حدیث هفدهم از بعد دیگری از ابعاد عظمت حضرت فاطمه علیهاالسلام پرده برمی دارد و اعلام می کند که اگر حضرت علی علیه السلام نبود، احدی از انبیا و اولیا شایستگی همسری حضرت فاطمه علیهاالسلام را نداشت.

18) در حدیث هجدهم از بعد دیگری از ویژگی آن حضرت سخن گفته و او را حوریه انسیه معرفی کرده و لذا منابع در تاریخی و حدیثی آمده است، هنگامی که حضرت فاطمه علیهاالسلام لباس دنیوی می پوشید، جای درزهای آن در بدن مبارکش خط می انداخت از اینجا عمق فاجعه میان در و دیوار معلوم می شود.

1- [1] . شیخ صدوق، الأمالی، ص 314؛ شیخ مفید، الأمالی، ص 95؛ شیخ طوسی، الأمالی، ص 427؛ حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصّحیحین، ج 3، ص ص 154؛ ابن اثیر، اسد الغابه، ج 5، ص 522؛ ابن مغازلی، المناقب، ص 351؛ حموینی، فرائد السّمطین، ج 2، ص 46؛ ذهبی، میزان الاعتدال، ج 1، ص 835؛ ابن حجر، تهذیب التّهذیب، ج 12، ص 441؛ هیثمی، مجمع الزّوائد، ج 9، ص 203.

19) در حدیث نوزدهم یکی از راز و رمزهای نامگذاری آن حضرت به «فاطمه» بیان شده، که او نیز همانند همسنگ و همسرش قسیم الجنّه والنّار است دوستدارانش را به سوی بهشت و دشمنانش را به سوی دوزخ رهنمون می شود.

20) در حدیث بیستم که از احادیث معراج می باشد، با قاطعیت و شفّافیت اعلام می شود که در حکومت عدل مهدوی نخستین پرونده ای که رسیدگی می شود، پرونده حضرت محسن است، که عاملان شهادت حضرت محسن با تازیانه های آتشین مورد نوازش قرار می گیرند، چنانکه در محکمه عدل الهی نیز نخستین پرونده ای که بررسی می شود، پرونده حضرت محسن است که: «وَ إِذَا الْمَوْؤدَهُ سُئِلَتْ * بِأَیِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ»؛

از زنده به گورشدگان سؤل می شود که به چه جرمی کشته شدند؟!(1)

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه خطاب به مفضّل فرمود:

یَا مُفَضَّلُ! وَ الْمَوْؤدَهُ وَ اللّهِ مُحَسِّن؛

ای مفضّل! به خدا سوگند منظور از موؤه «محسن» می باشد.(2)

برای تحقیق بیشتر:

1. دلایل الامامه، امامی طبری ج قرن پنجم -

2. فاطمه الزهراء، بهجه قلب المصطفی، احمد رحمانی همدانی، متوفای 1425 ق.

3. روضه الواعظین، ابن فتّال نیشابوری، مستشهد 508 ق.

1- [1] . سوره تکویر، آیه 8.
2- [2] . علامه مجلسی، بحارالانوار، ج 53، ص 23.

درس پنجم: بانوی بانوان از منظر مولای متّقیان

اشاره

از امیر بیان، پیشوای پروا پیشگان، امیرمؤمنان علیه السلام تعبیرهای بسیار بلندی در مورد همسر و همسنگ بزرگوارشان در منابع حدیثی آمده است که به شماری از آنها اشاره می کنیم:

1. تداوم بخش رسالت

هنگامی که صدّیقه طاهره خطبه فدکیه را ایراد کرد و غاصب فدک را در جمع مهاجر و انصار استیضاح نمود و به خانه وحی بازگشت، مولای متّقیان او را به عنوان:

یَا ابْنَهَ الصَّفْوَهِ، وَ بَقِیَّهَ النُّبُوَّه؛

ای دختر برگزیدگی و بازمانده نبوّت(1)

خطاب کرد.

اگر مولای متّقیان آن حضرت را «یا بقیه النّبی» خطاب می کرد به معنای: ای یادگار پیامبر! بود، ولی: یا بقیه النّبوه، معنای بسیار بلندی دارد، که برای بیان آن به مقدّمه کوتاهی نیاز است:

1- [1] . طبرسی، الاحتجاج، ج 1، ص 108.

قرآن کریم در مورد حضرت آدم علیه السلام می فرماید:

«فَتَلَقَّی آدَمُ مِنْ رَبِّهِ کَلِمات»؛

_حضرت آدم از پروردگارش کلماتی را دریافت نمود. _(1)

پرواضح است که حضرت آدم همه کلمات را دریافت نکرده، بلکه حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت موسی، حضرت عیسی و رسول اکرم علیهم السلام نیز کلماتی را دریافت کرده اند.

آیا با این دریافت ها همه کلمات دریافت شده؟ یقیناً نه، زیرا قرآن کریم می فرماید:

«قُلْ لَوْ کانَ الْبَحْرُ مِداداً لِکَلِماتِ رَبِّی لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ کَلِماتُ رَبِّی»؛

بگو اگر دریاها مرکّب باشد و با آن کلمات پروردگارم نوشته شود، دریاها تمام می شود، ولی کلمات پروردگارم تمام نمی شود.(2)

در ادامه آمده است که اگر دو برابر شود، باز هم کلمات پروردگار تمام نمی شود، در سوره ای دیگر آمده است که اگر هفت برابر آن بر آن افزوده شود، باز هم کلمات پروردگار تمام نمی شود.(3)

پس آنچه توسّط پیامبران عظیم الشّأن، از حضرت آدم ابوالبشر تا حضرت خاتم الأنبیاء، از مبدأ وحی دریافت شده و به امّت ها القاء شده، بخشی از کلمات پروردگار است، نه همه آنها، پس هنوز بقیه دارد.

آیا دیگر کلمات توسّط چه کسی دریافت خواهد شد؟

1- [1] . سوره بقره، آیه 37.
2- [2] . سوره کهف، آیه 109.
3- [3] . سوره لقمان، آیه 27.

بخشی توسّط حضرت فاطمه علیهاالسلام، که به صورت «مصحف» پس از شهادت پیامبر اکرم، توسّط جبرییل، میکاییل و اسرافیل به آن حضرت تقدیم گردید.(1)

امام صادق علیه السلام در وصف آن می فرماید:

کتابی است سه برابر قرآن شما، ولی از قرآن شما حتّی یک حرف در آن نیست.(2)

امام باقر علیه السلام در مورد محتوای مصحف حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود:

آنچه در گذشته رخ داده، آنچه در آینده رخ می دهد، اخبار هریک از آسمان ها، شمار فرشتگان هر آسمان، نام و شمار پیامبران مرسل و غیر مرسل، اسامی امّت هر پیامبر، باور داران و تکذیب کنندگان هر پیامبر، اسامی مؤمنان و کافران از اوّلین و آخرین، اسامی شهرها، وصف قرون اولیه، شمار طاغوت ها، مدّت حکومت هریک از آنها، نام و سیرت هر امام و مدّت امامت هر یک، اوصاف آنها در عالم رجعت، اوصافت رجعت کنندگان از اولین و آخرین، در مصحف فاطمه آمده است.(3)

بخش دیگر آن را وجود مقدّس حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه می آورد.

امام صادق علیه السلام در این رابطه می فرماید:

دانش 27 رشته است، آنچه پیامبران آورده اند، دو رشته بیشتر

نمی باشد، چون قائم ما قیام کند، 25 رشته دیگر را ظاهر می سازد و

1- [1] . طبری امامی، دلائل الامامه، ص 106.
2- [2] . کلینی، الکافی، ج 1، ص 239.
3- [3] . طبری امامی، همان، ص 105.

در میان مردم منتشر می کند، تا همه 27 رشته انتشار یابد.(1)

محصف حضرت فاطمه علیهاالسلام از ودایع امامت است و یکی از نشانه های امام حق می باشد(2) و اینک در محضر حضرت مهدی علیه السلام است.(3)

بر این اساس شاید بخشی از دانش هایی که توسّط حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه ظاهر خواهد شد، برگرفته از مصحف حضرت فاطمه علیهاالسلام باشد.

2. مایه مباهات مولای متّقیان

مولای متّقیان امیرمؤمنان علیه السلام در موقعیت های فراوانی به وجود اقدس فاطمه اطهر مباهات نموده، از جمله در یکی از بیانات شافی و وافی خود که مناقب ویژه خود را برشمرده، در پایان می فرماید:

وَ لَقَدْ أُعْطِیَتْ زَوْجَتِی مُصْحَفاً فِیهِ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ یَسْبِقْهَا إِلَیْهِ أَحَدٌ خَاصَّةً مِنَ اللّهِ وَ رَسُولِهِ؛

به همسرم مصحفی داده شده، که در آن، چنان دانشی هست که پیش از همسر من احدی به آن دست نیافته است، این عنایت خاص از خدا و رسول خداست.(4)

یک بار دیگر در اواخر عمر شریف خود، پس از جنگ نهروان، خطبه مفصّلی ایراد کرده و در اول آن فرموده: اجلم فرا رسیده، هنوز مرا

نشناخته اید،...

1- [1] . قطب راوندی، الخرائج والجرائح، ج 2، ص 841.
2- [2] . شیخ صدوق، عیون أخبار الرّضا، ج 1، ص 169.
3- [3] . تهرانی، الذّریعه، ج 26، ص 45.
4- [4] . صفّار، بصائر الدّرجات، ج 1، ص 361، ح 731.

آنگاه فضایل و مناقب ویژه اش را برشمرده و در فرازی از آن فرمود:

أَنَا زَوْجُ الْبَتُولِ، سَیِّدَهِ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ، فَاطِمَهَ التَّقِیَّهِ النَّقِیَّهِ الزَّکِیَّهِ الْمَبَرَّهِ الْمَهْدِیَّهِ، حَبِیبَهِ حَبِیبِ اللّه ِ؛

من همسر «بتول» هستم، که سَروَر بانوان جهان، فاطمه پارسا، پاک، پاکیزه، نیکوکار، هدایتگر و محبوبه حبیب خدا هستم.(1)

3. خورشید عصمت

امیر بیان، مولای متّقیان، حضرت علی علیه السلامبه هنگام تشریح مقام امامان، فضیلتی از فضائل حضرت زهرا علیهاالسلام بیان کرده و از حضرت فاطمه علیهاالسلام، به «خورشید عصمت» تعبیر کرده، می فرماید:

فَهُمُ الْکَوَاکِبُ الْعُلْوِیَّهُ، الْمُشْرِقَهُ مِنْ شَمْسِ الْعِصْمَهِ الْفَاطِمِیَّهِ، فِی سَمَاءِ الْعَظَمَهِ الْمُحَمَّدِیَّهِ، وَ الْأَغْصَانُ النَّبَوِیَّهُ النَّابِتَهُ فِی الدَّوْحَهِ الْأَحْمَدِیَّه؛

_آنها ستارگان فروزان علوی هستند، که از برج خورشید عصمت فاطمی طلوع کرده، در آسمان عظمت محمدی _صلی الله علیه و آله نورافشانی می کنند. آنها شاخه های استوار و پربار نبوی هستند که در گلستان احمدی عطرافشانی می کنند.(2)

1- [1] . شیخ صدوق، معانی الأخبار، ص 58.
2- [2] . میرجهانی، الجنّه العاصمه، ص 166.

4. بلند جایگاه

امیرمؤمنان علیه السلام در حدیثی در مورد جایگاه بلند صدّیقه طاهره چنین بیان می کند:

إذَا کَانَ یومُ القِیامَهِ نَادی مُنادٍ مِن وَراءِ الحُجُبِ: یا أَهلَ الجَمعِ غُضّوُا أَبصارَکُم عَن فَاطِمَهَ بِنتِ مُحَمَّدٍ حَتّی تَمُرَّ؛

_چون روز رستاخیز فرا رسد، منادی از پشت حجاب ها ندا سر می دهد که ای اهل محشر! دیدگان خود را فرو بندید تا فاطمه دخت محمد _صلی الله علیه و آله عبور کند.(1)

5. مصیبت جانکاه

مولای متّقیان اسوه صبر و استقامت بود، در میدان نبرد بر عمرو بن عبدودها و مرحب خیبری ها غلبه کرده، در احد یک تنه از پیامبر رحمت دفاع کرده، درب خیبر را با یک دست بلند کرده، آن را سپر قرار داده، سپس روی خندق پل قرار داده، در پایان دور انداخته، هشت تن از زورمداران نتوانستند که آن را جا به جا کنند.

این مولا با این قدرت و صلابت، هنگامی که زهرای اطهر را نقش بر زمین دید، دریای صبرش کم شد، طاقتش طاق شد، در حالی که 4000 نفر او را به سوی مسجد می کشیدند، خطبه ی جانکاهی خوانده که با همه خطبه هایش

متفاوت است.

1- [1] . مناوی، فیض القدیر، ج 1، ص 549، ح 822.

در فرازی از آن می فرماید:

أَوَ تُضرَبُ الزَّهراءُ نَهراً؟ وَ يُؤَذُ مِنَّا حَقُّنا قَهراً وَجَبراً، فَلا نَصيرَ وَ لا مُجيرَ وَ لا مُسعِدَ وَ لا مُنجِدَ؟ فَلَيتَ إبنُ أَبی طالِبٍ ماتَ قَبلَ يَومِهِ، فَلا يَرَی الكَفَرَةَ وَالفَجَرَةَ قَد إزدَحَمُوا عَلی ظُلَمِ الطّاهِرَهِ البَرَّهِ، فَتَبّاً تَبّاً، وَ سَحُقاً سُحقاً، ذلِكَ أَمرٌ إلَی اللّهِ مَرجِعُهُ، وَ إلی رَسُولِ اللّهِ مَدفَعُهُ، فَقَد عَزَّ عَلَی علیّ بنِ أَبی طالِبٍ أن يَسوَدَّ مَتنُ فاطِمَهَ ضَرباً؛

آیا حضرت زهرا با زجر کتک زده می شود؟!

آیا حقّ ما به قهر و غلبه از ما گرفته می شود؟!

نه یار و یاوری، نه ملجأ و پناهی؟!

نه مدافعی، نه حامی و نه ناصری؟!

ای کاش پسر ابوطالب پیش از امروز مرده بود و نمی دید که چگونه کافران و فاجران ازدحام کرده، برای ستم به بانوی پاک و پاکیزه و نیکو سیرت هجوم آورده اند!!

خداوند هلاکشان کند و از رحمتش دور کند.

بازگشت این جنایت به سوی خدا و دفاع از آن با رسول خدا می باشد.

بر پسر ابوطالب بسیار سخت و دشوار است که پشت فاطمه با ضربه ها سیاه شود!!

متن کامل این خطبه جانکاه، که از اعماق دل پردرد مولای متّقیان، در بحرانی ترین لحظات عمر مبارکش صادر شده، در کتاب «کشف اللئالی» ابن عَرَندَس حلّی، از عالمان بزرگ شیعه در قرن نهم هجری آمده است.

آیه اللّه میرجهانی نسخه خطّی آن را در کتابخانه علاّمه سماوی در نجف

اشرف دیده، متن کامل آن را با ترجمه روان در کتاب گران سنگ «الجنّه العاصمه»(1) آورده، متن عربی و شرح واژگانش را در «مستدرک نهج البلاغه» نقل فرموده است.(2)

مولای متّقیان در ادامه، علّت صبر و شکیبایی اش را در برابر این گستاخی و هجوم وحشیانه، صیانت از اسلام و بقای نوپای دعوت بیان کرده، در پایان فرموده: تا پروردگارم را ملاقات کنم، از جنایاتی که مرتکب شدید و حقّ ما را غصب کردید و در دفاع از حقّ ما سستی نمودید، به او شکایت کنم، که او بهترین داور و دادگر است.(3)

6. آخرین سخن

مصیبت بزرگتر مولای متّقیان فاجعه غمبار شهادت صدّیقه طاهره بود، که فاتح خیبر در فراق حضرت فاطمه علیهاالسلام تاب و توانش را از دست، دور رکعت نماز خواند، تا از نماز استعانت بجوید و بتواند قبر شریف را حفر نماید.

هنگامی که چهره ی فاطمه علیهاالسلام در خاک نهان شد، همه آمال و آرزوهای امیرمؤمنان در دل خاک مدفون شد، غم های عالم بر دلش فرو ریخت، در میان زمین و آسمان انیس و مونسی پیدا نکرد که غم دلش را برای او شرح دهد، روی به قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نموده، پس از تقدیم سلام، عرضه داشت:

قَدِ اسْتُرْجِعَتِ الْوَدِیعَهُ وَ أُخِذَتِ الرَّهِینَهُ وَ أُخْلِسَتِ الزَّهْرَاءُ؛

امانت برگردانده شد، رهن و گرو دریافت شد و حضرت زهرا ربوده شد.

1- [1] . میرجهانی، الجنّه العاصمه، ص 461 چاپ دیگر، ص 252.
2- [2] . میرجهانی، مصباح البلاغه، ج 1، ص 286.
3- [3] . همان.

فَمَا أَقْبَحَ الْخَضْرَاءَ وَ الْغَبْرَاءَ يَا رَسُولَ اللّهِ؛

ای رسول خدا آسمان و زمین (در چشم علی) چقدر زشت است!

أَمَّا حُزْنِی فَسَرْمَدٌ وَ أَمَّا لَيْلِی فَمُسَهَّدٌ؛

دیگر غم های علی پایان ندارد، دیگر خواب با دیدگان علی انس ندارد.(1)

در ادامه عرضه می دارد:

وَ سَتُنْبِئُکَ ابْنَتُکَ بِتَظَافُرِ أُمَّتِکَ عَلَی هَضْمِهَا، فَأَحْفِهَا السُّؤالَ وَ اسْتَخْبِرْهَا الْحَال؛

به زودی دخترت به شما خبر می دهد که چگونه امّت برای له کردنش اجتماع کردند.

پس، از او بپرس و اوضاع را از او جویا باش.

مولای متّقیان می ترسد که حضرت فاطمه علیهاالسلام جنایات امّت را برای رعایت حال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پوشیده بدارد، همان گونه که ورم بازو را در مدّت 95 روز مخفی داشته بود و مولای متّقیان به هنگام غسل آن را مشاهده نمود، از پدر بزرگوارش نیز مکتوم بدارد، و لذا عرضه می دارد که فاطمه را سؤل پیچ کن تا شرح ماجرا را بازگو نماید.

در پایان به نکته عجیبی اشاره می کند که اوج مظلومیت مولا را می رساند:

اگر ترس از متوجه شدن متولّیان امر از محل قبل نبود، در همین جا اقامت می کردم و همانند مادر داغ فرزند دیده، برای این مصیبت

بزرگ ناله سر می دادم.

1- [1] . کلینی، الکافی، ج 1، ص 459.

در برابر دیدگان خداوند، دخترت شبانه و مخفیانه به خاک سپرده شد، حقّش غصب گردید، از ارثش محروم شد، در حالی که هنوز از ارتحال شما چیزی نگذشته بود و یادتان فراموش نگشته بود.(1)

برای تحقیق بیشتر:

1. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، متوفای 329 ق.

2. دلائل الامامه، طبری امامی، قرن پنجم هجری.

3. الجنّه العاصمه، سید حسن میر جهانی، متوفای 1413 ق.

1- [1] . همان.

درس ششم: سیمای حضرت فاطمه علیهاالسلام در سخنان فرزندان

اشاره

نکات فراوان از سیره صدّیقه طاهره در سخنان پیشوایان معصوم آمده، که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

1. از منظر امام مجتبی علیه السلام

1. از مادرم حضرت فاطمه علیهاالسلام شب جمعه ای در محراب عبادتش در حال رکوع و سجود بود، همه اش برای دیگران دعا می کرد و برای خودش دعا نمی کرد.

گفتم: مادر جان! دیدم که همه اش برای دیگران دعا کردید، برای خودتان دعا نکردید، فرمود:

یَا بُنَیَّ الْجَارَ ثُمَ الدَّار؛

فرزندم! اول همسایه، سپس داخل خانه.(1)

2. امام مجتبی علیه السلام با مادرش در یک ظرف غذا نمی خورد، حضرت فاطمه علیهاالسلام از علّت آن جویا شد، عرضه داشت: می ترسم دست من پیشی بگیرد

1- [1] . شیخ صدوق، علل الشّرایع، ج 1، ص 181.

به لقمه ای که چشم تو بر آن پیشی گرفته باشد، پس عاق بشوم، فرمود: بخور، تو در حلالیت هستی.(1)

3 نظیر این مطلب در مورد امام سجاد علیه السلام نیز نقل شده، که با دایه اش در یک ظرف غذا نمی خورد و می فرمود: می ترسم دستم پیشی بگیرد بر لقمه ای که چشم مادرم بر آن پیشی گرفته است.(2)

3. امام مجتبی علیه السلام در موقع احتضار حضرت فاطمه علیهاالسلام، او را بوسه باران کرده بود و عرضه می داشت:

يَا أُمَّاهْ! كَلِّمِينِى قَبْلَ أَنْ تُفَارِقَ رُوحِى بَدَنِى؛

مادر جان! با من سخن بگو، پیش از آن که روح از بدنم مفارقت کند.(3)

4. امام مجتبی علیه السلام نقل می کند که مادرم در حال احتضار نگاه تندی کرد و گفت: درود بر جبرییل، درود بر رسول خدا، خدایا با پیامبرت، در رضوان تو، در جوار تو و در خانه تو: دارالسّلام.

سپس فرمود: آیا شما نیز می بینید آنچه را که من می بینم؟

پرسیدیم: شما چه چیزی می بینید؟ فرمود: موکب های آسمانی را می بینم، این جبرئیل است و این رسول خداست که می فرماید:

يَا بُنَيَّهِ اقْدَمِى، فَمَا أَمَامَكِ خَيْرٌ لَكِ؛

دخترم، به پیش، که آنچه در پیش روی توست، برای شما بهتر است.(4)

5. امام مجتبی علیه السلام نقل می کند که هنگامی که مولای متّقیان چهره حضرت

1- [1] . حضوری شافعی، نزهه المجالس، ج 1، ص 199.
2- [2] . ابن قتیبه، عیون الأخبار، ج 3، ص 97.
3- [3] . بیرجندی، الکبریت الأحمر، ص 283.
4- [4] . علامه مجلسی، بحارالانوار، ج 43، ص 200.

فاطمه علیهاالسلام را گشود، نامه ای بالای سرش بود که در آن پس از بیان عقاید، خطاب به امیرمؤمنان علیه السلام نوشته بود:

مرا شبانه غسل بده، حنوط کن، کفن نما و بر پیکرم نماز بخوان و شبانه دفن کن و کسی را آگاه نکن، تو را به خدا می سپارم.

وَ أَقْرَأُ عَلَی وُلْدِیَ السَّلَامَ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَه؛

تا روز رستاخیز به فرزندانم سلام برسان.(1)

2. از منظر امام حسین علیه السلام

6. امام حسین علیه السلام روایت می کند که روزی یک نفر نابینا از حضرت فاطمه علیهاالسلام اجازه ورود خواست، حضرت اجازه نداد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: چرا به او اجازه ورود ندادی؟ او که نابیناست.

حضرت فاطمه علیهاالسلام گفت: او مرا نمی بیند، ولی من او را می بینم. او نیز عطر مرا استشمام می کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: من گواهی می دهم که تو پاره تن من هستی.(2)

7. سالار شهیدان روایت کرده که چون حضرت فاطمه بیمار شد، به امیرمؤمنان علیه السلام توصیه نمود، که بیماری ایشان را مخفی بدارد، لذا شخصاً او را پرستاری می کرد و اسماء بنت عمیس آن حضرت را یاری می داد، به هنگام ارتحال نیز وصیت کرد که شخصاً او را تجهیز کند، شبانه به خاک بسپارد و جای قبر را مخفی بدارد.

هنگامی که از دفن بی بی فارغ شد، غم های عالم بر دلش فرو ریخت، روی

1- [1] . همان، ص 214.

2- [2] . ابن مغازلی، المناقب، ص 380.

به قبر پیامبر کرد و عرضه داشت:

درود بر تو ای رسول خدا! از من و حبیبه ات و نور چشمت که به دیدارت شتافت و در زیر خاک قرار گرفت.

قَلَّ یَا رَسُولَ اللّهِ عَنْ صَفِیَّتِکَ صَبْرِی، وَ ضَعُفَ عَنْ سَیِّدَهِ النِّسَاءِ تَجَلُّدِی؛

ای رسول خدا، در فراق برگزیده ات صبرم کم شد و از سرو بانوان توانم طاق شد.(1)

8. امام حسین علیه السلام کیفیت غسل حضرت فاطمه علیهاالسلام را شرح می دهد و می فرماید:

امیرمؤمنان علیه السلام شخصاً او را غسل می داد و مرتب می گفت: خدایا! او کنیز تو و دختر پیامبر تو و برگزیده تو از میان بندگانت می باشد، بار خدایا حجّتش را تلقین فرما، برهانش را قوی ساز، درجه اش را متعالی بدار و او را با پدرش حضرت محمد صلی الله علیه و آله محشور فرما.(2)

3. از منظر امام سجاد علیه السلام

9. حضرت فخر السّاجدین امام زین العابدین علیه السلام می فرماید:

هنگامی که پدرم در آستانه شهادت بود، در حالی که خون مبارکش در حال غلیان بود، مرا به سینه چسبانید و فرمود:

فرزندم! این دعا را فراگیر که آن را حضرت فاطمه علیهاالسلام به من تعلیم کرده، به او نیز رسول خدا تعلیم فرموده است، به آن حضرت نیز جبرییل یاد داده و گفته:

1- [1] . کلینی، الکافی، ج 1، ص 458.
2- [2] . محدّث نوری، مستدرک وسائل، ج 2، ص 199.

هرگاه حاجت مهم داشتی و حادثه بزرگی به تو رخ داد بگو:

بِحَقِ یس وَ الْقُرْآنِ الْحَکِیمِ وَ بِحَقِ طه وَ الْقُرْآنِ الْعَظِیمِ؛(1)

4. از منظر امام باقر علیه السلام

10. امام باقر علیه السلام می فرمود:

وَ لَقَد کانَت مَفرُوضَهَ الطّاعَهِ، عَلی جَمیعِ مَن خَلَقَ اللّهُ، مِنَ الجِنِّ، وَ الإِنسِ وَ الطَّیرِ، وَ الوَحشِ، وَ الأَنبِیاءِ، وَ المَلائِکَه؛

حضرت فاطمه بر همه مخلوقات خداوند، از پریان، آدمیان، پرندگان، درندگان، پیامبران و فرشتگان واجب الاطاعه بود.(2)

11. امام باقر علیه السلام فرمود: حضرت فاطمه علیهاالسلام را از این جهت «طاهره» نامیدند که از هر گونه پلیدی پاک و پاکیزه بود.(3)

12. امام باقر علیه السلام فرمود:

چون قائم ما قیام کند، حمیرا رجعت می کند، به او حدّ جاری می کند و انتقام حضرت فاطمه علیهاالسلام را از او می گیرد.

پرسیدند: چه حدّی برای او جاری می کند؟ فرمود: حدّ قذف، که به ماریه، مادر ابراهیم تهمت زده بود.(4)

13. هنگامی که امام باقر علیه السلام به تب مبتلا می شد، با صدای بلند نام حضرت فاطمه علیهاالسلام را بر زبان جاری می کرد و از نام آن حضرت طلب شفا می نمود.(5)

1- [1] . قطب راوندی، الدّعوات، ص 54.
2- [2] . طبری امامی، دلائل الامامه، ص 106.
3- [3] . علامه مجلسی، بحارالانوار، ج 43، ص 19.
4- [4] . همان، ج 52، ص 314.
5- [1] . محدّث قمی، بیت الأحزان، ص 100.

14. امام باقر علیه السلام در وصف آن مائده آسمانی که برای حضرت فاطمه علیهاالسلام آمده بود فرمود: آن یک کاسه نان و گوشت بود.

خاندان عصمت و طهارت به مدّت یک ماه از آن خوردند. آن کاسه در پیش ماست و قائم علیه السلامدر آن غذا می خورد.(1)

5. از منظر امام صادق علیه السلام

15. امام صادق علیه السلام فرمود: برای حضرت فاطمه در نزد خداوند متعال 9 اسم هست: 1- فاطمه 2- صدیقه 3- مبارکه 4- طاهره 5- زکیه 6- رضیه 7- مرضیه 8- محدّثه 9- زهرا(2)

16. از پیشوای ششم پرسیدند: چرا حضرت فاطمه «زهرا» نامیده می شود؟ فرمود:

لِأَنَّهَا كَانَتْ إِذَا قَامَتْ فِی مِحْرَابِهَا، زَهَرَ نُورُهَا لِأَهْلِ السَّمَاءِ، كَمَا يَزْهَرُ نُورُ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْض؛

زیرا هنگامی که در محراب عبادتش می ایستاد، نور جمالش بر اهل آسمان ها نورافشانی می کرد، همان گونه که ستارگان برای اهل زمین پرتو افشانی می کنند.(3)

17. رئیس مذهب ما می فرماید:

وَ هِیَ الصِّدِّيقَةُ الْكُبْرَى، وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُوَلُ؛

_حضرت فاطمه صدیقه کبری است و همه قرن های اولیه بر محور معرفت

1- [2] . عیاشی، التّفسیر، ج 1، ص 304.
2- [3] . شیخ صدوق، الأمالی، ص 474.
3- [4] . شیخ صدوق، معانی الأخبار، ص 46.

او گردیده است._(1)

18. از امام صادق علیه السلام پرسیدند: حضرت فاطمه علیهاالسلام را چه کسی غسل داد؟ فرمود: امیرمؤمنان.

این مطلب بر مفضّل گران آمد، فرمود:

لَا تَضِيقَنَّ، فَإِنَّهَا صِدِّيقَةٌ، وَ لَمْ يَكُنْ يَغْسِلُهَا إِلَّا صِدِّيقٌ. أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ مَرْيَمَ لَمْ يَغْسِلْهَا إِلَّا عِيسَى؛

_بر دلت سنگین نباشد، زیرا حضرت فاطمه _«صدیقه»_ بود، جز صدّیق نمی توانست او را غسل دهد. مگر نمی دانی که حضرت مریم را حضرت عیسی _علیه السلام غسل داد._(2)

«صدّیق» به معنای معصوم است، چون حضرت مریم معصوم بود، می بایست که یک فرد معصوم او را غسل دهد.

حضرت فاطمه علیهاالسلام نیز معصوم بود و لذا ایجاب می کرد که یک فرد معصوم او را غسل دهد.

19. پیشوای ششم شیعیان فرمود: اگر خداوند متعال حضرت علی علیه السلام را نیافریده بود، در روی زمین برای ایشان هم سنگ پیدا نمی شد، از حضرت آدم به بعد._(3)

20. در عهد امام صادق علیه السلام پای زن حامله ای لغزید و بر زمین افتاد، به یاد حضرت افتاد و گفت:

لَعَنَ اللّهُ ظَالِمِيكِ يَا فَاطِمَه؛

1- [1] . شیخ طوسی، الأمالی، ص 668، ح 1399.
2- [2] . کلینی، الکافی، ج 1، ص 459.
3- [3] . همان، ص 461.

مأمورین دولت او را دستگیر کردند، کتک زدند و به زندانش بردند.

خبر به امام صادق علیه السلام رسید، آن قدر گریست که محاسن شریفش تر شد. آن گاه به مسجد سهله تشریف بردند و برای استخلاص آن زن دعا کردند.(1)

21. امام صادق علیه السلام در مورد شیوه رفتار امام زمان علیه السلام با غاصبان فدک می فرماید:

آنها را با همان هیزمی که برای سوزاندن علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام آورده بودند، می سوزاند.

آن هیزم در نزد ماست، ما آن را از یکدیگر ارث می بریم.(2)

22. یکی از اصحاب نام دخترش را «فاطمه» گذاشته بود، امام صادق علیه السلام به او فرمود: حالا که او را فاطمه نام نهاده ای، او را نفرین نکن، دشنام نده و او را مزن.(3)

23. رئیس مذهب حقّه فرمود: حضرت فاطمه علیهاالسلام را از این جهت «محدّثه» گویند که ملائکه از آسمان فرود می آمدند، او را ندا می کردند، همان گونه که مریم دخت عمران را ندا می کردند، پس می گفت:

یا فاطِمَهُ! (إِنَّ اللّهَ اصْطَفاکِ وَ طَهَّرَکِ وَ اصْطَفاکِ عَلی نِساءِ الْعالَمین)؛

ای فاطمه! خداوند تو را برگزید، پاک و پاکیزه نمود و تو را بر بانوان جهان برگزید.(4)

1- [1] . محدّث قمی، بیت الأحزان، ص 101.
2- [2] . طبری امامی، دلائل الامامه، ص 455.
3- [3] . کلینی، الکافی، ج 6، ص 49.
4- [1] . طبری، همان، ص 152؛ سوره آل عمران، آیه 42.

6. از منظر امام کاظم علیه السلام

24. امام کاظم علیه السلام فرمود:

إِنَّ فَاطِمَةَ صِدِّيقَةٌ شَهِيدَةٌ؛

فاطمه صدّیقه و شهیده است.(1)

25. امام کاظم علیه السلام فرمود:

در هر خانه ای که نام محمد، احمد، علی، حسن، حسین، جعفر، طالب، یا فاطمه از نام های بانوان باشد، فقر به آن خانه داخل نمی شود.(2)

7. از منظر امام رضا علیه السلام

26. از امام رضا علیه السلام در مورد عمر مبارک حضرت فاطمه علیهاالسلام پرسیدند، فرمود:

حضرت فاطمه علیهاالسلام در سال پنجم بعثت متولّد شد، هشت سال در مکه اقامت داشت، به مدینه مهاجرت نمود، 10 سال نیز در مدینه اقامت کرد و به هنگام ارتحال عمر شریفش 18 سال و 75 روز بود.(3)

27. محل دفن حضرت را از امام رضا علیه السلام پرسیدند، فرمود:

در خانه اش به خاک سپرده شد، هنگامی که بنی امیه مسجد را توسعه دادند، در مسجد قرار گرفت.(4)

1- [2] . کلینی، الکافی، ج 1، ص 358.
2- [3] . علامه مجلسی، بحارالانوار، ج 104، ص 130.
3- [4] . عطاردی، مسند الامام الرضا، ج 1، ص 139، ح 175.
4- [1] . کلینی، الکافی، ج 2، ص 461.

8. از منظر امام جواد علیه السلام

28. امام جواد علیه السلام در سنین کودکی دست مبارکش را بر زمین زد، به سوی آسمان متوجّه شد و مدت طولانی در اندیشه فرو رفت.

امام رضا علیه السلام فرمود: جانم به فدایت، در چه اندیشه ای؟

عرض کرد: در مورد آنچه بر مادرم فاطمه واقع شده، فکر می کنم.

سپس فرمود:

به خدا سوگند! پیکر آن دو پلید را از زمین بیرون می کشم، آتش می زنم، خاکسترشان را به دریا می ریزم.

امام رضا علیه السلام فرزند دلبندش را به آغوش کشید، میان دو دیده اش را بوسید و فرمود: پدر و مادرم به فدای تو، تو شایسته آن (امامت) هستی.(1)

29. یکی از اصحاب به امام جواد علیه السلام شرح داد که هر روز از طرف یکی از معصومین طواف انجام داده است، در پایان از طواف به نیابت از حضرت فاطمه پرسید، امام علیه السلام فرمود:

آن را فراوان انجام بده، که آن برترین عملی است که تو انجام می دهی.(2)

9. از منظر امام هادی علیه السلام

30. از امام هادی علیه السلام پرسیدند که چرا حضرت فاطمه را «زهرا» نامیدند؟ فرمود: برای این که جمال حضرت فاطمه بامدادان همانند خورشید فروزان برای حضرت علی علیه السلام می درخشید، به هنگام ظهر همانند ماه تابان و به هنگام

1- [2] . مسعودی، اثبات الوصیه، ص 184.
2- [3] . علامه مجلسی، بحار الانوار، ج 50، ص 101.

غروب چون ستاره سحر.(1)

31. احمد بن اسحاق حدیث مفصّلی از امام هادی علیه السلام پیرامون روز نهم ربیع الاول به عنوان: «عید الزّهرا» روایت کرده است.(2)

32. امام هادی علیه السلام فرمود: گوشت اولاد حضرت فاطمه بر درندگان حرام است.(3)

33. از امام هادی علیه السلام در مورد محلّ دفن حضرت فاطمه علیهاالسلام پرسیدند، فرمود:

هِیَ مَعَ جَدِّی؛

او در کنار جدّم می باشد.(4)

10. از منظر امام حسن عسکری علیه السلام

34. امام عسکری علیه السلام در یک بیان بسیار والا فرمود:

نَحنُ حُجَّهُ اللّهِ عَلَی الخَلقِ، وَ فاطِمَهُ حُجَّهٌ عَلَینا؛

_ما - امامان - حجّت خدا بر مردمان هستیم و فاطمه _علیهاالسلام حجّت خدا بر ما می باشد.(5)

11. از منظر حضرت مهدی علیه السلام

35. وجود مقدّس جان جانان، قبله خوبان، صاحب عصر و زمان، حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه در توقیع شریف خود می نویسد:

1- [1] . همان، ج 43، ص 16.
2- [2] . همان، ج 98، ص 351.
3- [3] . قطب راوندی، الخرائج والجرائح، ج 1، ص 404.
4- [4] . سید ابن طاووس، اقبال الأعمال، ج 3، ص 161.
5- [5] . مرحوم طیب، أطیب البیان، ج 13، ص 235.

وَفِی إِبنَهِ رَسُولِ اللّهِ لِی اُسوَهٌ حَسَنَهٌ؛

در دختر پیامبر برای من الگوی خوبی هست.(1)

36. علامه سید باقر، فرزند سید محمد هندی، متوفای 1329 ق. در شب عید غدیر، در عالم رؤا به محضر مقدس کعبه مقصود مشرّف می شود و حضرت را در حزن و اندوه می بیند، عرضه می دارد:

مولای من! همه غرق شادی و سُرُور هستند، چرا شما را غمگین می بینم؟

حضرت می فرماید:

به یاد غم و اندوه مادرم افتادم.

آنگاه این بیت را انشاد می فرماید:

لا تَرانِی إِتَّخَذتُ لا وَ عُلاها بَعدَ بَیتِ الأَحزانِ بَیتَ سُرُورٍ

نه، هرگز، سوگند به عظمت آن حضرت، پس از بیت الأحزان بیت سُرُور نخواهم داشت.(2)

خدای را به عظمت حضرت زهرا علیهاالسلام می خوانیم که از بقیه دوران غیبت صرف نظر بفرماید، با امضای فرج مولا، سفره جشن و شادمانی را در پهندشت کره خاکی بگستراند و قلب شریف قلب عالم امکان را شادمان بفرماید ان شاء اللّه.

برای تحقیق بیشتر:

1. کتاب ألفین، شیخ علی حیدر مؤد

2. بحارالأنوار، از علامه مجلسی، جلد 43

3. موسوعه سیره أهل البیت، محمد باقر قرشی

1- [1] . شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص 286.

2- [2] . سید عبدالرزّاق مقرّم، وفاه الزّهراء، ص 97.

درس هفتم: صدف کوثر

اشاره

در میان میلیون ها بانوی با فضیلت جهان، تنها یک بانو این افتخار را پیدا کرد که دُر شاهوار جهان آفرینش، دُردانه ی بی همتای خداوند منّان باشد و سرور بانوان جهان، دخت گرانمایه ی خاتم پیامبران، وجود اقدس سیّده النّسوان را در صدف خود بپروراند. او کسی جز حضرت خدیجه علیهاالسلام نبود.

نسب حضرت خدیجه علیهاالسلام

او دخت گرامی «خُوَیلِد» فرزند اَسَد، فرزند عبدالعُزّی، فرزند قُصَیّ، فرزند کِلاب، فرزند مُرّه، فرزند کَعب، فرزند لُؤَی، فرزند غالب، فرزند فِهر می باشد.(1)

مادرش: فاطمه دخت زائده، پسر أصمّ، پسر رواحه، پسر حَجَر، پسر عبد، پسر مَعیص، پسر عامر، پسر لُؤَی، پسر غالب، پسر فِهر بود.(2)

حضرت خدیجه از تیره ی قریش بود، از سوی پدر در نیای سوم (قُصَیّ) و

از سوی مادر در نیای هشتم (لُؤَی) با نسب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیوند می خورد.

1- [1] . ابن هشام، السّیره النّبویّه، ج 2، ص 8.
2- [2] . همان.

«خویلد» قهرمان دلاوری بود که به هنگام تهاجم «تُبَّع» پادشاه خودکامه ی «یمن» دست به شمشیر برد، مردانه در برابرش ایستاد و او را با ذلّت و خواری از حریم کعبه دور ساخت.(1)

هنگام جلوس «سیف بن ذی یزن» بر تخت سلطنت، او به همراه حضرت عبدالمطلب به عنوان نماینده ی قریش به «صنعا» رفت و در کاخ «غمدان» به وی تبریک گفت.(2)

«اسد» پدر خویلد نیز از چهره های درخشان قریش بود، در اجتماع «حِلف الفضول» که به عنوان دفاع از مظلومان برگزار شد و به «پیمان جوانمردان» شهرت یافت، شرکت فعّال داشت.(3)

کنیه و القاب

برای حضرت خدیجه علیهاالسلام کنیه ها و القاب فراوانی نقل شده که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

1. امّ المؤمنین

منطق وحی همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و در رأس آنها حضرت خدیجه را «امّ المؤمنین» لقب داده است.(4)

بزرگ مفسّر قرآن، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او را برترین بانوان و برترین همسران

خود خوانده فرمود:

1- [1] . سیلاوی، الأنوار السّاطعه، ص 9.
2- [2] . أزرقی، تاریخ مکه، ج 1، ص 149.
3- [3] . همان، ص 266.
4- [4] . سوره ی احزاب، آیه ی 6.

یا خدیجه! أنْتِ خَیْر اُمّهات المؤمنین و أفضلهنّ و سیّده نساء العالمین ؛

ای خدیجه! تو برترین امّ المؤمنین ها و بهترین آنها و بانوی بانوان جهان هستی.(1)

2. بانوی بانوان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث فوق او را «سیّده نساء العالمین» تعبیر کرده، مولای متّقیان علیه السلام در چکامه ای که در سوگ حضرت خدیجه سروده، او را «سیّده النّسوان» خوانده(2) امام کاظم علیه السلام نیز از ایشان به عنوان «سیّده قریش» یاد کرده است.(3)

در عهد جاهلی نیز ایشان را «سیّده نساء قریش» می خواندند.(4)

3. صدّیقه

گلواژه ی صدّیقه در قرآن کریم فقط یک بار درباره ی حضرت مریم به کار رفته،(5) و امام صادق علیه السلام آن را به معنای «معصومه» معنی کرده است.(6)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به هنگام معرّفی حضرت خدیجه به جبرئیل امین فرمود:

هذه صدّیقه امّتی ؛

این صدّیقه ی امّت من می باشد.(7)

1- [1] . أخطب خوارزم، مقتل الحسین، ج 1، ص 52.
2- [2] . علامه ی مجلسی، بحارالأنوار، ج 35، ص 143.
3- [3] . حِمیَری، قرب الاسناد، ص 252.
4- [4] . زرقانی، شرح المواهب اللّدنیّه، ج 1، ص 199.
5- [5] . سوره ی مائده، آیه ی 75.
6- [6] . کلینی، الکافی، ج 1، ص 459.
7- [1] . ابن کثیر، البدایه و النّهایه، ج 2، ص 62.

4. طاهره

مشهورترین لقب حضرت خدیجه علیهاالسلام در عهد جاهلیّت «طاهره» بود(1) زیرا که او پاک ترین و عفیف ترین بانوی آن دوران بود.(2)

5. مبارکه

محدّث قمی از کلمات قدسی روایت می کند که خداوند منّان به حضرت عیسی علیه السلام فرمود:

إنّی خلقتک من غیر فحل آیه للعالمین.

أخبرهم: آمنوا بی و برسولی النّبیّ الامّیّ، نسله من مبارکه، هی مع امّک فی الجنّه؛

من تو را بدون پدر آفریدم که آیتی برای جهانیان باشی.

به امّت خود بگو که برای من و پیامبر من ایمان بیاورند که او پیامبر امّی است و نسل او از یک بانوی «مبارکه» است که او با مادرت در بهشت است.(3)

عبداللّه بن سلیمان نیز آن را از انجیل نقل کرده است.(4)

6. دیگر القاب

در یکی از زیارت های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (زیارت از راه دور) آمده است:

درود بر صدّیقه، طاهره، زکیّه، راضیه، مرضیّه، خدیجه ی کبری،

1- [2] . ابن حجر، الاصابه، ج 8، ص 60.
2- [3] . زرقانی، شرح المواهب اللّدنیّه، ج 1، ص 199.
3- [4] . محدّث قمی، کحل البصر، ص 70.
4- [5] . علامه ی مجلسی، بحارالأنوار، ج 43، ص 22.

امّ المؤمنین.(1)

سیمای حضرت خدیجه در آیینه ی وحی

نخستین سیر شبانه ی خاتم پیامبران به آسمان دو سال پس از بعثت در شب دوشنبه ای در ماه ربیع الاوّل اتّفاق افتاد.(2)

به هنگام بازگشت به سوی زمین پیک وحی عرضه داشت:

حاجتی أن تقرأ علی خدیجه من اللّه و منّی السّلام ؛

حاجت من این است که از سوی خداوند و من جبرئیل به خدیجه سلام برسانی.(3)

هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سلام خداوند و حضرت جبرئیل را به حضرت خدیجه علیهاالسلام ابلاغ نمود، حضرت خدیجه عرض کرد:

إنّ اللّه هو السّلام، ومنه السّلام، وإلیه السّلام، وعلی جبرئیل السّلام؛

خداوند خود سلام است، همه ی سلام ها از او و به سوی اوست، بر جبرئیل نیز درود باد.(4)

یک بار دیگر پیک وحی بر فراز جبل النّور به محضر رسول عالمیان عرض کرد:

این خدیجه است که برای تو غذا و آب آورده، چون نزد تو آید از خدا و

از من به او سلام برسان و او را بشارت بده به قصری از مروارید که در

1- [1] . همان، ج 100، ص 189.
2- [2] . ابن شهرآشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 228.
3- [3] . عیّاشی، التّفسیر، ج 3، ص 35.
4- [4] . همان.

آن نه سر و صدایی است و نه غم و اندوهی.(1)

ذهبی گوید: بر صحّت این حدیث اتّفاق نظر است.(2)

پس از ارتحال حضرت خدیجه علیهاالسلام، حضرت فاطمه علیهاالسلام در اطراف پیامبر می پیچید و می گفت:

یا أبه! أین امّی؟

بابا! مادرم کجاست؟

پیک وحی فرود آمد و عرضه داشت:

پروردگارت فرمان می دهد که به فاطمه سلام برسانی و به او بگویی:

إنّ امّکِ فی بیت من قَصَب، کِعابه من ذهب، و عُمُده یاقوت أحمر، بین آسیه و مریم ابنه عمران ؛

مادرت در خانه ای از مروارید است، که سقف آن از طلا و ستون هایش از یاقوت سرخ، در میان مریم و آسیه است.(3)

چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درود حق تعالی را به حضرت زهرا علیهاالسلام ابلاغ کرد، فاطمه ی 5 ساله عرض کرد:

إنّ اللّه هو السّلام و منه السّلام و إلیه السّلام ؛

خداوند خود سلام است، همه ی سلام ها از او و به سوی اوست.(4)

1- [1] . بخاری، الصّحیح، ج 5، ص 48.
2- [2] . ذهبی، سیر أعلام النّبلاء، ج 2، ص 113.
3- [3] . شیخ طوسی، الأمالی، ص 175، ح 294.
4- [4] . همان.

احادیث فراوانی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله در فضایل و مناقب حضرت خدیجه علیهاالسلام رسیده است که به شماری از آنها فقط اشاره می کنیم:

1. هذه صدّیقه امّتی ؛

او صدّیقه ی امّت من است.(1)

2. یا خدیجه! أنتِ خیر امّهات المؤمنین ؛

ای خدیجه! تو بهترین امّ المؤمنین ها هستی.(2)

3. ما أبدلنی اللّه خیرا منها ؛

هرگز خداوند همسری بهتر از او برایم جایگزین نکرده است.(3)

4. إنّ اللّه لیباهی بکِ کرام ملائکته کلّ یوم مرارا ؛

خداوند هر روز چندین بار با تو بر فرشتگان گرامی اش مباهات می کند. (4)

5. فضّلت خدیجه علی نساء امّتی ؛

خدیجه بر بانوان امّت من برتری داده شده است.(5)

6. مریم سیّده نساء عالمها و خدیجه سیّده نساء عالمها ؛

مریم سرور بانوان زمان خود و خدیجه سرور بانوان زمان خود می باشد. (6)

7. أفضل نساء أهل الجنّه خدیجه إبنه خویلد و فاطمه إبنه محمّد ؛

برترین بانوان بهشت، خدیجه دخت خویلد و فاطمه دخت محمّد صلی الله علیه و آله

1- [1] . ابن کثیر، البدایه و النّهایه، ج 2، ص 62.
2- [2] . سیلاوی، الأنوار السّاطعه، ص 7.
3- [3] . ابن حجر، فتح الباری، ج 9، ص 185.
4- [4] . علامه ی مجلسی، بحارالأنوار، ج 16، ص 78.
5- [5] . ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج 74، ص 84.
6- [6] . مشغری، الدّرّ النّظیم، ص 460.

می باشد.(1)

8. خديجه إبنه خويلد سابقه نساء العالمين إلى الايمان باللّه و بمحمّد ؛

خديجه دختر خويلد در ايمان به خدا و رسول خدا، از همه ی بانوان جهان پيشی گرفته است.(2)

9. خطاب به حضرت فاطمه: إنّ بطن امّكِ كان للإمامه وعاء ؛

شكم مادرت ظرف امامت قرار گرفت.(3)

10. و قد ذكر بأنّ اللّه رزقه حبّها ؛

پيامبر اكرم صلی الله عليه و آله می فرمود كه خداوند منّان محبّت خديجه عليهاالسلام را به آن حضرت روزی كرده است.(4)

اوّليّات حضرت خديجه عليهاالسلام

1. حضرت خديجه عليهاالسلام نخستين بانويی است كه به رسالت پيامبر اكرم صلی الله عليه و آله ايمان آورد.(5)

2. وی نخستين بانويی است كه با پيامبر نماز گزارد.(6)

3. او نخستين بانويی است كه به ولايت اميرمؤمنان عليه السلام ايمان آورد و به امر حضرت پيامبر با او بيعت كرد.(7)

1- [1] . ابن حجر، فتح الباری، ج 7، ص 104.
2- [2] . حاكم، المستدرک علی الصّحيحين، ج 3، ص 184.
3- [3] . ابن شهرآشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 384.
4- [4] . گنجی شافعی، كفايه الطّالب، ص 359.
5- [5] . شيخ طوسی، الأمالی، ص 259، ح 467.
6- [6] . علامه ی مجلسی، بحارالأنوار، ج 35، ص 80.
7- [7] . همان، ج 18، ص 233.

4. وی نخستین بانویی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با او ازدواج کرد.(1)

5. او نخستین بانویی است که از دست پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله انگور بهشتی تناول نمود.(2)

دوشیزه ی حجاز

همواره قلم در دست صاحبان زر، زور و تزویر بود، از این رهگذر بسیاری از حقایق مسلّم تاریخ دستخوش تحریف شده است.

بدون تردید حضرت خدیجه علیهاالسلام به هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دوشیزه بود و هرگز با کسی ازدواج نکرده بود، ولی برای این که یکی دیگر از همسران را دوشیزه معرّفی کنند، برای حضرت خدیجه علیهاالسلام دو شوهر تراشیده اند، تا او را بیوه زن و چهل ساله معرّفی کنند!!

ابن شهرآشوب در کتاب گران سنگ خود از چهار چهره ی برجسته ی جهان اسلام:

1. احمد بلاذری، متوفّای 279 ق. صاحب کتاب: «أنساب الأشراف»

2. ابوالقاسم کوفی، متوفّای 352 ق. صاحب کتاب: «الاستغاثه»

3. سیّد مرتضی علم الهدی، متوفّای 436 ق. صاحب کتاب: «الشّافی فی الامامه»

4. شیخ طوسی، متوفّای 460 ق. صاحب کتاب «تلخیص الشّافی» ؛

روایت کرده که گفته اند:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگامی با حضرت خدیجه علیهاالسلام ازدواج کرد وی دوشیزه

1- [1] . ابن حجر، فتح الباری، ج 7، ص 134.

2- [2] . هیثمی، مجمع الزّوائد، ج 9، ص 225.

بود.(1)

حسین بن حمدان خصیبی، متوفّای 334 ق. با صراحت و قاطعیّت می نویسد:

به جز رسول خدا هرگز احدی افتخار همسری حضرت خدیجه علیهاالسلام را پیدا نکرد، چنانکه تا خدیجه زنده بود، پیامبر اکرم همسر دیگری برنگزید.(2)

ابوالقاسم علی بن احمد کوفی، نوه ی موسی مبرقع و نواده ی امام جواد علیه السلام، متوفّای 352 ق. در این رابطه می نویسد:

بی گمان حضرت خدیجه علیهاالسلام به جز رسول خدا هرگز با احدی ازدواج نکرده بود.(3)

ابن شهرآشوب می نویسد:

این مطلب را تأکید می کند آنچه در دو کتاب «الأنوار» و «البدع» آمده که رقیّه و زینب، دختران هاله خواهر خدیجه بودند.(4)

مورّخ شهیر سید جعفر مرتضی برای اثبات این مطلب دو کتاب مستقلّ تألیف کرده:

1) بنات النّبیّ أم ربائبه

2) القول الصّائب فی إثبات الرّبائب

1- [1] . ابن شهرآشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 206.
2- [2] . خصیبی، الهدایه الکبری، ص 40.
3- [3] . کوفی، الاستغاثه، ج 1، ص 70.
4- [4] . ابن شهرآشوب، همان.

و در کتاب سیره اش به تفصیل آن را اثبات کرده است.(1)

دختران هاله

حضرت خدیجه علیهاالسلام خواهری داشت به نام «هاله» با مردی از مخزوم ازدواج کرد و از او دختری آورد به نام هاله.

سپس با مردی از تمیم ازدواج کرد و از او پسری آورد به نام هند.

شوهرش ابوهند از همسر قبلی خود دو دختر به نام: رقیّه و زینب داشت.

پس از درگذشت ابوهند، پسرش به خانواده ی پدری اش پیوست و دخترانش در تحت کفالت هاله ماندند.

حضرت خدیجه علیهاالسلام که امّ الأرامل (سرپرست زنان بیوه) و الأیتام بود، خواهرش هاله را با دو دختر ابوهند تحت کفالت خود قرار داد.

زینب و رقیّه که در خانه ی حضرت خدیجه علیهاالسلام پرورش یافتند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را بابا خطاب می کردند.

در میان عرب رسم بود هر کس یتیمی را تربیت می کرد به عنوان فرزند او شناخته می شد، از این رهگذر این دو دختر نیز به پیامبر و خدیجه منسوب شدند.(2)

روی این بیان زینب و رقیّه، نه فقط دختران پیامبر و خدیجه نبودند، بلکه حتّی دختران هاله نبودند، بلکه ربیبه های هاله، یعنی دختران ابوهند از همسر قبلی اش بودند.

پس از آن که آنها به همسری عثمان درآمدند، وسیله ی تبلیغ اموی ها شد، تا

1- [1] . جعفر مرتضی، الصّحیح من سیره النّبیّ، ج 2، ص 187 - 221.
2- [2] . کوفی، الاستغاثه، ج 1، ص 68.

او را رقیب سیاسی امیرمؤمنان علیه السلام معرّفی کرده، او را نیز داماد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قلمداد کنند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به مولای متّقیان علیه السلام فرمود:

یا علیّ! اوتیتَ ثلاثا لم یؤتهنّ أحد و لا أنا؛

اوتیتَ صهرا مثلی و لم اوت أنا مثلی ... ؛

علی جان! خداوند به تو سه امتیاز داده که به احدی، حتّی به من نداده است:

خداوند به تو پدرزنی چون من داده، که به من پدرزنی در حدّ خودم نداده است.(1)

روی این بیان افتخار دامادی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله منحصرا از آنِ امیرمؤمنان علیه السلام می باشد، اگر فرد دیگری در این افتخار شرکت داشت، حدیث پیامبر نقض می شد.

سنّ حضرت خدیجه علیهاالسلام

حافظ عمادالدّین عامری، متوفّای 893 ق. سنّ حضرت خدیجه را به هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله 25 دانسته و هیچ قول دیگری را نقل نکرده است.(2)

حافظ ابوبکر بیهقی، متوفّای 458 ق. نیز فقط همین قول را صحیح دانسته است.(3)

قول دیگر این است که حضرت خدیجه علیهاالسلام به هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ساله بود و این قول ابن عباس است.(4)

حاکم نیشابوری با سلسله اسنادش از محمد بن اسحاق، صاحب سیره، نقل کرده که حضرت خدیجه علیهاالسلام به هنگام ازدواج با پیامبر

1- [1] . قاضی نوراللّه شوشتری، احقاق الحق، ج 5، ص 74.
2- [2] . عامری، بهجه المحافل، ج 1، ص 48.
3- [3] . بیهقی، دلائل النّبوّه، ج 2، ص 71.
4- [1] . ذهبی، سیر أعلام النّبلاء، ج 2، ص 111.

28 ساله بود، سپس می افزاید:

آنچه گفته می شود 40 ساله بوده قول شاذّ می باشد.(1)

تاریخ ازدواج

بی گمان ازدواج حضرت خدیجه علیهاالسلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سال 25 عام الفیل، 15 سال پیش از بعثت و 28 سال پیش از هجرت بوده است.

این پیوند مقدّس در ماه ربیع الاوّل اتّفاق افتاده و اختلافی در آن نقل نشده است.(2)

روز ازدواج نیز بنابر مشهور دهم ماه ربیع بوده است، چنانکه سید ابن طاووس آن را از شیخ مفید نقل کرده و روزه ی آن را برای شکرانه ی این پیوند مقدّس مستحبّ دانسته است.(3)

مرحوم کاشف الغطاء به هنگام بحث از نهم ربیع می فرماید:

یکی دیگر از علل شادی حضرت زهرا علیهاالسلام در این ایّام پیوند مقدّس سیّد

کاینات با بانوی پاک و پاک سرشت، حضرت خدیجه علیهاالسلام است، که بی گمان حضرت زهرا علیهاالسلام در این روز شاد و مسرور است و این شادی به شیعیان و

1- [2] . حاکم، المستدرک علی الصّحیحین، ج 3، ص 182.
2- [3] . همان.
3- [4] . سید ابن طاووس، اقبال الأعمال، ج 2، ص 115.

ارادتمندانش به ارث رسیده است.(1)

مهریّه ی حضرت خدیجه علیهاالسلام

حضرت خدیجه 4000 دینار به عباس داد که آن را به عنوان مهریّه به خانواده ی حضرت خدیجه علیهاالسلام بدهند(2) ولی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فقط 500 درهم به عنوان مهریّه تقدیم نمود.(3) حضرت ابوطالب نیز 20 شتر جوان از مال خود بر آن افزود.(4)

اگر چه این پیوند مقدّس 15 سال پیش از بعثت اتّفاق افتاده، ولی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله 500 درهم (یعنی یک هشتادم مال ارسالی حضرت خدیجه را) به عنوان مهریّه تقدیم می کند، تا امّت از آن حضرت پیروی کرده، از مهریّه های سنگین پرهیز کنند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همواره خود را مدیون حضرت خدیجه علیهاالسلاممی دانست و لذا پس از تصرّف فدک به حضرت زهرا علیهاالسلام فرمود:

دخترم! خداوند فدک را به پدرت اختصاص داد. دیگر مسلمانان نصیبی در آن ندارند.

مادرت خدیجه مهریّه ای در عهده ی پدرت داشت. پدرت فدک را به عنوان

مهریّه ی مادرت به تو داد، تا نحله ی تو باشد، سپس از آنِ فرزندانت.(5)

1- [1] . کاشف الغطاء، جنّه المأوی، ص 94.
2- [2] . کلینی، الکافی، ج 5، ص 374.
3- [3] . علامه ی مجلسی، بحارالأنوار، ج 16، ص 70.
4- [4] . کلینی، همان، ص 375.
5- [1] . قطب راوندی، الخرائج و الجرائح، ج 1، ص 112.

فرزندان

حضرت خدیجه علیهاالسلام برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یک دختر و دو پسر آورد.

همه ی سیره نویسان اتّفاق نظر دارند که به جز ابراهیم، دیگر فرزندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از خدیجه ی کبری بود:

1) قاسم، بزرگ ترین فرزند پیامبر، که پیش از بعثت متولّد شد و در سنّ چهارسالگی درگذشت.

2) عبداللّه که بعد از بعثت متولّد شد و لذا به طیّب و طاهر ملقّب گردید. (1) او نیز در شیرخوارگی، یکماه بعد از قاسم درگذشت.(2)

3) حضرت فاطمه علیهاالسلام

غروب غمبار

پیامبر اکرم علیهاالسلام 25 سال تمام با وی زندگی کرد، او تنها آرام بخش قلب پیامبر و تنها مایه ی تسلّی آن حضرت بود، از این رهگذر به هنگام ارتحالش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به قدری محزون شد که برای سلامتی اش نگران شدند.(3)

وفات حضرت خدیجه علیهاالسلام در سال دهم بعثت، شب دهم ماه رمضان اتّفاق افتاد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد قبر شده، شخصا همسرش را در قبر نهاد.(4)

ارتحال حضرت خدیجه علیهاالسلام به فاصله ی اندکی از وفات حضرت ابوطالب علیه السلام رخ داد، از این رهگذر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن سال را «عام الحزن» نام

1- [2] . ابن کلبی، جمهره النّسب، ص 30.
2- [3] . یعقوبی، التّاریخ، ج 2، ص 26.
3- [4] . طبری، دلائل الامامه، ص 8.
4- [5] . ابن سعد، الطّبقات الکبری، ج 8، ص 18.

نهاد.(1)

به هنگام فتح مکّه، اشراف مکّه با اصرار فراوان از آن حضرت تقاضا می کردند که در منزل آنها وارد شود، ولی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در کنار قبر حضرت خدیجه علیهاالسلامخیمه زد و ایّام اقامتش در مکّه را در کنار قبر حضرت خدیجه علیهاالسلام سپری کرد.(2)

برای تحقیق بیشتر:

1. الأنوار السّاطعه، شیخ غالب سیلاوی، چاپ قم، 1424 ق.

2. جوهره الکوثر، علی اکبر مهدی پور، چاپ قم، 1434 ق.

3. نساء النّبیّ و بناته، دکتر نجاح طائی، چاپ 1425 ق.

1- [1] . اربلی، کشف الغمّه، ج 1، ص 16.
2- [2] . طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج 3، ص 57.

درس هشتم: خطبه ی فدکیّه

اشاره

سرسلسله ی بانوان بزرگی که کرسی خطابه را با خطابه های شورانگیز خود زینت بخشیده اند، صدیقه ی کبری، فاطمه ی زهرا علیهاالسلاممی باشد، که قدرت بیان، گیرایی تعبیر، بلندی معانی و شیوایی اسلوب را از پدر والا قدرش به ارث برده، در فصاحت و بلاغت هم سنگِ همسر بزرگوارش امیرمؤمنان علیه السلام قرار گرفته، گوی سبقت را از همه ی بانوان عالم برده است.

خطبه ای که در این بخش تقدیم می گردد، خطبه ای است که پس از شهادت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مسجد مدینه ی منوّره، در حضور مهاجر و انصار، به عنوان «استیضاحِ خلیفه» و انتقاد از نظامِ حاکم ایراد شده است.

بزرگ بانوی جهان آفرینش، به هنگام القای این خطبه، در سوگ پدر بزرگوارش به شدّت متأثّر، از غصب حق شوی گرامی اش در دریای غم و اندوه غوطه ور، از ناحیه ی سینه، بازو، کمر و صورت به شدّت مجروح و مصدوم بود، ولی در این خطبه از طرز تشکیل حکومت و تحریف مسیر خلافت انتقاد نموده، آثار زیان بار آن را در اجتماع نوبنیاد اسلامی به تفصیل بیان کرده، از توحید، نبوّت، امامت، فلسفه ی احکام، حقایق تابناک اسلام و معارف والای تشیّع سخن گفته، چهره ی کریه غاصبان خلافت و متصدّیان نامشروع زعامت

را به شایسته ترین وجه ممکن ترسیم نموده، که از دیدگاه عمق مطالب، استحکام معانی، استدلال به آیات قرآن، استشهاد به سنّت قطعی، شیوایی بیان و تناسب آن با هدف خطابه، به قدری بلند و پرمایه است که نظیر آن، جز در سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیربیان، مولای متّقیان، پیشوای پرواپیشگان، حضرت علی علیه السلام یافت نمی شود.

فرازهای تابناک این خطبه در سینه ها ضبط شد، در بایگانی تاریخ نقش بست و در سرلوحه ی اوراق زرّین تاریخ ثبت گردیده است.

فاطمه علیهاالسلام در مسجد

هنگامی که ابوبکر و عمر تصمیم نهایی خود را در مورد غصب فدک از حضرت زهرا علیهاالسلام گرفتند و نماینده ی ایشان را از آنجا خارج کردند و این خبر به آن حضرت رسید، سر مبارک را پوشاند و چادر بر سر کشید و همراه عده ای از زنان خدمتگذار و بانوان خویشاوندش به مسجد آمدند. هنگام راه رفتن چادر حضرت به زمین کشیده می شد و پایین آن زیر پای شان می رفت، و همانند پیامبر صلی الله علیه و آله راه می رفت. حضرت زهرا علیهاالسلام بر ابوبکر وارد شد در حالی که او در بین گروهی از مهاجران و انصار و سایر مردم بود . پرده ای میان مردم و آن حضرت آویخته شد و ایشان نشست .

آن گاه چنان آهی کشید که بر اثر آن همگان گریستند و مجلس پر خروش و منقلب شد . سپس کمی صبر نمود تا صدای گریه ی مردم خاموش شد و هیجان شان آرام گرفت، در این حال با ستایش خداوند و درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله سخن را آغاز کرد . مردم دیگر بار گریستند ، و چون آرام شدند ایشان سخن

خود را از سر گرفت ...

نکته ای که در ابتدای ورود حضرت فاطمه علیهاالسلام به مسجد قابل تأمل است ناله ی سوزناک ایشان و به دنبال آن اشک و زاری مردم است. ناله ی فاطمه علیهاالسلام حکایت از وجود مطلبی دارد که او را آزرده است. مردم نیز از این مطلب آگاه شده و شروع به گریه کردند، زیرا بارها از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده بودند که: «فاطمه بضعه منی یؤذینی ما آذاها».

اکنون سؤال می شود این چه مطلبی بوده که او را آزرده است، و این آزردن به دست چه کسی واقع شده است؟!!

طبق دنباله ی خطبه معلوم می شود که زهرای مرضیه علیهاالسلام از غصب فدک ناراحت است که توسط ابوبکر وعمر و همدستان شان واقع شده است.

اگر اهل بیت: با خلفا تعاملی خوب داشتند پس چرا دختر پیامبر صلی الله علیه و آله این گونه از اعماق دل آه می کشد و از دست غاصبان فدک می نالد؟!

حمد و ثنای الهی

در آغاز خطابه حضرت فاطمه علیهاالسلام جملاتی زیبا در اوج بلاغت و فصاحت در حمد و ثنای الهی فرمودند که از آن جمله است:

وَ أَشْهَدُ أَنْ لا إِلهَ إِلاَّ اللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ کَلِمَهٌ جَعَلَ الْإِخْلاصَ تَأْویلَها وَ ضَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْصُولَها وَ أَنارَ فِی التَّفَکُّرِ مَعْقُولَها . اَلْمُمْتَنِعُ مِنَ الْأَبْصارِ رُؤْیَتُهُ وَ مِنَ الْأَلْسُنِ صِفَتُهُ وَ مِنَ الْأَوْهامِ کَیْفِیَّتُهُ . ابْتَدَعَ الْأَشْیاءَ لا مِنْ شَیءٍ کانَ قَبْلَها وَ أَنْشَأَها بِلاَ احْتِذاءِ أَمْثِلَهٍ اِمْتَثَلَها ؛

_گواهی می دهم که معبودی جز « اللّه » نیست ، او یگانه است و برایش

همتایی نیست. کلمه ای است که تأویل آن اخلاص است ، و درک آن را در دل ها قرار داده و حقیقت آن را در گستره ی اندیشه روشنی بخشیده _

_است . خداوندی که چشم ها دیدنش را نتوانند ، و زبان ها از وصف او بازمانند ، و درک چگونگی اش در خیال نگنجد . او تمامی اشیاء را پدید آورد بدون این که موجودی قبل از آن باشد و آنان را آفرید بدون آن که از الگو و نمونه ای پیروی کند . _

بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله

در ادامه حضرت در مورد بعثت و پیامبری پدرشان سخن گفتند و عظمت او و رسالتش را بیان داشته فرمودند:

فَأَنارَ اللّه ُ بِأَبی مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله ظُلَمَها وَ کَشَفَ عَنِ الْقُلُوبِ بُهَمَها وَجَلا عَنِ الْأَبْصارِ غُمَمَها وَ قامَ فِی النّاسِ بِالْهِدایَهِ فَأَنْقَذَهُمْ مِنَ الْغَوایَهِ وَ بَصَّرَهُمْ مِنَ الْعَمایَهِ وَ هَداهُمْ إلیَ الدّینِ الْقَویمِ وَ دَعاهُمْ إِلیَ الصِّراطِ الْمُسْتَقیمِ ؛

_آنگاه خداوند به وجود پدرم محمّد _صلی الله علیه و آله تاریکی هایشان را روشنی بخشید ، و از دل ها مشکلات را زدود ، و از چشم ها ابهام را کنار زد .

آن حضرت در میان مردم برای هدایت بپا خاست. ایشان را از گمراهی رهایی بخشید ، و آنان را از غفلت به در آورده بینایی و بصیرت شان داد ، و به آیین استوار راهنمایی نمود و آنها را به راه راست فراخواند .

در این فرازها بارها صدیقه ی طاهره علیهاالسلام از رسول اللّه صلی الله علیه و آله با کلمه ی «پدرم» یاد می کند تا برای مردم یاد آوری نماید که من دختر او و کسی هستم که در

خانه ی او بزرگ شده است.

آری، فاطمه علیهاالسلام همان اُمّ ابیهایی است که در بیت نبوت پرورش یافت، و در خانه ی وصایت زندگی کرد، و امامت را تربیت نمود.

یادگارهای پیامبر صلی الله علیه و آله

سپس حضرت فاطمه علیهاالسلام رو به مردم نمود و آنها را به تکالیف الهی و بندگی خدا یاد آور ساخت، و یادگارهای رسول اللّه صلی الله علیه و آله را در میان شان بیان داشته فرمود:

وَ (نَحنُ) بَقِیَّهٌ اسْتَخْلَفَها عَلَیْکُمْ (مَعَنا) کِتابُ اللّهِ النّاطِقُ وَ الْقُرآنُ الصّادِقُ؛

ما یادگارانی هستیم که خداوند بر شما قرار داده، و به همراه ما کتاب ناطق الهی و قرآن صادق، نور تابناک و شعاع درخشنده ای است.

حکمت های شریعت اسلام

در ادامه بعضی از حکمت های دین مبین اسلام و احکام الهی مانند نماز، روزه، حج، امر به معروف و نهی از منکر را بیان کردند و در مورد ولایت فرمودند:

وَ طَاعَتَنا نِظاما لِلْمِلَّهِ، وَ إِمامَتَنا أَمانا مِنَ الْفُرْقَهِ،

پیروی از ما (اهل بیت) را برای سامان یافتن امر امّت ، و امامت و پیشوایی ما را برای ایمنی از پراکندگی و تفرقه قرار داده است.

با این کلام حضرت فاطمه علیهاالسلام اساس تمام تفرقه ها در اسلام را دور بودن از ولایت و امامت اهل بیت علیهم السلام بیان نمودند که اگر مسلمانان همراه با آنها و

امامت شان بودند هیچ گاه تفرقه در اسلام به وجود نمی آمد. و همچنین طبق این کلام روشن می شود هرگاه جدایی در اسلام روی داد آن طرف که امامت اهل بیت علیهم السلام است حق بوده و باید به سوی آن رفت و بقیه باطل است.

پس تمامی مسلمانانی که به سمتی غیر از امیرالمؤمنین علیه السلام رفتند به سمت باطل رفته اند و از حق جدا شده اند.

معرفی خویشتن

در دنباله حضرت فاطمه علیهاالسلام برای این که عذری از مسلمانان باقی نماند خودشان را معرفی کرده بیان داشتند:

ثُمَّ قالَتْ : أَيُّهَا النّاسُ ! اعْلَمُوا أَنّی فاطِمَهُ وَ أَبی مُحَمَّدٌ صلی اللّه علیه و آله! أَقُولُ عَوْدا وَ بَدْوا، وَ لا أَقُولُ ما أَقُولُ غَلَطا، وَ لا أَفْعَلُ ما أَفْعَلُ شَطَطا؛

_ای مردم! بدانید که من فاطمه ام و پدرم محمّد _صلی الله علیه و آله است. ابتدا و انتهای کلامم این است و آنچه را که می گویم نادرست نمی گویم ، و در آنچه انجام می دهم از مسیر حق کناره نمی گیرم، پس با گوش های شنوا و قلب های آگاه سخن مرا گوش کنید .

در این فراز دوباره زهرای اطهر علیهاالسلام خود را معرفی می نماید تا برای احدی عذری باقی نماند و نگویند ما گوینده ی این کلام را نمی شناختیم. همچنین شمّه ای از عصمت خود را بیان می نماید تا مردم بدانند سخن فاطمی غیر از سخن دیگران است.

مسیر رسالت الهی

سپس حضرت فاطمه علیهاالسلام به بیان مسیر رسالت الهی توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و

وصی ایشان پرداختند، و با اشاره به این که خداوند به وسیله ی رسولش مردم را از بت پرستی نجات داد و به وسیله ی حضرت علی علیه السلام در تمامی معرکه ها او را یاری کرد فرمود:

« كُلَّما أَوْقَدُوا نارا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَااللّه ُ »(1) أَوْ نَجَمَ قَرْنُ الشَّيْطانِ، أَوْ فَغَرَتْ فاغِرَهٌ مِنَ الْمُشْرِكينَ، قَذَفَ أَخاهُ فى لَهَواتِها، فَلا يَنْكَفِى ءُ حَتّى يَطَأَ جناحَها بِأَخْمَصِهِ، وَ يُخْمِدَ لَهَبَها بِسَيْفِهِ، مَكْدُودا فى ذاتِ اللّه ِ، مُجْتَهِدا فى أَمْرِ اللّه ِ، قَريبا مِنْ رَسُولِ اللّه ِ، سَيِّدا فِى أَوْلِياءِ اللّه ِ مُشَمِّرا ناصِحا مُجِدّا كادِحا، لا تَأْخُذُهُ فِى اللّه ِ لَوْمَهُ لائِم، وَ أَنْتُمْ فى رَفاهِيَّهٍ مِنَ الْعَيْشِ، وَادِعُونَ فاكِهُونَ آمِنُونَ، تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوائِرَ، وَ تَتَوَكَّفُونَ الْأَخْبارَ، وَ تَنْكُصُونَ عِنْدَ النِّزالِ، وَ تَفِرُّونَ مِنَ الْقِتالِ ؛

_هرگاه آتشی برای جنگ برافروختند خداوند آن را خاموش ساخت ، یا آن گاه که شاخ شیطان سر بر می آوْرد یا دهان اهل شرک برای فتنه گشوده می شد ، در این حال پدرم برادرش (علی _علیه السلام) را در ژرفای کام دشمن می افکند ، و او نیز باز نمی آمد تا آن که بال های ایشان را با قدم هایش لگدمال سازد و شراره ی فتنه را با شمشیرش خاموش نماید . او (علی علیه السلام) در راه خدا پذیرای هر رنج و سختی بود ، و در اجرای فرمان خداوند بسیار کوشا ، به رسول خدا نزدیک ترین افراد ، و در جمع اولیای خدا سالار و سرور بود . در راه خدا کمر همت بسته بود. خیر خواه ، تلاشگر و سخت کوش بود . سرزنش هیچ ملامتگری او را از سعی و مجاهدت در راه خدا باز نمی داشت . و این در حالی بود که شما در

1- [1] . سوره مائده، آیه ی 64 .

آسایش و نعمت به سر می بُردید؛ و آسوده خاطر ، شادمان و بهره مند از ایمنی بودید ! پیش آمدهای ناگوار را برای ما انتظار می کشیدید ، و چشم به راه خبرهای آن بودید هنگام پیکار ، از نبرد کناره می گرفتید ، و از

صحنه ی جنگ فرار می کردید!!

در اینجا حضرت زهرا علیهاالسلام زحمات طاقت فرسای پدر و شوهرش را برای آنها روشن می سازد که شما از جنگ ها فرار می کردید، ولی شوهرم حضرت علی علیه السلام یگانه ی میدان نبرد بود و اسلام به دست او پیشرفت کرد. اما الآن شما تمامی زحمات او را نادیده گرفته اید و بر مسند او تکیه زده اید.

صدیقه ی طاهره علیهاالسلام در این فراز تلاش می کند حقی که خلفا غصب کرده اند را بیان دارد و گذشته ی اسلام را به یاد مسلمانان آورد. عده ی زیادی از این مسلمانان که با غاصبان حق امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت کرده بودند در جنگ های صدر اسلام حضور داشتند و رشادت های حضرت را دیده بودند و می دانستند احدی وجود ندارد که بتواند با او برابری کند ولی دنبال ابوبکر و عمر رفتند و از حق دور شدند.

رفتار مسلمانان بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله

در ادامه حضرت فاطمه علیهاالسلام با صراحت بیشتری سخن می گوید و پایمالی حق توسط مسلمانان بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله را بیان کرده فرمود:

فَلَمَّا اخْتارَ اللّه ُ لِنَبِیِّهِ دارَ أَنْبِیائِهِ، وَ مَأْوی أَصْفِیائِهِ، ظَهَرَتْ فیکُمْ حَسَکَهُ النِّفاقِ، وَ سَمَلَ جِلْبابُ الدّینِ، وَ نَطَقَ کاظِمُ الْغاوِینِ، وَ نَبَغَ خامِلُ الْأَقَلّینَ، وَ هَدَرَ فَنیقُ الْمُبْطِلینَ . فَخَطَرَ فی عَرَصاتِکُمْ وَ أَطْلَعَ الشَّیْطانُ

رَأْسَهُ مِنْ مَغْرِزِهِ، هاتِفا بِكُمْ فَأَلْفاكُمْ لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجيبينَ وَ لِلْغِرَّهِ فيهِ مُلاحِظينَ .

ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ، فَوَجَدَكُمْ خِفافا، وَ أَحْمَشَكُمْ فَأَلْفاكُمْ غِضابا، فَوَسَمْتُمْ غَيْرَ إِبِلِكُمْ، وَ وَرَدْتُمْ غَيْرَ مَشْرَبِكُمْ، هذا وَ الْعَهْدُ قَريبٌ، وَ

الْكَلْمُ رَحيبٌ، وَ الْجُرْحُ لَمّا يَنْدَمِلْ، وَ الرَّسُولُ لَمّا يُقْبَرْ !

ابْتِدارا زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَهِ ! « أَلا فِى الْفِتْنَهِ سَقَطُوا وَ إِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحيطَهٌ بِالْكافِرينَ » .(1)

هنگامی که خداوند برای پیامبر خویش جایگاه انبیا و منزلگاه برگزیدگانش را برگزید ، کینه های ناشی از نفاق در شما پدیدار گشت و پوشش دین فرسوده شد ، در این حال خاموش ترین گمراهان به سخن آمد ، و آن گمنام فرومایه آشکار شد ، و سرکرده ی اهل باطل به صدا درآمد و در عرصه ی شما قدرت نمایی کرد و شیطان از کمینگاه خویش سر برآورد در حالی که شما را به سوی خود فرا می خواند ، و شما را چنان یافت که دعوت او را اجابت می نمایید و به فریبش فریفته می شوید .

آن گاه از شما خواست که قیام کنید، و دریافت که به سویش می شتابید ، و آتش خشم و کینه را در وجودتان برافروخت و دید که به خشم می آیید ! پس داغْ بر شتر دیگران نهادید و به آبشخوری وارد شدید که از آن شما نبود. این در حالی بود که از پیمانتان روزگاری نگذشته ، و زخم (ارتحال پیامبر صلی الله علیه و آله) فراگیر ، و جراحت آن هنوز التیام نیافته ، و پیکر رسول خدا صلی الله علیه و آله هنوز به خاک سپرده نشده بود.

1- [1] . سوره ی توبه، آیه ی 49 .

به گمان ترس از وقوع در فتنه به سرعت اقدام کردید، ولی بدانید که در فتنه سقوط کردید و جهنم کافران را از هر سو در بر می گیرد.

در این فراز به روشنی مراحل بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و ماجرای سقیفه به تصویر کشیده شده است. حضرت زهرا علیهاالسلام مردمی که از حضرت علی علیه السلامجدا شدند و

با دیگران بیعت کردند را پیروان شیطان می داند که در فتنه گرفتار شده اند با این که هنوز چند روزی از فقدان پیامبر صلی الله علیه و آله نگذشته بود.

فاطمه زهرا علیهاالسلام خشمگین است که آنها هنوز پیامبر صلی الله علیه و آله را دفن نکرده به دنبال تعیین خلیفه رفتند با این که در غدیر خم همگی با امیرالمؤمنین علیه السلامبیعت کرده بودند و می دانستند او به عنوان جانشین معرفی شده است.

رجوع به قرآن

سپس حضرت فاطمه علیهاالسلام مردم را به قرآن دعوت می کند و از آنها می خواهد به قرآن بازگشت کنند و به دستورات آن عمل کنند:

فَهَيْهاتَ مِنْكُمْ ! وَ كَيْفَ بِكُمْ وَ أَنّى تُؤْفَكُونَ ؟ ! وَ كِتابُ اللّهِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ، أُمُورُهُ ظاهِرَةٌ، وَ أَحْكامُهُ زاهِرَةٌ، وَ أَعْلامُهُ باهِرَةٌ، وَ زَواجِرُهُ لائِحَةٌ، وَ أَوامِرُهُ واضِحَةٌ، [وَ] قَدْ خَلَّفْتُمُوهُ وَراءَ ظُهُورِكُم، أَ رَغْبَةً عَنْهُ تُريدونَ ؟ أَمْ بِغَيْرِهِ تَحْكُمُونَ ؟

_این رفتارها از شما بعید بود! چگونه چنین کاری کردید و به کجا باز می گردید با این که کتاب خدا در میان شماست؟! کتابی که فرمان هایش آشکار و صریح، دستورهای آن درخشنده و روشنگر ، نشانه هایش تابان ، نواهی اش نمایان و اوامرش پدیدار است . البته شما آن را پشت سر

نهاده اید ، (وای بر شما !) آیا از آن رو گردانده اید ؟ یا به غیر آن حُکم می کنید ؟ _

در این قسمت حوراء انسیه علیهاالسلام آن مردم را به بازگشت و رجوع به قرآن دعوت می کند، قرآنی که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله به آن عمل نکردند و پشت سر انداختند. فقط ظاهر قرآن را می خواندند و به دستورات آن عمل نمی کردند. اگر

به فرامین قرآن عمل کرده بودند هرگز دیگران و نا اهلان را بر امیرالمؤمنین علیه السلام ترجیح نمی دادند.

درخواست ارث

در این فراز - که مهمترین قسمت خطابه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام است - ایشان با استناد به قرآن کریم ارث پدر را برای خود خواستار شده فرمود:

وَ أَنْتُمُ الاْ نَ تَزْعَمُونَ أَنْ لا إِرْثَ لَنا أَفَحُكْمَ الْجاهِلِيَّهِ تَبْغُونَ ؟ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللّٰهِ حُكْما لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ؟ !

أَفَلا تَعْلَمُونَ ؟ ! بَلى قَدْ تَجَلّى لَكُمْ كَالشَّمْسِ الضّاحِيَهِ، أَنّى ابْنَتُهُ .

أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ ! أَ أُغْلَبُ عَلى إِرْثى ؟

يَابْنَ أَبى قُحافَهَ! أَفى كِتابِ اللّهِ أَنْ تَرِثَ أَباكَ و لا أَرِثَ أبى ؟ !« لَقَدْ جِئْتَ شَيْئا فَرِيّا »(1) أَفَعَلى عَمْدٍ تَرَكْتُمْ كِتابَ اللّهِ وَ نَبَذْتُمُوهُ وَراءَ ظُهُورِكُمْ ؟ إِذْ يَقُولُ : « وَ وَرِثَ سُلَيْمانُ داوُدَ »(2)

وَ قالَ فيمَا اقْتَصَّ مِنْ خَبَرِ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيّا عليهماالسلام إِذْ قالَ : « فَهَبْ لى مِنْ

1- [1] .بخشی از آیه ی 27 سوره ی مریم .
2- [2] . سوره ی نمل، آیه 16 .

لَدُنْکَ وَلِیّا یَرِثُنی وَ یَرِثُ مِنْ آلِ یَعْقُوبَ »(1) ، وَ قالَ :« وَ أُولُوا الْأَرْحامِ بَعْضُهُمْ أَوْلی بِبَعْضٍ فی کِتابِ اللّه ِ »(2) ، وَ قالَ : « یُوصیکُمُ اللّه ُ فی أَوْلادِکُمْ لِلذَّکَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنْثَیَیْنِ »(3) ، وَ قالَ : « إِنْ تَرَکَ خَیْرا الْوَصِیَّهُ لِلْوالِدَیْنِ وَ الْأَقْرَبینَ بِالْمَعْرُوفِ حَقّا عَلَی الْمُتَّقینَ » .(4)

وَ زَعَمْتُمْ أَنْ لا حُظْوَهَ لی وَ لا إِرْثَ مِنْ أَبی وَ لارَحِمَ بَیْنَنا ! !

أَفَخَصَّکُمُ اللّه ُ بِآیَهٍ [مِنَ الْقُرْآنِ]أَخْرَجَ أَبی مِنْها ؟

أَمْ هَلْ تَقُولُونَ إِنَّ أَهْلَ مِلَّتَیْنِ لا یَتَوارَثانَ ؟ !

أَوَ لَسْتُ أَنَا وَ أَبی مِنْ أَهْلِ مِلَّهٍ واحِدَهٍ ؟ أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِخُصُوصِ الْقُرآنِ وَ عُمُومِهِ مِنْ أَبی وَ ابْنِ عَمّی ؟ !

_و اینک شما چنان می پندارید که ما (از پیامبر خدا _صلی الله علیه و آله) هیچ ارثی و بهره ای نداریم ؟! آیا به دنبال حکم جاهلیت هستید؟ به راستی برای اهل یقین کدامین داوری از قضاوت خداوند بهتراست؟!

آیا نمی دانید ؟ ! آری ، نیک می دانید و همچون خورشید درخشان برایتان روشن است که من دختر پیامبر خدایم .

ای مسلمانان آیا نشسته اید که ارث مرا غاصبان ببرند؟!

ای پسر ابو قحافه آیا در کتاب خدا چنین آمده که تو از پدرت ارث ببری و من از پدرم ارث نبرم ؟ به راستی مطلبی تعجب آور و متحیّر کننده آورده ای؟! آیا با قصد و عمد ، کتاب خدا را واگذاشته و آن را پشت

1- [3] . سوره ی مریم، آیه ی 5 و 6 .
2- [4] . سوره ی انفال، آیه ی 75 .
3- [5] . سوره ی نساء، آیه ی 11 .
4- [1] . سوره ی بقره، آیه ی 180 .

سرتان افکنده اید؟ آنجا که گفته است : « و سلیمان از داود ارث بُرد » .

و نیز آن گاه که سرگذشت حضرت یحیی بن زکریّا علیهماالسلام را بازگو کرده فرموده است: «زکریّا به خداوند گفت : پروردگارا ! . . . مرا از جانب خویش وارثی عطا فرما ، تا از من و از دودمان یعقوب ارث ببرد» و باز خداوند (در موضعی دیگر) فرموده است : «در کتاب خدا خویشاوندان

_به ارث بردن از یکدیگر سزاوارترند» و همچنین فرموده : خداوند درباره ی فرزندانتان به شما چنین سفارش می کند که سهم پسر برابر با سهم دو دختر باشد . و نیز فرمود : « هرگاه مرگ یکی از شما فرا رسد و مالی باقی گذارَد ، برای پدر و مادر و نزدیکان خود به نیکی وصیّت کند . این حُکم بر متقین مقرّر و واجب است ».

و آیا پنداشته اید که بهره ای از آن اموال ندارم و به من از پدرم ارثی نمی رسد؟!

و یا آن که میان من و او خویشی و نسبتی نبوده است ؟ !

آیا خداوند شما را به آیه ای از قرآن مخصوص داشته و پدرم را استثنا کرده است ؟ !

یا می گویید که ما اهل دو مذهبیم و از یکدیگر ارث نمی بریم ؟ !

آیا من و پدرم بر یک مذهب نبوده ایم ؟ !

یا شما به خاصّ و عامّ قرآن از پدرم و پسر عمویم آشناتر و آگاهترید ؟ !

حضرت فاطمه علیهاالسلام در این کلام با بیان پنج آیه ی قرآن که در مورد ارث است اثبات می کند که ایشان از رسول اللّه صلی الله علیه و آله ارث می برد. همچنین با چند استدلال منطقی و برهان عقلی تمامی شبهاتی که ممکن است در مورد ارث بردن ایشان

از پیامبر صلی الله علیه و آله مطرح شود را پاسخ می گوید.

در تمامی این فرازها آنچه واضح است ظلم بزرگ خلفا در حق فاطمه علیهاالسلام و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است که به خاطر آن ایشان مجبور شده است چنین خطبه بخواند.

در قسمت آخر این فراز صدیقه ی طاهره علیهاالسلام خدا و رسولش را حاکم قرار

می دهد که در مورد آن قوم حکم کنند.

توبیخ انصار

پس از این سخنان، حضرت فاطمه علیهاالسلام صورت مبارک خود را به طرف انصار برگردانده و کلامی توبیخ آمیز به آنان فرمود که:

یا مَعْشَرَ النَّقِیبَهِ وَ أَعْضادَ الْمِلَّهِ وَ حَضَنَهَ الاِْسْلامِ ! ما هذِهِ الْغَمِیزَهُ فی حَقّی وَ السِّنَهُ عَنْ ظُلامَتی ؟ !

أَما کانَ رَسُولُ اللّهِ ـ صلی الله علیه و آله أَبی یَقُولُ : " اَلْمَرْءُ یُحْفَظُ فی وُلْدِهِ " ؟ سَرْعانَ ما أَحْدَثْتُمْ، وَ عَجْلانَ ذا إِهالَهً ! وَ لَکُمْ طاقَهٌ بِما أُحاوِلُ، وَ قُوَّهٌ عَلی ما أَطْلُبُ وَ أُزاوِلُ . أَتَقُولُونَ ماتَ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله ؟

ای بلند پایگان ، و یاوران دین و نگهبانان اسلام ! این چه سستی است که نسبت به حقّ من روا می دارید ؟ و چه چشم برهم نهادنی است که در مورد ظلم من شما را فرا گرفته است؟!

آیا پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله نمی فرمود : حُرمت هر کس در فرزندانش پاس داشته می شود ؟

چه زود بدعت ها و آنچه را که نباید ، پدید آوردید ! و چه شتابان ما را از

پی آمدِ ناپسند کردار خود ، بهره مند ساختید ! در حالی که شما نسبت به مقصودی که من در پیِ آنم ، و خواهان آن بوده ، به آن پرداخته ام توانایی دارید .آیا می گویید پیامبر خدا محمّد - که درود خداوند بر او و خاندانش باد - از دنیا رفت ؟

در این فراز زهرای مرضیه علیهاالسلام از انصار تعجب می کند که چگونه در برابر دیدگان آنها چنین جسارتی به او روا داشته می شود و از این سکوت شان گلایه

دارد.

آه فاطمی

در ادامه حضرت فاطمه علیهاالسلام همچنان انصار را توبیخ نموده که در برابر دیدگان آنها چنین ظلم عظیمی در حق یگانه دخت رسول اللّه صلی الله علیه و آله روا داشته می شود. سپس حضرت از کلماتش با آهی از سوز سینه و شعله ای از غم وجود تعبیر کرده فرمود:

أَلا وَ قَدْ قُلْتُ ما قُلْتُ، هذا عَلی مَعْرِفَهٍ مِنّی بِالْخَذْلَهِ الَّتی خامَرَتْکُمْ، وَ الْغَدْرَهِ الَّتِی اسْتَشْعَرَتْها قُلُوبُکُمْ، وَلکِنَّها فَیْضَهُ النَّفْسِ، وَ نَفْثَهُ الْغَیْظِ، وَ خَوَرُ الْقَناهِ، وَ بَثَّهُ الصَّدْرِ، وَ تَقْدِمَهُ الحُجَّهِ .

فَدُونَکُمُوها فَاحْتَقِبُوها دَبِرَهَ الظَّهْرِ، نَقِبَهَ الْخُفِّ، باقِیَهَ الْعارِ، مَوْسُومَهً بِغَضَبِ اللّهِ وَ شَنارِ الْأَبَدِ، مَوْصُولَهً بِنارِ اللّهِ الْمُوقَدَهِ، « الَّتی تَطَّلِعُ عَلَی الْأَفْئِدَهِ »(1) فَبِعَیْنِ اللّهِ ما تَفْعَلُونَ « وَ سَیَعْلَمُ الَّذینَ ظَلَمُوا أَیَّ مُنْقَلَبٍ یَنْقَلِبُونَ » . (2)

1- [1] . سوره ی هُمَزه، آیه ی 7 تا 9 .
2- [2] . سوره ی شعراء، آیه ی 227 .

وَ أَنَا ابْنَهُ نَذيرٍ لَكُمْ بَيْنَ يَدَىْ عَذابٍ شَديدٍ، فَاعْمَلُوا إِنّا عامِلُونَ « وَ انْتَظِرُوا إِنّا مُنْتَظِرُونَ » .(1)

_آگاه باشید آنچه را که باید بگویم گفتم با آن که می دانم سستی و کوتاهی با شما آمیخته است که از یاری ما بازتان می دارد ، و لباس بی وفایی و مکر دل هایتان را فروپوشیده است ، امّا گفتارم آهی است که از نهادم _

برآمد، و شعله ای از غم های وجودم که از نارسایی توانم در گرفتن حقوق حکایت داشت، و اظهار غصه ی سینه ام که دیگر نتوانستم آن را مخفی کنم، و خواستم حجت را بر شما تمام کنم.

اینک این شما و این شتر خلافت ، آن را جهاز کنید و بر آن سوار شوید ، در حالی که پشت این مرکبْ مجروح، و پنجه اش فرسوده است .

بد نامیِ و عیب آن پایدار باشد ، داغِ ننگ ابدی و خشم خدای جبّار بر آن نهاده شده ، و به آتش افروخته ی (غضب) الهی پیوند یافته است ، همان آتشی که بر دل ها احاطه و اشراف دارد ، پس آنچه انجام می دهید را خدا می بیند و به زودی آنان که ستم کردند خواهند دانست به چه منزلگاهی می روند!

و من دختر آن پیامبرِ هشدار دهنده ام که شما را از کیفری سخت که در پیش است بیم داده است . پس شما اقدام کنید ، ما نیز اقدام کننده ایم ، و منتظر باشید که ما هم منتظریم.

در این فراز صدیقه ی طاهره علیهاالسلام خطبه ی خود را آهی از غم های سینه اش و اتمام حجتی برای آن مردم بیان می نماید. سپس غصب خلافت توسط آنان را

1- [3] . سوره ی هود، آیه ی 122 .

موجب خشم و غضب الهی می داند و نسبت به عاقبت سخت آن هشدار می دهد.

اکنون ما پس از چهارده قرن با شنیدن این آه فاطمی عرضه می داریم: یا فاطمه علیهاالسلام، کاش بودیم و این ناله های جگر سوز تو را جواب می گفتیم، و حق تو را از آن ظالمان غاصب بازپس می گرفتیم.

حدیث جعلی

در این هنگام ابوبکر عبد اللّه بن عثمان در جواب حضرت فاطمه علیهاالسلام حدیث جعلی «نحن معاشر الانبیاء لا نورث» را مطرح کرد. حضرت در جواب او فرمود:

سُبْحانَ اللّهِ ! ما کانَ أَبی رَسُولُ اللّهِ ِصلی الله علیه و آله عَنْ کِتابِ اللّهِ صادِفا وَ لا لِأَحْکامِهِ مُخالِفا، بَلْ کانَ یَتَّبِعُ أَثَرَهُ وَ یَقْتَفِی سُوَرَهُ.

أَفَتَجْمَعُونَ اِلَی الْغَدْرِ اعْتِلالاً عَلَیْهِ بِالزُّورِ وَ الْبُهْتانِ ؟

وَ هذا بَعْدَ وَفاتِهِ شَبیهٌ بِما بَغی لَهُ مِنَ الْغَوائِلِ فی حَیاتِهِ .

هذا کِتابُ اللّهِ ِ حَکَما عَدْلاً وَ ناطِقا فَصْلاً یَقُولُ : « یَرِثُنی وَ یَرِثُ مِنْ آلِ یَعْقُوبَ »(1) [و یَقُولُ :]« وَ وَرِثَ سُلَیْمانُ داوُدَ »(2) فَبَیَّنَ عَزَّوَجَلَّ فیما وَزَّعَ مِنَ الْأَقْساطِ وَ شَرَعَ مِنَ الْفَرائِضِ وَ الْمیراثِ وَ أَباحَ مِنْ حَظِّ الذُّکْرانِ وَ الْإِناثِ ما أَزاحَ بِهِ عِلَّةَ الْمُبْطِلینَ وَ أَزالَ التَّظَنّی وَ الشُّبُهاتِ فِی الْغابِرینَ . کَلاّ ! بَلْ سَوَّلَتْ لَکُمْ أَنْفُسُکُمْ أَمْرا « فَصَبْرٌ جَمیلٌ وَ اللّهُ

1- [1] . سوره ی مریم، آیه ی 6 .
2- [2] . سوره ی نمل، آیه ی 16 .

الْمُسْتَعانُ عَلی ما تَصِفُونَ ».(1)

_سبحان اللّه؛ پدرم رسول خدا _صلی الله علیه و آله هرگز از کتاب خدا روی گردان نبود و با دستورهای آن مخالفت نمی نمود ، بلکه از کتاب خدا پیروی می فرمود و از آن تبعیت می کرد.

آیا بر بی وفایی گرد هم آمده اید تا بر او نسبت دروغ و ناروا بدهید ؟ !

این رفتار شما پس از رحلت او همانند فتنه هایی است که در زمان حیاتش

برای قتل آن حضرت اعمال می کردید!

این کتاب خداست ، داوری دادگر ، و گوینده ای که کلامش حُکم قطعی است ، می فرماید: « می خواهم فرزندم از من و از آل یعقوب ارث ببرد » . و نیز می فرماید : « و سلیمان از داود ارث بُرد » . پس خداوند عزوجل حکم خویش را در سهم افراد و تشریع واجبات و چگونگی میراث بیان فرموده ، و ضمن آن بهره ی مردان و زنان را تعیین نموده . به طوری که عذر اهل باطل را دفع کرده ، و گمانه زنی و شبهه افکنی را در موضوع سهم بازماندگان از میان بُرده است .

هرگز چنین نیست! بلکه نفْس های شما خواسته ای زشت را برایتان زیبا جلوه داده است ، و باید صبر نیکو کرد خداوند در مقابل آنچه شما می پردازید کمک کننده است.

هنگامی که یک حدیث دروغین برای غصب ارث صدیقه طاهره علیهاالسلام مطرح شد، ایشان آن حدیث را مخالف قرآن دانستند و به همه هشدار دادند که آن حدیث جعلی است و دوباره دو آیه از قرآن کریم که در مورد ارث انبیاء است را

1- [3] . سوره ی یوسف، آیه ی 18 .

بیان کردند. و این گونه منافقین را رسوا نمودند و نقشه های آنان را بر ملا ساختند.

در ادامه پاره ی تن رسول اللّه با استناد به کتاب الهی صبر جمیل را سر لوحه ی کار خود قرار می دهد و از خداوند در مقابل این ظلم بزرگ که در حق او روا داشته شده یاری می خواهد.

کلام ابوبکر

سپس ابوبکر گفت که: مسلمانان با من بیعت کردند و این امر را بر گردن من

گذاشتند و تمامی آنها بر این مطلب اتفاق دارند.

حضرت فاطمه علیهاالسلام در جواب او رو به مردم نموده فرمود:

مَعاشِرَ الْمُسْلِمینَ! الْمُسْرِعَةَ إلی قیلِ الْباطِلِ الْمُغْضِیَةَ عَلَی الْفِعْلِ [الْقَبیحِ الْخاسِرِ، أَفَلا تَتَدَبَّرُونَ الْقُرآنَ أَمْ عَلی قُلُوبٍ أَقْفالُها ؟]

کَلاّ ! بَلْ رانَ عَلی قُلُوبِکُمْ ما أَسَأْتُمْ مِنْ أَعْمالِکُمْ فَأَخَذَ بِسَمْعِکُمْ وَ أَبْصارِکُمْ وَ لَبِئْسَ ما تَأَوَّلْتُمْ وَ ساءَ ما بِهِ أَشَرْتُمْ وَ شَرَّ ما مِنْهُ اعْتَضْتُمْ.

لَتَجِدُنَّ وَاللّهِ مَحْمِلَهُ ثَقیلاً، وَ غِبَّهُ وَبیلاً، إذا کُشِفَ لَکُمُ الْغِطاءُ وَ بانَ ما وَراءَهُ الضَّرّاءُ وَ بَدا لَکُمْ مِنْ رَبِّکُمْ ما لَمْ تَکُونُوا تَحْتَسِبُونَ وَ خَسِرَ هُنالِکَ الْمُبْطِلُونَ .

ای گروه مسلمانان ! که به سخنِ باطل شتافته ، و بر رفتارِ زشتِ زیانبار چشم فرو بسته اید ! آیا در آیات قرآن نمی اندیشید ؟ یا مگر بر دل هایتان قفل زده شده است ؟

نه ، بلکه اعمال زشت قلب هایتان را تیره کرده و بر آنها چیرگی یافته ، و

گوش و چشمتان را بسته است ! بد تأویلی کردید و بد راهی را نشان دادید.

و (به راستی که) چه خیری را وانهاده و چه شرّی را به جای آن برگزیده اید !

و به خدا سوگند به زودی باری را که بر دوش گرفته اید سنگین ، و فرجام کردار خود را سخت و ناخوشایند خواهید یافت ، آن گاه که پرده برایتان برداشته شود و پوشیده ها آشکار گردد و عذاب هایی که گمانش را نمی بردید از سوی پروردگارتان بر شما ظاهر گردد و در آنجا اهل باطل

زیان خواهند دید.

در این فراز حضرت زهرا علیهاالسلام قاطعانه کلام ابوبکر را پاسخ دادند، و مردم را از عاقبت سوء کنار زدن امامت و ولایت اهل بیت علیهم السلام بر حذر داشتند.

پس از این کلمات حضرت فاطمه علیهاالسلام رو به قبر مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله گردانید و اشعاری خواند که دل تمامی شنونده ها را به درد آورد و به خانه بازگشت.

جا دارد تمامی کسانی که به دنبال حقیقت هستند این خطبه ی نورانی را با دقت بخوانند و در فرازهای آن بیندیشند تا بدانند چه ظلم هایی بر اهل بیت علیهم السلام وارد شده و چگونه حضرت فاطمه علیهاالسلام به روشن گری در مورد آنها پرداخت. اگر کسی حتی نگاهی کوتاه به این خطابه داشته باشد می فهمد که آیا خلفا با اهل بیت علیهم السلام روابطی خوب داشتند یا نه؟

امیدوارم همه ی ما از کسانی باشیم که در برابر ناله های فاطمه زهرا علیهاالسلام سکوت نکنیم و از حق او دفاع کنیم.

1- ابوالفضل احمد بن ابی طاهر، مشهور به «ابن طیفور» متوفّای 280 ه. آن را با سلسله اسنادش از طریق «زید بن علی بن الحسین علیه السلام» روایت کرده است.(1)

2- ابوبکر احمد بن عبدالعزیز جوهری، محدّث پرآوازه ی قرن چهارم، با سلسله اسنادش از عقیله العرب حضرت زینب علیهاالسلام روایت کرده است.(2)

3- ابن مردویه، احمد بن موسی بن مردویه اصفهانی، متوفّای 410 ه. آن را با سلسله اسنادش از طریق عایشه روایت کرده است.(3)

4- سیّد مرتضی علم الهدی، متوفّای 436 ه. آن را با سلسله اسنادش از طرق مختلف روایت نموده است.(4)

5- شیخ طوسی، متوفّای 460 ه. آن را با همان اسناد روایت کرده است.(5)

6- ابوجعفر محمد بن جریر بن رستم طبری - امامی - از بزرگان قرن پنجم هجری، آن را با اسناد مختلف از طریق ابن عباس، امام باقر علیه السلام، حضرت زینب علیهاالسلام و عایشه روایت کرده است.(6)

7- ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی، از شخصیّت های برجسته ی قرن ششم، آن را از طریق عبداللّه محض روایت کرده است.(7)

1- [1] . ابن طیفور، بلاغات النّساء، ص 20 - 26.
2- [2] . ابن ابی الحدید پس از ستایش فراوان از جوهری به عنوان: عالم، محدّث کثیر الادب، ثقه و پرهیزکار ؛ این خطبه را از کتاب «السّقیفه و فدک» از جوهری روایت کرده است. [ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 16، ص 211] و اربلی آن را از روی نسخه ی کهن «سقیفه» که در ربیع الآخر 322 ه. بر مؤلّف قرائت شده، روایت کرده است [اربلی، کشف الغمّه، ج 2، ص 106] .

3- [1] . ابن مردویه، مناقب علیّ بن ابی طالب، ص 201-203.
4- [2] . سیّد مرتضی علم الهدی، الشّافی فی الامامه، ج 4، ص 69 - 77.
5- [3] . شیخ طوسی، تلخیص الشّافی، ج 3، ص 139.
6- [4] . طبری، دلائل الامامه، ص 109 - 125.
7- [5] . طبرسی، الاحتجاج، ص 97 - 108.

8- ابوالمؤیّد، موفّق بن احمد مکّی خوارزمی - اخطب خوارزم - متوفّای 568 ه. آن را با سلسله اسناد خود از عایشه حدیث کرده است.(1)

9- رضی الدّین، علی بن موسی - ابن طاووس - متوفّای 664 ه. آن را از طریق ابن مردویه، ابن ابی الحدید و جوهری روایت نموده است.(2)

10- علی بن عیسی اربلی، متوفّای 693 ه. آن را از کتاب «السّقیفه» از یک نسخه ی کهن، که در سال 322 ه. بر مؤلّف قرائت شده روایت کرده است.(3)

اگر بخواهیم همه ی منابع خطبه ی حضرت زهرا علیهاالسلام را نقل کنیم در این صفحات نمی گنجد، و لذا به 10 مورد یادشده بسنده می کنیم و یادآور می شویم که شیخ صدوق فرازهایی از آن را در علل الشرایع، ابن ابی الحدید معتزلی قسمت اعظم آن را در شرح نهج البلاغه و متن کامل آن را علامه ی مجلسی از بیش از 10 طریق در بحارالانوار روایت کرده است.(4)

برای تحقیق بیشتر

1. إعلموا أنّی فاطمه، عبدالحمید مهاجر، چاپ بیروت، 1413 ق (10 مجلد).

2. در سایه سار خطبه ی حضرت زهرا علیهاالسلام، حسین عمادزاده، چاپ اصفهان، 1388 ش.

3. اللّمعه البیضاء فی شرح خطبه الزّهراء: محمد علی انصاری قراچه داغی، چاپ قم، 1418ق.

1- [6] . خوارزمی، مقتل الحسین علیه السلام ، ج 1، ص 121 - 123.
2- [7] . ابن طاووس، الطرائف، ص 409 - 421.
3- [8] . اربلی، کشف الغمّه، ج 2، ص 105 - 118.
4- [1] . علامه مجلسی، بحار الانوار، ج 29، ص 215 - 233.

درس نهم: خطبه ی حضرت زهرا علیهاالسلام در بستر شهادت

اشاره

هنگامی که بیماری حضرت فاطمه علیهاالسلام شدّت یافت، بانوان مدینه متوجّه شدند که آخرین شعله های زندگی آن حضرت در حال سو سو کشیدن است، از این رهگذر یکدیگر را خبر دادند و به صورت دسته جمعی به عیادت آن بانوی مظلومه شتافتند.

از مشاهده ی جسم رنجور و تن مصدوم آن حوریّه ی انسیّه، به شدّت دچار غم و اندوه شدند و در هاله ای از حیرت و تعجّب فرو رفتند و سکوت سنگینی بر مجلس حکم فرما شد.

یکی از بانوان سکوت را شگفت و با جملاتی بریده عرضه داشت:

ای یادگار پیامبر! وضع مزاجی و بیماری شما چگونه است؟

گویی مرزبان اسلام و مرزدار ایمان، منتظر همین یک جمله بود، آن تن رنجور و دل مهموم سخن آغاز کرد، خطبه ای بسیار گیرا، با تعبیراتی بسیار شیوا و واژگانی بسیار والا ایراد فرمود، از جور هیئت حاکه، سکوت مرگبار مهاجر و انصار، سرنوشت شوم خلافت، تعدّی متولّیان امر به حریم نبوّت، غصب خلافت، به انحراف کشیده شدن مسیر امامت و ده ها هشدارهای لازم و

ضروری را گوشزد نمود. به طوری که بانوان عیادت کننده چون به خانه های خود باز گشتند، شب تا به سحر، با گریه و فریاد، سیمای مظلومانه ی تنها یادگار پیامبر را به تصویر کشیدند.

آن شب در مدینه احدی به خواب نرفت.

این نغمه های مظلومانه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام بود که از حلقوم زنان مدینه بیرون می آمد و در فضای یثرب طنین می انداخت و خواب را از دیدگان همگان می ربود.

و اینک متن این خطبه:

حضرت زهرای مرضیّه علیهاالسلام پس از حمد خدا و درود بر خاتم پیامبران فرمود:

أصْبَحْتُ وَاللّهِ عائِفَةَ لِدُنْیاکُنَّ، قالِیَةَ لِرِجالِکُنَّ، لَفَظْتُهُمْ بَعْدَ أنْ عَجَمْتُهُمْ، وَ شَنَأْتُهُمْ بَعْدَ أنْ سَبَرْتُهُمْ، فَقُبْحا لِفُلُولِ الْحَدِّ، وَ اللَّعْبِ بَعْدَ الْجِدِّ، وَ قَرْع الصَّفاهِ وَ صَدْعِ الْقَناهِ، وَ خَطَلِ الاْراءِ وَ زَلَلِ الْأَهْواءِ، « لَبِئْسَ ما قَدَّمَتْ لَهُمْ أنْفُسُهُمْ أنْ سَخِطَ اللّهُ عَلَیْهِمْ وَ فِی الْعَذابِ هُمْ خالِدُونَ ».(1)

لا جَرَمَ لَقَدْ قَلَّدْتُهُمْ رِبْقَتَها وَ حَمَّلْتُهُمْ أَوْقَتَها، وَ شَنَنْتُ عَلَیْهِمْ عارَها، فَجَدْعا وَ عَقْرا وَ سُحْقا لِلْقَومِ الظّالِمینَ.

وَیْحَهُمْ! أ نّی زَحْزَحُوها عَنْ رَواسِی الرِّسالَهِ؟ وَ قواعِدِ النُبُوَّهِ وَ الدِّلالَهِ، وَ مَهْبِطِ الرُّوحِ الاَمینِ، وَالطِّبّینِ بِاُمُورِ الدُّنْیا وَ

1- [1] . سوره ی مائده، آیه ی 80.

الْاٰخِرَهِ.« أَلا ذلِکَ هُوَ الْخُسْرانُ الْمُبين ».(1)

وَ مَا الَّذى نَقَمُوا مِنْ اَبیالْحَسَن ؟ نَقَمُوا مِنْهُ وَاللّهِ نَکیرَ سَیْفِهِ، وَ قِلَّهَ مُبالاتِهِ بِحَتْفِهِ، وَ شِدَّهَ وَطْأَتِهِ وَ نَکالَ وَقْعَتِهِ، وَ تَنَمُّرَهُ فى ذاتِ اللّهِ عَزَّوَجَلَّ.

وَاللّهِ لَوْ تَکافُّوا عَنْ زَمامٍ نَبَذَهُ رَسُولُ اللّه صلى الله عليه و آله اِلَیْهِ لَأَعْتَلَقَهُ، وَ لَسارَ بِهِمْ سَیْرا سُجُحاً، لایَکْلَمُ خُشاشُهُ وَ لایَتَعْتَعُ راکِبُهُ، وَ لَأوردَهُمْ مَنْهَلاً صافِیا رَوِیّاً فَضْفاضا تَطْفَحُ ضَفَّتاهُ وَ لا یَتَرَنَّقُ جانِباهُ، وَ لَأصْدَرَهُمْ بِطانا وَ نَصَحَ لَهُمْ سِرّاً وَ إِعْلانا، وَ لَمْ یَکُنْ یَتَحَلّى مِنَ الْغِنى بِطائِلٍ، وَ لا یَحْظى مِنَ الدُّنْیا بِنائِلٍ، غَیْرَ رَیِّ النّاهِلِ وَ شَبْعَهِ الْکافِلِ، وَ لَبانَ لَهُمُ الزّاهِدُ مِنَ الرّاغِبِ، وَ الصّادِقُ مِنَ الْکاذِبِ، « وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَیْهِمْ بَرَکاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ وَ لکِنْ کَذَّبُوا فَأَخَذْناهُمْ بِما کانُوا یَکْسِبُونَ »(2) « وَ الَّذینَ ظَلَمُوا مِنْ هؤلاَءِ سَیُصیبُهُمْ سَیِّئاتُ ما کَسَبُوا وَ ما هُمْ بِمُعْجِزینَ ».(3)

أَلا، هَلُمَّ وَاسْتَمِعْ، وَ ما عِشْتَ أَراکَ الدَّهْرُ عَجَبا. وَ إِنْ تَعْجَبْ، فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ. لَیْتَ شِعْرى إلى أَیِّ سَنَدٍ إِسْتَنَدُوا؟ وَ عَلى أَیِّ عِمادٍ إِعْتَمَدُوا؟ وَ بِأَیَّهِ عُرْوَهٍ تَمَسَّکُوا؟ وَ عَلى أَیَّهِ ذُرِّیَّهٍ أَقْدَمُوا وَ احْتَنَکُوا؟ « لَبِئْسَ الْمَوْلى وَ لَبِئْسَ الْعَشیرِ »(4) « وَ بِئْسَ لِلظّالِمینَ بَدَلاً »(5) اسْتَبْدَلُوا

1- [2] - سوره ى زمر، آیه ى 39.
2- [1] . سوره ى اعراف، آیه ى 96.
3- [2] . سوره ى زمر، آیه ى 51.
4- [3] . سوره ى حج، آیه ى 13.
5- [4] . سوره ى کهف، آیه ى 50.

- وَاللّهِ - الدُّنابا بِالْقَوادِمِ، وَ الْعَجُزَ بِالْكاهِلِ، فَرَغْما لِمُعاطِسِ قَوْمٍ:

« يَحْسَبُونَ أ نَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعا »،(1)« ألا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلكِنْ لايَشْعُرُونَ »،(2)« أفَمَنْ يَهْدى إِلَى الْحَقِّ أحَقُّ أنْ يُتَّبَعَ أمَّنْ لايَهِدّى اِلاّ أنْ يُهْدى فَما لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ».(3)

أما، لَعَمْرى! لَقَدْ لَقَحَتْ، فَنَظِرَهْ رَيْثَما تُنْتِجُ، ثُمَّ احْتَلَبُوا مِلْأَ الْقَعْبِ دَما عَبيطا، و ذُعافا مُبيدا، هُنالِکَ يَخْسَرُ الْمُبْطِلُونَ، وَ يَعْرِفُ التّالُونَ غِبَّ ما أَسَّسَهُ الاَوَّلُونَ.

ثُمَّ طيبُوا عَنْ دُنْياكُمْ أنْفُسا، وَ اطْمَاَنُّوا لِلْفِتْنَهِ جاشا، وَ أَبْشِرُوا بِسَيْفٍ صارِمٍ، وَ سَطْوَهِ مُعْتَدٍ غاشِمٍ، وَ هَرَجٍ شامِلٍ، وَ اسْتِبْدادٍ مِنَ الظّالِمينَ، يَدَعُ فَيْئَكُمْ زَهيدا، وَ جَمْعَكُمْ حَصيدا، فَيا حَسْرَهً لَكُمْ، وَ أ نّى بِكُمْ، وَ قَدْ عُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ، أنُلْزِمُكُمُوها وَ أ نْتُمْ لَها كارِهُونَ؟!

من نسبت به دنیای شما بی رغبت و به مردان شما خشمناکم.

من آنها را چشیدم و دور انداختم. آنها را آزمودم و بر آنها خشم گرفتم. آه چقدر زشت است کندی لبه ی شمشیر و سستی پس از تلاش و کوشش.

چه زشت است تن به ذلّت دادن، همانند نیزه ای که ترک برداشته است.

وه چه زشت است تباهی اندیشه و لغزش افکار!

«چه اعمال ناشایستی برای آخرت فرستادند، خشم خدا را خریدند و در عذاب جاودانه هستند».

ریسمان این مسئولیّت را بر گردنشان انداختم و سنگینی آن را بر دوششان

1- [1] . سوره ی کهف، آیه ی 104.
2- [2] . سوره ی بقره، آیه ی 12.
3- [3] . سوره ی یونس، آیه ی 35.

_ قرار دادم و ننگ و عارش را بر آنها پراکندم._

ذلّت و خواری، هلاکت و نابودی و دوری از رحمت خداوند بر قوم ستم پیشه باد.

وای بر آنها! چگونه خلافت را از پایگاه استوار رسالت و جایگاه تعیین شده ی نبوّت دگرگون کردند؟ چگونه آن را از محلّ نزول جبرئیل امین و از دست فرد آگاه به امور دین و دنیا بیرون بردند، که این خسران آشکار می باشد.

چه باعث شد که از امیرمؤمنان علیه السلام کینه به دل بگیرند؟

به خدا سوگند تنها عامل کینه شان شمشیر او بود که خویش و بیگانه نمی شناخت، او نسبت به مرگ ترس و واهمه نداشت، او به شدّت حمله می کرد و ضربه های کاری فرود می آورد، او در مورد خدا بسیار سخت گیر بود.

به خدا سوگند اگر شما دفاع می کردید از زمام امورتان که خدا به او سپرده بود، او آن را به دست می گرفت و به آسانی آن را پیش می برد.

دیگر نه شتر خلافت زخمی می شد و نه راکت خود را به زحمت می انداخت.

آنان را به آبشخور صاف و زلالی می رسانید که از دو طرف سرریز می شد و تیره نمی گردید و آنان را سیراب شده بیرون می برد.

در آشکار و نهان آنها را نصیحت می کرد و از ثروت دنیا و بیت المال مسلمین برای خود چیزی برنمی داشت، جز به مقداری که تشنه ای را سیراب کند و گرسنه ای را سیر کند.

در آن هنگام فرد زاهد از افراد تشنه ی قدرت شناخته می شد، راستگو از دروغگو باز شناخته می شد.

«اگر اهل آبادی ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را فرا روی آنها می گشودیم، لکن دروغ گفتند و تکذیب کردند، پس آنها را به کیفر اعمالشان مؤاخذه کردیم» «آنان که از اینها ستم پیشه کردند، بدی های اعمالشان به آنها خواهد رسید، آنها هرگز نمی توانند از چنگال عذاب الهی بگریزند».

اکنون به هوش باشید و گوش فرا دهید. هر چه زندگی کنید، روزگار شگفتی هایی را نشان خواهد داد. اگر تعجّب کنید، گفتار آنها شگفت انگیز است. ای کاش می دانستم به چه تکیه گاهی تکیه کرده اند؟! به کدام ستونی اعتماد کرده اند؟! به کدامین ریسمانی چنگ زده اند؟! به کدامین ایل و تباری اقدام کرده اند و سیطره یافته اند؟!

«وه چه سرپرست بد و خویشان زشتی برگزیده اند».

«برای ستمگران جایگزین بدی هست».

به خدا سوگند، دُم را به جای سینه و پشت را به جای شانه برگزیده اند!

خوار و ذلیل باد قومی که: «گمان می کنند که کار شایسته انجام می دهند».

«آگاه باشید که آنها تباهکار هستند، لکن خود نمی فهمند».

وای بر آنها!

«آیا کسی که به سوی حق رهنمون می شود شایسته ی پیروی است، یا کسی که خود هدایت نمی یابد، مگر این که هدایتش کنند؟ شما را چه می شود؟ چگونه داوری می کنید؟»

آگاه باشید، به جان خود سوگند، این فتنه ها آبستن شده، منتظر باشید تا ببینید چه حوادث تلخی را پدید خواهد آورد؟

از پستان شتر خلافت، پیمانه پیمانه خون تازه و زهر کشنده خواهید دوشید.

آنجاست که ره پویان باطل، خسارت می بینند و آیندگان عاقبت شوم آنچه را که مؤسّسان اوّلیّه بنیاد نهاده اند خواهند دید.

دیگر از مال و منال دنیا دست بشویید و منتظر فتنه ها باشید.

با شمشیر برنده و سلطه جویان ستمگر بشارت باد.

منتظر هرج و مرج فراگیر و استبداد زمامداران ستم پیشه باشید، که حقوق و غنایم شما را بسیار اندک و اندوخته های شما را درو خواهند کرد.

افسوس بر شما، عاقبت کارتان به کجا خواهد کشید؟

حقایق امور از شما مخفی گشته است. آیا من شما را بر چیزی که خوشایندتان نیست، می توانم وادار کنم؟!

منابع خطبه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام در بستر

متن کامل این خطبه که آن را حضرت صدّیقه ی طاهره در بستر بیماری خطاب به زنان مهاجر و انصار که به عیادت آن حضرت آمده بودند القاء فرمود، در صدها منبع مورد اعتماد و استناد ثبت شده که به چند نمونه از آنها به عنوان مثال اشاره می کنیم:

1. ابوالفضل، احمد بن ابی طاهر، مشهور به: «ابن طیفور» متوفّای 280 ق. با

سلسله اسنادش از «عطیّه ی عوفی».(1)

2. ابوبکر، احمد بن عبدالعزیز جوهری، متوفّای 323 ق. با سلسله اسنادش از فاطمه بنت الحسین علیهماالسلام.(2)

3. ابوجعفر، محمد بن جریر بن رستم طبری، مشهور به «طبری امامی» از شخصیّت های برجسته ی قرن پنجم، همنام صاحب تاریخ طبری، با سلسله اسنادش از امام زین العابدین علیه السلام و فاطمه بنت امام حسین علیهماالسلام.(3)

4. ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، مشهور به: «شیخ صدوق» متوفّای 381 ق. با سلسله اسنادش از عمر بن امیرالمؤمنین و فاطمه بنت امام حسین علیهم السلام.(4)

5. ابوجعفر، محمد بن حسن طوسی، متوفّای 460 ق. با سلسله اسنادش از ابن عباس.(5)

6. ابومنصور، احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی، از علمای قرن ششم، از سوید بن غفله، یار با وفای مولای متّقیان علیه السلام.(6)

7. ابوعبداللّه، حسین بن جبیر، صاحب کتاب «نخب المناقب» از علمای قرن هفتم.(7)

1- [1] . ابن طیفور، بلاغات النّساء، ص 28 - 30.
2- [1] . جوهری، السّقیفه و فدک، ص 120 - 121.
3- [2] . طبری، دلائل الامامه، ص 125 - 129.
4- [3] . شیخ صدوق، معانی الأخبار، ص 354 - 357.
5- [4] . شیخ طوسی، الأمالی، ص 374 - 376، ح 804.
6- [5] . طبرسی، الإحتجاج، ج 1، ص 108 - 109.
7- [6] . ابن جبیر، الإعتبار فی إبطال الإختیار - مخطوط - .

8. زین الدّین، علی بن یوسف بن جبر، از رجال برجسته ی قرن هفتم.(1)

9. ابوحامد، عزّالدّین، عبدالحمید بن هبه اللّه مداینی، مشهور به: «ابن ابی الحدید» متوفّای 656 ق. از فاطمه بنت الحسین علیهماالسلام.(2)

10. ابوالحسن، علی بن عیسی بن ابی الفتح اربلی، متوفّای 693 ق. از طریق فاطمه بنت الحسین علیهماالسلام.(3)

اگر بخواهیم همه ی منابع خطبه را نقل کنیم، سخن به درازا می کشد، و لذا به همین ده مورد یادشده بسنده می کنیم.

کتابنامه ی شرح های خطبه ی در بستر

خطبه ی حضرت زهرا علیهاالسلام در بستر نیز همانند خطبه ی فدکیّه در سطح بسیار گسترده ای نقل شده و شروح بسیار فراوانی برای آن نوشته شده، که به شماری از آنها اشاره می کنیم:

1. البلاغه الفاطمیّه، عبدالرّضابن محمدعلی مطبعی، چ نجف اشرف، 1368 ق.

2. البلاغه الفاطمیّه، از مؤلّف ناشناخته، چ نجف اشرف، 1364 ق.

3. البلاغه الفاطمیّه، سیّد جاسم بن حسن شبّر، چ نجف اشرف، 1951 م.

4. پیام فاطمه، حاج شیخ حسن سعید، متوفّای 1416 ق. چ تهران، 1350ش.

5. پیام فاطمه، محمدواصف لاهیجانی، متوفّای 1417 ق. چ قم، 1375 ش.

6. حماسه ای بی نظیر در کنار بستر زهرا علیهاالسلام، محمدحسین بروجردی، چ قم، 1370 ش.

1- [7] . ابن جبر، نهج الایمان، ص 621 - 622.
2- [1] . ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 16، ص 233 - 234.
3- [2] . اربلی، کشف الغمّه، ج 2، ص 118 - 120.

7. خطبات الزّهراء، سیّد حیدر جوادی، سیّد ذی شأن، اله آبادی، چ 1379 ش

- به زبان اردو - .

8. خطب فاطمه الزّهراء علیهاالسلام، حلم حائری، چ نجف اشرف.

9. دفاع از حریم حق، عمران علیزاده، متوفّای 1430 ق. چ قم، 1377 ش.

10. دفاع زهرا از ولایت، سید محمد عابدین زاده، چ تهران، 1376 ش.

11. سخنان حضرت زهرا علیهاالسلام، پژوهشکده ی باقر العلوم قم، - مخطوط - .

12. کلام فاطمه الزهراء مع النّساء عند ما یعدنها، از مؤلّف ناشناخته.

13. گلچینی از آموزه های تربیتی در زندگانی فاطمه ی زهرا، علی اکبر حسینی، مسعود چارلی و فریده یوسفی، چ تهران، 1379 ش.

14. المصاحف الفاطمیّه، هیئت المحسن المظلوم الشّهید، قم - مخطوط - .

15. ده ها کتاب تحت عنوان: «خطبه های حضرت زهرا علیهاالسلام» که شامل خطبه ی در بستر نیز می باشد، از سیّد علی فانی، علی اسلامی، علی لواسانی، فریبا مقصودی، مهدی جعفری و ... .

16. ده ها کتاب تحت عنوان: «شرح خطبه الزّهراء علیهاالسلام» از احمد ارجمندی، احمد مدرّس باغمیشه ای، سیّد ابوالقاسم خوانساری، سیّد علی اکبر حسینی یزدی، سیّد محمّدسعید عبقاتی، هادی بنابی و ... .

17. و ده ها کتاب دیگر که پیرامون خطبه ی فدکیّه تألیف شده و خطبه ی در بستر نیز به پیوست آن شرح شده است.

پیامدهای خطبه ی در بستر

1) بانوان مهاجر و انصار که بیانات هشداردهنده ی حضرت زهرا علیهاالسلام را

ص: 117

شنیدند و دیدند که ایشان مطلقا از زخم سینه، درد پهلو، سقط محسن، به آتش کشیده شدن خانه و زندگی اش نامی به میان نیاورده، نگرانی های خودش را از

آینده ی امّت اسلامی بیان کرده، نسبت به آینده ی تلخی که در انتظار امّت بود هشدار داد، اشک ریزان ناله کُنان و موی کَنان به خانه های خود آمده، شب را تا به سحر با گریه و فغان به سر بردند و این نغمه های مظلومانه ی صدّیقه ی طاهره، از حلقوم بانوان مهاجر و انصار در فضای شهر یثرب طنین انداخت و خواب را از دیدگان همگان ربود.

2) سُوَید بن غفله ی جعفی، که از اصحاب با وفای مولای متّقیان بود(1) و یکی از راویان خطبه ی در بستر می باشد، می گوید:

زنان مهاجر و انصار پس از شنیدن این سخنان به خانه های خود آمده، آن سخنان جانکاه را برای شوهران خود بازگو کردند، پس از این ماجرا گروهی از بزرگان مهاجر و انصار، به عنوان عذرخواهی، به محضر بی بی دو عالم شرفیاب شدند و گفتند:

ای سرور بانوان! اگر امیرمؤمنان این مطالب را پیش از بیعت با ابوبکر بیان می فرمود، ما هرگز جز علی علیه السلام را برنمی گزیدیم.

1- [1] . سُوَید بن غفله، یکی از اصحاب با وفای مولای متّقیان می باشد، که طبرسی خطبه ی بی بی را از ایشان نقل کرده است. او مردی فقیه، زاهد، عابد و متواضع بود که به سال عام الفیل متولّد شد، پس از شهادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه آمد و لذا سعادت دیدار پیامبر را پیدا نکرد [اسد الغابه: 3/379] . او یکی از بزرگان اصحاب امیرمؤمنان علیه السلام بود [رجال برقی، ص 4] . شیخ طوسی او را از یاران مولا برشمرده [رجال طوسی، ص 43] و شیخ مفید او را از اولیا و بزرگان اصحاب مولای متّقیان معرّفی کرده است [الاختصاص، ص 3] . از او احادیث فراوان در منابع حدیثی نقل شده، از جمله داستان خالد بن عرفطه، حبیب بن جمّاز و خبر غیبی مولای متّقیان را ایشان نقل کرده است [ارشاد مفید: 1 / 329] وی در حدود سال 82 ق. در سنّ 120 سالگی از دنیا رفت [ناظم زاده، اصحاب امام علی علیه السلام ، ج 1، ص 589] .

صدّیقه ی طاهره فرمودند:

إِلَیْکُمْ عَنّی، فَلا عُذْرَ بَعْدَ تَعْذیرِکُمْ وَ لا أَمْرَ بَعْدَ تَقْصیرِکُمْ ؛

برخیزید و از من دور شوید، که پس از آن همه روشن گری ها دیگر هیچ عذری از شما پذیرفته نیست، که خود تقصیر کردید و فرمان را نادیده گرفتید.(1)

بی بی اشاره به داستان غدیر می کنند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله 70 روز پیش از شهادت خود، ولایت امیرمؤمنان علیه السلام را در اجتماع 000/120 نفری در صحرای غدیر خم برای همگان اعلام کردند و از همه ی آنها برای مولای متّقیان بیعت گرفتند، دیگر عذری از احدی پذیرفته نیست.

3) پس از انتشار خبر دیدار زنان و مردان مهاجر و انصار با حضرت زهرا علیهاالسلام غاصبان خلافت در صدد برآمدند که با حضرت زهرا علیهاالسلام دیدار کنند و در میان مردمان وانمود کنند که حضرت زهرا علیهاالسلام آنها را مورد عفو قرار داده است.

حضرت زهرا علیهاالسلام اجازه ی دیدار نداد، به امیرمؤمنان علیه السلام متوسّل شدند، سرانجام به محضر حضرت زهرا علیهاالسلام مشرّف شدند، سلام کردند و پاسخ سلام نشنیدند.

پس از یک سلسله سخنان بیهوده، عرض کردند: شما خیال می کنید که ما حقّ شما را غصب کرده ایم، به خدا این طور نیست، پدر بزرگوارتان فرموده است که از ما هر چه بماند صدقه است.

حضرت زهرا فرمود:

من از شما یک سؤال می کنم، اگر جواب صحیح دادید با شما سخن می گویم.

1- [1] . طبرسی، الاحتجاج، ج 1، ص 109.

گفتند: بفرمایید.

حضرت فرمود:

آیا از پدرم شنیدید که فرمود: رضای فاطمه رضای من است و غضب فاطمه غضب من است.

گفتند: آری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را شنیدیم.

حضرت فاطمه علیهاالسلام دست ها را بلند کردند و فرمودند:

من خدا و فرشتگان را شاهد می گیرم که شما دو نفر مرا آزردید، مرا به غضب آوردید و مرا خشنود نکردید.

صدای ابوبکر به گریه بلند شد و حضرت خطاب به او فرمودند:

وَاللّهِ لَقَدْ أَدْعُوَنَّ اللّهَ عَلَیْکَ فی کُلِّ صَلاهٍ اُصَلّیها ؛

به خدا سوگند، من در هر نمازی که می خوانم بر تو نفرین می کنم.(1)

بخاری با سند صحیح روایت کرده که:

فَوَجَدَتْ فاطِمَهُ عَلی أَبیبَکْرٍ فی ذلِکَ، فَهَجَرَتْهُ، فَلَمْ تُکَلِّمْهُ حَتّی تُوُفِّیَتْ ؛

حضرت فاطمه بر ابوبکر خشمگین شد، از او قهر کرد و تا زنده بود با وی سخن نگفت.(2)

در ادامه آمده است:

فَلَمّا تُوُفِّیَتْ، دَفَنَها زَوْجُها عَلِیٌّ لَیْلاً، وَ لَمْ یُؤْذَنْ بِها أَبابَکْرٍ ؛

_هنگامی که حضرت فاطمه وفات کرد، همسرش علی او را شبانه دفن کرد

1- [1] . ابن قتیبه، الامامه و السّیاسه، ج 1، ص 20.

2- [2] . بخارى، الصّحيح، ج 5، ص 177.

و به ابوبکر اطّلاع نداد.[(1)]

برای تحقیق بیشتر

1. پیام فاطمه، حاج شیخ حسن سعید، متوفای 1416 ق.

2. خطبه های حضرت صدیقه ی کبری، از فریبا مقصودی کرمانشاهی.

3. حماسه ای بی نظیر در کنار بستر زهرا، محمد حسین بروجردی.

1- [3] . همان.

درس دهم: خطبه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام در پشت در

اشاره

هنگامی که شیفتگان قدرت و تشنگان حکومت، خانه ی وحی را نشانه رفتند، احدی درصدد دفاع از تنها جانشین پیامبر برنیامد. شمشیرزنان عرصه های بدر و حنین، شمشیرهای خود را غلاف کردند و به نهان خانه ی منازل خود خزیدند، تا از خطرات نیروهای مهاجم که به احدی ترحّم نمی کردند، مصون و سالم بمانند.

پس از بیعت مردم با ابوبکر، مطّلع شدند که زبیر به خانه ی مولای متّقیان رفته، با آن حضرت به رایزنی پرداخته است.

عمر به محضر حضرت فاطمه علیهاالسلام شتافت و عرضه داشت:

به خدا سوگند، پدرت در نزد ما از همه عزیزتر است و بعد از ایشان شما در نزد ما از همه گرامی تر می باشید، ولی اگر اینها (منظورش: حضرت علی علیه السلام و زبیر بود) در خانه ات گرد آیند، حرمت تو مانع نمی شود از این که دستور بدهم خانه را بر سرشان آتش بزنند.(1)

ابوبکر به عمر دستور داد که به خانه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام برود و افرادی را

1- [1] . ابن ابی شیبه، المصنَّف، ج 8، ص 572.

که در آن خانه به بست نشسته اند، بیرون بیاورد.

هنگامی که آنها امتناع ورزیدند، عمر هیزم طلبید و گفت:

سوگند به خدایی که جان من در دست اوست، اگر بیرون نیایید، خانه را به آتش می کشم و بر سر کسانی که در آن هستند، فرو می ریزم.

برخی از حاضران گفتند: ای اباحفص! فاطمه دختر پیامبر در این خانه است!

گفت:

اگر چه فاطمه نیز در آن باشد.(1)

ابوبکر به او فرمان داد که به هر وسیله ای که ممکن باشد، آنها را از خانه بیرون کند و اگر امتناع کنند، با آنها نبرد کند.

عمر مقداری آتش برداشته، به سوی خانه ی وحی رفت که آنجا را آتش بزند، حضرت فاطمه علیهاالسلام با او مواجه شد و فرمود:

آیا آمده ای که خانه ام را آتش بزنی؟

گفت: آری، مگر این که شما نیز وارد شوید در آنچه دیگران وارد شده اند. (2)

حضرت فاطمه علیهاالسلام که غربت و مظلومیّت امام زمانش را مشاهده کرد، خود را برای دفاع جانانه از حجّت خدا مهیّا کرد و خطبه ای کوتاه، لکن بسیار با صلابت ایراد نمود.

این خطبه از نظر تسلسل زمانی نخستین خطبه ی حضرت صدّیقه ی طاهره است، لکن به جهت اهمیّت خاصّ خطبه ی فدکیّه و خطبه ی در بستر، این خطبه

1- [1] . ابن قتیبه، الامامه و السّیاسه، ج 1، ص 19.

2- [2] . ابن عبدربّه، العقد الفريد، ج 5، ص 13.

را به عنوان خطبه ی سوّم آوردیم:

و اینک متن خطبه ی حضرت فاطمه ی اطهر علیهاالسلام در پشت در:

لا عَهْدَ لی بِقَوْمٍ أَسْوَأَ مَحْضَرا مِنْکُمْ.

تَرَکْتُمْ رَسُولَ اللّه صلی الله علیه و آله جَنازَةً بَیْنَ أیْدینا، وَ قَطَعْتُمْ أَمْرَکُمْ فیما بَیْنَکُمْ، وَ لَمْ تُؤَمِّرُونا، وَ لَمْ تَرَوْا لَنا حَقّا.

کَأَنَّکُمْ لَمْ تَعْلَمُوا ما قالَ یَوْمَ غَدیر خُمٍّ.

وَاللّهُ لَقَدْ عَقَدَ لَهُ یَوْمَئِذٍ الْوِلاءَ، لِیَقْطَعَ مِنْکُمْ بِذلِکَ مِنْهَا الرَّجاءَ.

وَ لکِنَّکُمْ قَطَعْتُمُ الْأَسْبابَ بَیْنَکُمْ وَ بَیْنَ نَبِیِّکُمْ.

وَاللّهُ حَسیبٌ بَیْنَنا وَ بَیْنَکُمْ فِی الدُّنْیا وَ الْاْخِرَهِ ؛

_من هرگز قومی از نظر حضور زشت تر از شما سراغ ندارم. جسد مقدّس پیامبر اکرم _صلی الله علیه و آله را در میان دست های ما رها کردید و امر خود را در میان خود بریدید و دوختید! امارت و سرپرستی ما را منظور نکردید، بلکه حقّی برای ما به رسمیّت نشناختید. گویی شما اصلاً نمی دانید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم چه فرمود؟!

به خدا سوگند برای ولایت و سرپرستی او (یعنی علی علیه السلام) عهد و پیمان گرفت، تا برای همیشه طمع و چشم داشت شما را از رسیدن به امارت و خلافت قطع کند. لکن شما پیوند ارتباط میان خود و پیامبرتان را قطع کردید. خداوند در دنیا و آخرت در میان ما و شما داور و حسابگر می باشد.

منابع خطبه ی پشت در

این خطبه در منابع مختلف آمده که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

1. ابوعبداللّه، محمدبن مسلم دینوری، مشهور به: «ابن قتیبه» متوفّای 276 ق.(1)

2. ابوعبد اللّه، محمدبن محمد بن نعمان، مشهور به: «شیخ مفید» متوفّای 413 ق.(2)

3. ابومنصور، احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی، از بزرگان جهان تشیّع در قرن ششم.(3)

و ده ها منبع مورد اعتماد و استناد در طول قرون و اعصار.(4)

1- [1] . ابن قتیبه، همان.
2- [2] . شیخ مفید، الأمالی، ص 50.
3- [3] . طبرسی، الإحتجاج، ج 1، ص 80.
4- [4] . در اینجا به شماری از آنها اشاره می کنیم: 1) بحارالأنوار، از علامه ی مجلسی، ج 28، ص 205، 232 و 356. 2) بیت الأحزان، از محدّث قمی، ص 60. 3) صحیفه الزّهراء، از أسعد عبّود، ص 211. 4) عوالم، از بحرانی، ج 11، ص 576، ح 27. 5) الغدیر، از علامه ی امینی، ج 5، ص 372 (چاپ دیگر ص 588). 6) فاطمه الزّهراء بهجه قلب المصطفی، از رحمانی همدانی، ص 519. 7) فاطمه الزّهراء من المهد إلی اللّحد، از سیّد محمدکاظم قزوینی، ص 265. 8) کلمه فاطمه الزّهراء، از سیّد حسن شیرازی، ص 291. 9) مسند فاطمه الزّهراء، از سیّد حسین شیخ الاسلامی، ص 439 و 441. 10) من حیاه الخلیفه، عبدالرّحمن بکری، ص 167. 11) الموسوعه الکبری، از شیخ اسماعیل انصاری، ج 10، ص 172. 12) موسوعه کلمات سیّدتنا فاطمه الزّهراء، گروهی، ص 355. 13) نهج السّعاده، از محمدباقر محمودی، ج 1، ص 39. 14) الهجوم علی بیت فاطمه، عبدالزّهراء مهدی، ص 106.

چند نکته پیرامون خطبه ی شریفه

اشاره

در این خطبه نکات اخلاقی فراوانی هست که به شماری از آنها اشاره می کنیم:

1) حضور ناشایست

منطق وحی برای حضور در خانه ی اشخاص نکات اخلاقی فراوانی بیان کرده که شماری از آنها به قرار زیر است:

1. هرگز به خانه ی کسی بدون هماهنگی وارد نشوید: « حَتّی تَسْتَأْنِسُوا ». (1)

2. هرگز به خانه ی کسی بدون سلام وارد نشوید: « وَ تُسَلِّمُوا عَلی أَهْلِها ».(2)

3. اگر کسی در خانه نبود وارد نشوید: « فَاِنْ لَمْ تَجِدُوا أَحَدا فَلا تَدْخُلُوها ». (3)

4. مگر هنگامی که اجازه ی ورود داده شود: « حَتّی یُؤْذَنَ لَکُمْ ».(4)

5. اگر گفتند: برگردید، حتما برگردید: « وَ اِنْ قیلَ لَکُمُ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا ». (5)

در تهاجم نخستین به خانه ی وحی، افراد مهاجم بدون هماهنگی هجوم کردند، سلام که تحیّت اسلامی است و پیام سلامتی و اعلام این معنی است که ضرری از سوی من به شما نخواهد رسید و خطری از سوی من شما را تهدید نمی کند، چنین تحیّتی گفته نشد و اعلام امنیّت نشد، بلکه همراه با تهدید و اعلام خطر بود.

1- [1] . سوره ی نور، آیه ی 27.
2- [2] . همان.
3- [3] . همان، آیه ی 28.

4- [4] . همان.
5- [5] . همان.

به اعلام عدم رضایت از سوی صاحب خانه اعتنا نشد و تهدیدها ادامه یافت.

در برابر فرمان برگردید، بر حضور ناشایست خود اصرار ورزیدند و برنگشتند.

آنچه در آیه ی شریفه به صراحت آمده، در مورد خانه های معمولی است، نه بیوت النّبی و خانه ی وحی!

2) تهاجم به خانه ی وحی

این حضور ناشایست در برابر خانه ی وحی و خانه ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود، که قرآن کریم به صراحت از آن نهی کرده و فرموده است:

« لا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلاّ أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ » ؛

به خانه های پیامبر وارد نشوید، جز هنگامی که به شما اذن داده شود.(1)

بدون هماهنگی، بدون اذن، بدون سلام، همراه با تهدید و اعلام خطر در مقابل خانه ی وحی گرد آمدند و اصرار کردند که وارد خانه ی وحی شوند.

وه چه حضور ناشایستی!

3) حرمت شکنی

در آیین مقدّس اسلام برخی از مکان ها و برخی از زمان ها حرمت دارند:

1. خانه ی خدا (کعبه)

2. مسجدالحرام

3. شهر مکّه

1- [1] . سوره ی احزاب، آیه ی 53.

4. شهر مدینه

5. ماه های حرام (ذیقعده، ذیحجّه، محرّم و ماه رجب)

6. خانه ی علی و فاطمه:

قرآن کریم می فرماید:

« فی بُیُوتٍ أَذِنَ اللّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فیهَا اسْمُهُ » ؛

خانه هایی که خداوند اذن ترفیع آنها را داده است.(1)

هنگامی که بزرگ مفسّر قرآن حضرت ختمی مرتبت این آیه ی شریفه را تلاوت فرمود، یکی از اصحاب برخاست و عرضه داشت:

ای رسول خدا! این خانه ها کدام خانه ها هستند؟

حضرت پیامبر فرمود:

بُیُوتُ الْأَنْبِیاءِ ؛

خانه های پیامبران.

ابوبکر برخاست، در حالی که با دست خود به سوی خانه ی حضرت فاطمه و حضرت علی علیهماالسلام اشاره می کرد، پرسید:

یا رَسُولَ اللّهِ ! هذَا الْبَیْتُ مِنْها ؛

ای پیامبر خدا! آیا این خانه نیز از آنهاست؟

بزرگ مفسّر قرآن فرمود:

نَعَمْ، مِنْ أَفاضِلِها ؛

آری، از برترین آنهاست.

این حدیث شریف را بسیاری از محدّثان و مفسّران با سلسله اسناد خود از

1- [1] . سوره ی نور، آیه ی 36.

انس بن مالک، بریده و ابوبرزه روایت کرده اند که از آن جمله است:

1. ابن مردویه، متوفّای 410 ق. در مناقب(1)

2. ثعلبی، متوفّای 427 ق. در تفسیر(2)

3. حسکانی، متوفّای بعد از 470 ق. در شواهد(3)

4. سیوطی، متوفّای 911 ق. در تفسیر(4)

جای شگفت است که شخصا از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تفسیر آیه و پاسخ آن حضرت را دریافته و حرمت خانه ی حضرت فاطمه را دانسته، ولی فرمان تهاجم را صادر کرده، در پایان عمر و حالت احتضار اظهار ندامت کرده می گوید:

من از دنیا تأسّف نمی خورم، جز بر سه چیزی که انجام دادم، ای کاش انجام نمی دادم و بر سه چیزی که انجام ندادم، ای کاش انجام می دادم.

امّا آن سه چیزی که انجام دادم و ای کاش انجام نمی دادم:

فَوَدَدْتُ أَنّی لَمْ أَکْشِفْ بَیْتَ فاطِمَهَ عَنْ شَیْ ءٍ وَ إِنْ کانُوا قَدْ غَلَّقُوهُ عَلَی الْحَرْبِ ؛

ای کاش خانه ی فاطمه را برای چیزی نمی گشودم، اگر چه برای جنگ بسته بودند.

این متن را بسیاری از مورّخان و محدّثان از بزرگان اهل سنّت، با سلسله

1- [1] . ابن مردویه، مناقب علی بن ابی طالب، ص 284، ح 61.
2- [2] . ثعلبی، الکشف و البیان، ج 7، ص 107.
3- [3] . حسکانی، شواهد التّنزیل، ج 1، ص 532 - 534، ح 566 - 568.
4- [4] . سیوطی، الدّرّ المنثور، ج 5، ص 50.

راویان خود از وی نقل کرده اند، از آن جمله:

1. ابن جریر طبری، متوفّای 310 ق. در تاریخ(1)

2. ابن عبدربّه، متوفّای 328 ق. در عقد الفرید(2)

3. حمید بن زنجویه، متوفّای 251 ق. در اموال(3)

4. ابوالعباس مبرّد، متوفّای 285 ق. در الکامل(4)

5. علی بن الحسین مسعودی، متوفّای 345 ق. در مروج الذّهب(5)

4) ساختارشکنی

از آداب و رسوم همه ی ملل و اقوام این است که به هیچ دلیل به در خانه ی افراد مُعَزّی نمی روند و متعرّض افراد عزادار نمی شوند.

حضرت فاطمه علیهاالسلام عزادار بود، هنوز جسد مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روی زمین بود که به خانه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام تهاجم نموده، حرمت عزای پیامبر را شکستند. این نوع ساختارشکنی حتّی در میان اقوام جاهلی نیز رایج نبود.

5) انکار بدیهیّات

برخی از شیفتگان مکتب خلافت، برای تبرئه نمودن غاصبان خلافت، همه ی حوادث تلخی را که بر خاندان عصمت و طهارت رفته، مورد تردید و

تشکیک قرار می دهند، که به تعدادی از آنها اشاره می کنیم:

1- [1] . طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج 3، ص 254 در چاپ دیگر ص 429.
2- [2] . ابن عبدربّه، العِقد الفرید، ج 5، ص 21 در چاپ دیگر: ج 4، ص 267.
3- [3] . حمید بن زنجویه، کتاب الأموال، ج 1، ص 305.
4- [4] . مبرّد، الکامل، ج 1، ص 6.

5- [5] . مسعودی، مروج الذّهب، ج 2، ص 308.

1. ابوبکر باقلانی، متوفّای 403 ق. می نویسد:

آنچه رافضی ها می گویند که طناب به گردن علی علیه السلامانداختند و او را برای بیعت ابوبکر بردند و عمر بر حضرت فاطمه لگد زد تا محسن را سقط کرد، به سخن آنها نمی توان اعتماد کرد!(1)

2. قاضی عبدالجبّار معتزلی، متوفّای 415 ق. می نویسد:

از سخنان شگفت انگیز رافضی ها این است که می گویند: یزید امام حسین را به شهادت رسانیده و اهل بیتش را به اسارت برده است!

ما با خرد و اندیشه ی خود دریافته ایم که ابوبکر حضرت فاطمه را نزده و محسن را نکشته است!(2)

3. ابن ابی الحدید معتزلی، متوفّای 656 ق. می نویسد:

آنچه شیعیان می گویند که قنفذ را به خانه ی فاطمه فرستادند، او را با عصا زد و در بازوانش اثری چون بازوبند پدید آمد و تا به هنگام وفاتش باقی ماند و عمر او را در میان در و دیوار فشار داد و محسن را سقط کرد، هیچ یک از اینها در میان اصحاب ما صحّت ندارد!(3)

4. ابن تیمیّه ی حرّانی، متوفّای 728 ق. می نویسد:

ما یقین داریم که ابوبکر اقدام به ایذاء و اذیّت حضرت علی و زبیر نکرد، حتی سعد بن عباده را نیازرد، تنها چیزی که می توان گفت این

است که خانه (خانه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام) را تفتیش کرد، تا ببیند آیا چیزی از بیت المال آنجا هست که در میان افراد مستحقّ تقسیم کند!

1- [1] . باقلانی، نکت الانتصار، ص 36.
2- [2] . عبدالجبار، تثبیت دلائل النّبوّه، ص 239.
3- [3] . ابن أبی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 6 ر.ک: المحسن السّبط، ص 546.

بعدها پشیمان شد و گفت: ای کاش این کار را نیز انجام نمی دادم ...

امّا آنچه جاهلان و دروغگویان می گویند و افراد ابله آن را تصدیق می کنند، که صحابه خانه ی فاطمه را تخریب کردند، بر شکمش زدند، تا بچه اش را سقط کرد، همه اش دروغ و افترا می باشد، به اتّفاق همه ی مسلمانانان!! (1)

در اینجا فقط یادآور می شویم که تعدادی از بزرگان اهل سنّت که متّهم به تشیّع نیستند، داستان لگد زدن به شکم حضرت فاطمه و اسقاط محسن را به صراحت در کتاب های خود آورده اند، که از آن جمله است:

1. ابراهیم بن سیّار معتزلی، مشهور به: «نَظّام» متوفّای 231 ق. استاد جاحظ گفته است:

إنّ عمر ضرب بطن فاطمه یوم البیعه، حتّی ألقت المحسن من بطنها، و کان یصیح: أحرقوا دارها بمن فیها، و ما کان فی الدّار غیر علیّ و فاطمه و الحسن و الحسین ؛

عمر در روز بیعت بر شکم فاطمه زد، به طوری که محسن را سقط کرد و خود فریاد می زد:

خانه را با کسانی که در آن هست آتش بزنید_، در حالی که در خانه کسی جز علی، فاطمه، حسن و حسین نبود._

این فراز را شهرستانی (479 - 548 ق) از او نقل کرده است.(2)

عبدالقاهر بغدادی، متوفّای 429 ق. و صلاح الدّین صفدی، متوفّای 764 ق.

1- [1] . ابن تیمیّه، منهاج السّنّه، ج 4، ص 220.
2- [2] . شهرستانی، الملل و النّحل، ج 1، ص 57.

آن را به اختصار نقل کرده اند.(1)

2. ابن ابی دارم، متوفّای 352 ق. که ذهبی از او به عنوان: امام، حافظ و فاضل تعبیر کرده، در اواخر عمرش فقط مثالب را برای او می خواندند.

حافظ محمد بن حماد می گوید: در نزد او حاضر شدم، شیخی برای او قرائت می کرد که:

إنّ عمر رفس فاطمه حتّی أسقطت محسنا ؛

عمر با لگد بر سینه ی فاطمه زد، تا محسن را سقط کرد.(2)

ابن حجر عسقلانی نیز همان تعبیر را از او نقل کرده است.(3)

3. بر اساس نقل ابن شهرآشوب، ابن قتیبه ی دینوری، متوفّای 276 ق. نیز در کتاب «المعارف» گفته است:

إنّ محسنا فسد من زحم قنفذ العدوی؛

محسن در اثر فشار قنفذ عدوی تلف شد.(4)

6) راز تأخیر در خاکسپاری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

روز دوشنبه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به شهادت رسید، روز چهارشنبه به خاک سپرده شد، زیرا تشنگان قدرت جنازه ی پیامبر را روی زمین گذاشتند و به سوی

گرفتن بیعت رفتند.

ابن ابی شیبه از عروه روایت کرده که ابوبکر و عمر در دفن پیامبر حضور

1- [1] . بغدادی، الفرق بین الفرق، ص 148 و صفدی، الوافی بالوفیات، ج 6، ص 15.
2- [2] . ذهبی، سیر أعلام النّبلاء، ج 15، ص 578 ؛ همو، میزان الإعتدال، ج 1، ص 139.

3- [3] . ابن حجر، لسان الميزان، ج 1، ص 293.
4- [4] . ابن شهرآشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 407.

نیافتند، زیرا به سقیفه ی بنی ساعده رفته، در میان انصار بودند و پیکر مقدّس پیامبر پیش از بازگشت آنها به خاک سپرده شد.(1)

همه ی مورّخان و محدّثان از عایشه روایت کرده اند که گفته:

ما از خاک سپاری پیامبر آگاه نشدیم، جز هنگامی که در شب چهارشنبه صدای بیل و کلنگ را شنیدیم.(2)

در طول قرون و اعصار همگان بر این تصریح کرده اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روز دوشنبه رحلت نموده، در شب چهارشنبه به خاک سپرده شد.(3)

ابن کثیر گوید: پس از آن که بیعت ابوبکر به انجام رسید، به تجهیز پیامبر شروع کردند!(4)

7) تشنگان قدرت

آنان که به دروغ خود را خادمان امّت می نامیدند، آن قدر تشنه ی قدرت و شیفته ی حکومت بودند، که پیکر مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را روی زمین رها کردند، به دنبال بیعت گرفتن رفتند و بر پیکر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نماز نخواندند.

تنها لطفی که در حقّ اهل بیت انجام دادند، این بود که به آنها اجازه دادند که

مشغول تجهیز و تکفین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشند.(5) و خود به کار مهم تر مشغول شدند و آن حضور در سقیفه و اخذ بیعت بود!

1- [1] . ابن أبی شیبه، المصنّف، ج 14، ص 568.
2- [2] . احمد حنبل، المسند، ج 6، ص 242 ؛ بلاذری، أنساب الأشراف، ج 2، ص 244 ؛ بیهقی، السّنن الکبری، ج 3، ص 409 ؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج 1، ص 582.
3- [3] . ابن کثیر، البدایه و النّهایه، ج 5، ص 271.
4- [4] . همان، ص 265.

5- [1] . هیثمی، مجمع الزّوائد، ج 9، ص 33.

ابن کثیر فصلی را تحت عنوان: «امور مهمّه ای که بعد از وفات پیامبر و پیش از دفن آن حضرت اتّفاق افتاده» باز کرده، در آغاز آن می نویسد:

بزرگ ترین، والاترین و پربرکت ترین آنها بر اسلام و امّت اسلامی، بیعت ابوبکر بود!(1)

بعدها که امور بر وفق مرادشان پیش رفت، روزی امیرمؤمنان علیه السلام را مشاهده کردند که اندوهگین است، غافل بودند از این که مولای متّقیان مُعَزّی هست و در سوگ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اندوهگین است، ابوبکر پرسید:

چه شده، ترا اندوهناک می بینم؟!

مولای متّقیان فرمود:

إِنَّهُ عَنانی ما لَمْ یَعِنْکَ ؛

بر من حادثه ای رخ داده، که بر تو رخ نداده است.

ابوبکر خطاب به حاضران گفت:

گوش کنید، شما را به خدا سوگند آیا کسی بیش از من برای پیامبر اندوهگین بود؟!!(2)

این بود اشاره ای کوتاه به اوّلین فراز از خطبه ی حضرت فاطمه ی زهرا علیهاالسلام در پشت در.

امید است بتوانیم در آینده کتاب مستقلّی در شرح این خطبه تقدیم کنیم.

1- [2] . ابن کثیر، همان، ص 244.
2- [3] . ابن سعد، الطّبقات الکبری، ج 2، ص 312.

برای تحقیق بیشتر:

1. سیاه ترین هفته ی تاریخ، از علی محدّث بندرریگی

2. غنچه ی یاس، از مهدی فاطمی

3. المحسن السّبط مولود أم سقط؟ از سیّد محمّدمهدی خرسان

4. نهایه التّحقیق فیما جری فی أمر فدک، از ایشان

5. الهجوم علی بیت فاطمه، از عبدالزّهراء مهدی

ص: 136

درس یازدهم: آثار علمی حضرت فاطمه علیهاالسلام

اشاره

از صدّیقه ی طاهره، حضرت فاطمه ی زهرا علیهاالسلام آثار علمی ارزشمند فراوانی بر جای مانده که به شماری از آنها اشاره می کنیم:

1) خطبه های حضرت فاطمه علیهاالسلام

سه خطبه از خطبه های حضرت فاطمه علیهاالسلام که در این کتاب مورد بحث قرار گرفته است:

1. خطبه ی فدکیّه

2. خطبه ی در بستر

3. خطبه ی پشت در

2) مسند فاطمه علیهاالسلام

حضرت فاطمه علیهاالسلام «محدِّثه» و «محدَّثه» بود.

محدِّثه بود، زیرا احادیث فراوانی از پدر بزرگوارش حدیث کرده است.

محدَّثه بود، زیرا فرشته با وی سخن می گفت.(1)

1- [1] . شیخ صدوق، علل الشّرایع، ج 1، ص 182، باب 146، ح 1.

ابوعمر، یوسف بن عبداللّه بن محمد بن عبدالبرّ قرطبی، متوفّای 463 ق. اسامی 407 تن از بانوان محدِّثه را گرد آورده است.(1)

عزّالدّین، علی بن ابی الکرم، مشهور به «ابن اثیر» متوفّای 630 ق. قریب یک هزار بانوی محدِّثه را معرّفی کرده است.(2)

شهاب الدّین، احمد بن علی بن محمد عسقلانی، مشهور به: «ابن حجر» متوفّای 852 ق. تعداد 1545 نفر از بانوان صحابی محدِّثه را برشمرده است.(3)

در این میان به جز حضرت فاطمه علیهاالسلام، احدی این سعادت را نداشت که در تمام لحظات و ساعات شبانه روز، بدون هیچ محدودیّتی بتواند به محضر مقدّس رسول اکرم صلی الله علیه و آله شرفیاب شده، از آن حضرت حدیث استماع کند.

از این رهگذر حضرت فاطمه علیهاالسلام احادیث فراوانی از پیامبر اکرم علیهاالسلامو حضرت امیرمؤمنان علیه السلام روایت کرده است.

حضرت زینب، حضرت امّ کلثوم، امام حسن، امام حسین علیهم السلام و بسیاری از اصحاب و صحابیّات از آن حضرت روایت کرده اند.

جالب تر این که امیرمؤمنان علیه السلام احادیثی از همسر گرامی شان روایت کرده اند.(4)

کتابنامه ی مسند فاطمه علیهاالسلام

در کتاب های حدیثی فراوانی احادیث نورانی حضرت فاطمه علیهاالسلام روایت

1- [1] . ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج 4، ص 342 - 520.
2- [2] . ابن اثیر، اسد الغابه، ج 5، ص 389 - 642.
3- [3] . ابن حجر، الاصابه فی تمییز الصّحابه، ج 8، ص 2 - 291.
4- [4] . طبری، دلائل الامامه، ص 69.

شده، ما در اینجا به تعدادی از کتاب هایی که مستقلاً پیرامون احادیث آن حضرت تألیف شده، اشاره می کنیم:

1. اخبار الزهراء علیهاالسلام، از ابوجعفر، محمد بن علی بن بابویه، مشهور به شیخ صدوق، متوفّای 381 ق.

سید ابن طاووس در کتاب «الیقین» از این کتاب حدیث نقل کرده است. (1)

2. تحقیق جزء من أحادیث فاطمه، از عاطف احمد امان الدّقن، چاپ 1402 ق.

3. جامع أحادیث فاطمه الزّهراء، از محمد روحانی علی آبادی، 10 مجلد، - مخطوط - .

4. فاطمه الزّهراء، أقوالها و أفعالها، از علی کریمی جهرمی - مخطوط - .

5. الکلمات الباهره، للصّدّیقه الطّاهره، از عبدالمجید بن محمد یزدی، متوفّای 1345 ق. - مخطوط - .

6. الکلمه الطّیّبه، یا سخنان حضرت فاطمه علیهاالسلام، از امیر ظهیری، چاپ تبریز، 1377 ش.

7. کلمه فاطمه الزّهراء، از شهید سیّد حسن شیرازی، مستشهد 400 ق. چاپ بیروت، 1421 ق.

8. مسند فاطمه، از ابوحفص، عمر بن احمد بن عثمان مروزی، مشهور به: «ابن شاهین» متوفّای 385 ق.(2)

9. مسند فاطمه علیهاالسلام، از علی بن عمر دارقطنی، صاحب سنن دارقطنی، متوفّای 385 ق. که محدّث بحرانی از آن روایت کرده است.

1- [1] . سید ابن طاووس، الیقین، ص 424.
2- [2] . محقّق طباطبائی، أهل البیت فی المکتبه العربیّه، ص 472.

10. مسند فاطمه، از محمد بن جریر طبری - امامی - که محدّث بحرانی در تفسیر البرهان از آن روایت کرده است.

11. مسند فاطمه علیهاالسلام، از مؤلّفی ناشناخته، که شیخ حرّ عاملی از آن روایت کرده است.(1)

12. مسند فاطمه علیهاالسلام، از مؤلّفی ناشناخته، که با یک واسطه از شیخ صدوق روایت کرده است. و محدّث بحرانی در مدینه المعاجز از آن حدیث نقل کرده است.(2)

13. مسند فاطمه علیهاالسلام، از جلال الدّین سیوطی، متوفّای 911 ق. چاپ بیروت، 1413 ق. شامل 284 حدیث.

14. مسند فاطمه علیهاالسلام، از شیخ عزیزاللّه عطاردی، چاپ تهران، 1413 ق.

15. مسند فاطمه الزّهراء علیهاالسلام، از سیّد حسین شیخ الاسلامی، چاپ قم، 1419 ق. شامل 496 حدیث.

16. من روی عن فاطمه علیهاالسلام، از شیخ صدوق، متوفّای 381 ق.(3)

17. من فقه الزّهراء، از سیّد محمد حسینی شیرازی، متوفّای 1422 ق. در پنج مجلّد.

18. موسوعه کلمات الزّهراء، از محمد دشتی، متوفّای 1380 ش. چاپ قم، 1416 ق.

19. میراث حضرت زهراء، از محمدرضا آل یاسین، چاپ تهران، 1377 ش.

20. نهج الحیاه، از محمد دشتی، متوفّای 1380 ش. چاپ قم، 1372 ش.

1- [1] . شیخ حرّ عاملی، أمل الآمل، ج 2، ص 365.
2- [2] . شیخ آغا بزرگ، الذّریعه، ج 21، ص 27.
3- [3] . نجاشی، الرجال، ص 390.

و ده ها کتاب دیگر تحت عنوان: چهل حدیث، چهل گوهر، کوثر تسبیح، گلبوته های گلستان فاطمه علیهاالسلام، گهرهای فاطمی و ...

3) صحیفه الزّهراء علیهاالسلام

بسیاری از دقایق علمی، حقایق عرفانی، مسائل اجتماعی و تربیتی اسلام، در قالب دعا در اختیار شیفتگان معارف اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته، تا ضمن راز دل با آفریدگار جهان، معارف والا و حقایق تابناک تعالیم اسلام در اعماق دل نفوذ کرده، دل را جلا داده، دیده را ضیاء بخشیده، زنگار گناه و هوای عصیان را از دل ها بزداید و دل را شایسته ی کسب نور و آماده ی نزول رحمت پروردگار نماید.

بخشی از فرهنگ ماندگار تنها یادگار پیامبر را دعاها و نیایش های آن حضرت تشکیل می دهد، که به هنگام تهجّد و مناجات با خداوند منّان بر زبان جاری کرده، در بایگانی حافظه ی فرزندانش ثبت شده، بعدها به ارادتمندان، دلباختگان و شیفتگان آثار اهل بیت علیهم السلام منتقل شده است.

در همه ی کتاب هایی که پیرامون ادعیه و اذکار در طول قرون و اعصار نگارش یافته، تعدادی از دعاهای آن حضرت آمده است، ما در اینجا فقط به شماری از آثاری که مستقلاً در این رابطه تألیف شده، اشاره می کنیم:

کتابنامه ی نیایش های حضرت فاطمه علیهاالسلام

1. ادعیه ی فاطمیه، از محمد دشتی، متوفای 1380 ش. چاپ قم، 1377ش.

2. ادعیه و اذکار حضرت فاطمه علیهاالسلام، از محمد روحانی علی آبادی، شامل 87

دعای واصله از حضرت فاطمه علیهاالسلام - مخطوط - .

ص: 141

3. دعاء فاطمه علیهاالسلام، از مؤلّفی ناشناخته، که نسخه ی خطی آن به شماره ی 3629 در کتابخانه ی سلطنتی برلین موجود است.(1)

4. صحیفه الزّهراء، از جواد قیّومی، چاپ قم، 1373 ش.

5. صحیفه الزّهراء، از اسعد عبّود، چاپ قم، 1421 ق.

6. صحیفه الزّهراء، از محسن عقیل، چاپ بیروت 1421 ق.

7. صحیفه الزّهراء، از سید ذی شأن حیدر جوادی اله آبادی، چاپ 1379 ش. - به زبان اردو - .

8. صحیفه ی فاطمه ی زهرا علیهاالسلام، از سیّد محمدهادی جونپوری، چاپ هند - به زبان اردو - .

9. الصّحیفه الفاطمیّه، از ابواحمد عبداللّه بن عدنان منتفکی رفاعی - مخطوط - .

10. الصحیفه الفاطمیّه الجامعه، از سید محمدباقر موحّد ابطحی، چاپ قم، 1421 ق.

11. لمعه من صحیفه فاطمه، تدوین حسینیه کربلایی های اصفهان، چاپ بی تا.

12. مناجات حضرت بی بی فاطمه علیهاالسلام، از مؤلّفی ناشناخته که نسخه ی خطی آن به شماره ی 577 در کتابخانه آپسالا، در سوئد موجود است - به زبان آذری - .(2)

4) حدیث لوح فاطمه علیهاالسلام

روزی جابر بن عبداللّه انصاری به محضر حضرت فاطمه علیهاالسلام مشرّف

1- [1] . فهرست کتابخانه ی سلطنتی برلین، ج 3، ص 330.
2- [2] . فهرست کتابخانه ی آپسالا، ج 3، ص 389.

می شود، در دست آن حضرت لوح سبزرنگی را مشاهده می کند، که در آن مطالبی با نور نوشته شده است.

در مورد این لوح از آن حضرت می پرسد، حضرت می فرماید:

این لوحی است که آن را خداوند منّان به رسول عالمیان اعطاء فرموده، در این لوح نام پدرم، شوهرم، دو فرزندم و دیگر أوصیاء از تبار من ثبت شده است، پدرم آن را به من اهداء فرمود.

آنگاه جابر اجازه می گیرد و متن آنها را رونویسی می کند.

روزی امام باقر علیه السلام برای مشاهده ی دست نوشته ی جابر به منزل ایشان تشریف فرما شده، متن آن را از حفظ می خواند و جابر با دست نوشته ی خود مطابقت می کند، حتّی یک حرف نیز اختلاف نداشته است.

محدّثان بزرگ شیعه متن آن را به واسطه ی امام باقر و امام صادق علیهماالسلامو جابر بن عبداللّه از حضرت فاطمه علیهاالسلام روایت کرده اند، که به تعدادی از این بزرگان اشاره می کنیم:

1. محمد بن یعقوب کلینی، متوفّای 329.(1)

2. علی بن حسین مسعودی، متوفّای 346 ق.(2)

3. شیخ صدوق، متوفّای 381 ق.(3)

4. محمد بن ابراهیم نعمانی، از محدّثان قرن چهارم.(4)

1- [1] . کلینی، الکافی، ج 1، ص 527.
2- [2] . مسعودی، اثبات الوصیّه، ص 260.
3- [3] . شیخ صدوق، عیون الأخبار، ج 1، ص 34 و کمال الدّین، ج 1، ص 308.
4- [1] . نعمانی، الغیبه، ص 62.

5. شیخ مفید، متوفّای 413 ق.(1)

6. شیخ طوسی، متوفّای 460 ق.(2)

7. ابن شهرآشوب، متوفّای 588 ق.(3)

8. امین الاسلام طبرسی، مفسّر بزرگ شیعه در قرن ششم.(4)

9. شیخ الاسلام، ابراهیم بن مؤیّد جوینی حموینی، متوفّای 730 ق.(5)

10. شیخ حرّ عاملی، متوفّای 1104 ق.(6)

اینها نه تن از محدّثان والامقام شیعه (به جز جوینی) بودند که حدیث لوح را با اسناد معتبر و مورد استناد در کتاب های پایه و مرجع روایت کرده اند.

گذشته از منابع حدیثی، آثار مستقلّی نیز پیرامون حدیث لوح تدوین شده که از آن جمله است:

1. ترجمه ی حدیث لوح فاطمه علیهاالسلام، از احمد بروجردی جواهری، چاپ کرمانشاه، 1321 ش.

2. حدیث لوح، از علی لبّاف، چاپ تهران، 1375 ش.

3. رساله ی لوح حضرت فاطمه علیهاالسلام، از سیّد عزیزاللّه امامت، چاپ کاشان.

4. شهاده الشّهداء در حدیث لوح فاطمه الزّهراء، از سیّد اسماعیل هاشمی،

چاپ اصفهان، 1364 ش.

5. صحیفه ی فاطمیّه (لوح فاطمی) چاپ هند، 1334 ق.

1- [2] . شیخ مفید، الاختصاص، ص 210.
2- [3] . شیخ طوسی، الغیبه، ص 143.

3- [4] . ابن شهرآشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 359.
4- [5] . طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج 2، ص 174.
5- [6] . جوینی، فرائد السّمطین، ج 2، ص 136.
6- [7] . شیخ حرّ عاملی، اثبات الهداه، ج 1، ص 468.

5) حدیث کساء

گردهمایی پنج تن آل عبا در زیر کساء و نزول آیه ی تطهیر(1) در شأن آنها، از مسلّمات تاریخ است و در صدها منبع معتبر از منابع حدیثی، تفسیری، تاریخی و رجالی شیعه و اهل سنّت، با اسناد معتبر روایت شده است.

در کتاب گران سنگ «فاطمه ی زهرا» اثر ارزشمند شخصیّت برجسته ی جهان تشیّع، علاّمه ی بزرگوار، آیه اللّه حاج شیخ عبدالحسین امینی رحمه الله، منابع و مآخذ اهل تسنّن بررسی شده، تعداد 300 تن از راویان حدیث کساء و نزول آیه ی تطهیر در حقّ خمسه ی طیّبه، به ترتیب قرون و اعصار معرّفی شده است.(2)

از بررسی احادیث وارده به این نتیجه می رسیم که حادثه ی حدیث کساء حدّاقلّ سه بار اتّفاق افتاده است:

1. در خانه ی امّ سلمه

ده ها حدیث معتبر با اسناد صحیح از بزرگان تشیّع و تسنّن از وقوع این حادثه در خانه ی امّ سلمه خبر داده اند.(3)

2. در خانه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام

به هنگام وقوع حادثه ی حدیث کساء، واثله بن اسقع، از اصحاب عظیم الشّأن پیامبر اکرم، در خانه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام حضور داشته، این حادثه را به

1- [1] . سوره ی احزاب، آیه ی 33.
2- [2] . علامه ی امینی، فاطمه ی زهرا، چاپ تهران، 1376 ش، ص 387 - 511.
3- [3] . ترمذی، السّنن، ج 5، ص 251، 328 و 663 ؛ حاکم، المستدرک علی الصّحیحین، ج 3، ص 146؛ احمد حنبل، المسند، ج 10، ص 177، 187 و 197.

چشم خود دیده، برای دیگران نقل کرده، ده ها تن از راویان از او روایت کرده اند.(1)

3. در برابر نصارای نجران

به هنگام حضور نصارای نجران برای مباهله، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین علیهم السلام را در زیر کساء گرد آورد، آنگاه آنها را به مباهله فرا خواند و آنها امتناع کردند و به جزیه راضی شدند.(2)

ابن حجر مکی (899 - 974 ق) می نویسد:

این عمل از سوی رسول خدا در خانه ی امّ سلمه و در خانه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام و در غیر آنها تکرار شده است.(3)

آیه اللّه سیّد محمدکاظم طباطبایی (1253 - 1337 ق) صاحب عروه نیز بر وقوع آن در خانه ی امّ سلمه، حضرت فاطمه و زینب بنت جحش تصریح نموده است.(4)

حدیث کساء معروف

متن حدیث کساء معروفی که در مجالس و محافل برای برآورده شدن حوائج می خوانند، در منابع فراوان آمده، که از آن جمله است:

1) غرر الأخبار و درر الآثار، تألیف: حسن بن محمد دیلمی، صاحب ارشاد

1- [1] . ابن أبی شیبه، المصنّف، ج 7، ص 50 ؛ احمد حنبل، المسند، ج 6، ص 45 ؛ همو، فضائل الصّحابه، ص 66 ؛ طحاوی، مشکل الآثار، ج 1، ص 233.
2- [2] . شیخ صدوق، عیون الأخبار، ج 1، ص 69 ؛ شیخ مفید، الاختصاص، ص 56.
3- [3] . ابن حجر، الصّواعق المحرقه، ص 144.
4- [4] . یزدی، سؤال و جواب فارسی، ص 444.

القلوب، از علمای برجسته ی قرن هشتم.(1)

2) المنتخب، تألیف: فخر الدّین طریحی، متوفّای 1087 ق. صاحب مجمع البحرین.(2)

3) عوالم العلوم، تألیف: شیخ عبداللّه بحرانی، شاگرد برجسته ی علامه ی مجلسی، از علمای قرن یازدهم.(3)

بر حدیث کساء مشهور، ده ها شرح و ترجمه به زبان های مختلف تألیف شده و از سوی صدها تن از شعرای نامی، به زبان های مختلف به نظم درآمده است.

6) مصحف فاطمه علیهاالسلام

یکی از اسامی حضرت فاطمه علیهاالسلام «محدَّثه» است. محدَّثه به کسی گفته می شود که فرشته ها با او سخن می گویند.

سخن گفتن فرشتگان با سه بانو از بانوان امم پیشین به صراحت در قرآن آمده است:

1) حضرت مریم ؛ 2) همسر حضرت ابراهیم ؛ 3) مادر حضرت موسی.(4)

امام صادق علیه السلام می فرماید:

حضرت فاطمه را از این جهت «محدَّثه» نامیده اند که فرشته بر او نازل می شد و با او سخن می گفت، همان گونه که بر حضرت مریم

1- [1] . دیلمی، غرر الأخبار، ص 298.
2- [2] . طریحی، المنتخب، ج 2، ص 259.
3- [3] . بحرانی، عوالم، ج 11، ص 930.
4- [4] . سوره ی آل عمران، آیه ی 42 ؛ سوره ی هود، آیه ی 71 - 73 ؛ سوره ی قصص، آیه ی 7.

نازل می شد.(1)

در حدیث دیگری فرمود:

جبرئیل بعد از رحلت پیامبر به محضر حضرت فاطمه می آمد، او را تسلّی می داد، از جایگاه پدرش سخن می گفت، از آنچه پس از او برای فرزندانش رخ خواهد داد، خبر می داد و علی علیه السلام آن را می نوشت.(2)

در حدیث دیگری فرمود:

حضرت فاطمه مصحفی از خود به یادگار گذاشت، که قرآن نیست، لکن گفتار خداوند است، فرشته املاء کرده، علی علیه السلام نوشته است.(3)

امام باقر علیه السلام کیفیّت نزول مصحف را چنین توصیف می کند:

خداوند منّان به جبرئیل، میکائیل و اسرافیل امر فرمود که مصحف را برای حضرت فاطمه فرود آورند. و آن در شب آدینه ای در ثلث دوّم شب بود.

چون فرشته ها وارد شدند، او مشغول تهجّد بود، منتظر ماندند تا حضرت فاطمه از نماز فارغ شد، بر او سلام کردند و عرضه داشتند:

سلامْ، سلامت می رساند.

آنگاه مصحف را در کنار او قرار دادند.

حضرت فاطمه فرمود:

خدای سلام است، سلام از او و به سوی اوست، بر شما نیز درود باد.(4)

1- [1] . شیخ صدوق، علل الشّرایع، ج 1، ص 182.
2- [2] . کلینی، الکافی، ج 1، ص 458.
3- [3] . صفّار، بصائر الدّرجات، ص 156.
4- [1] . طبری، دلائل الامامه، ص 106.

امام باقر علیه السلام در مورد محتوای مصحف فاطمه فرمود:

آنچه در گذشته رخ داده، آنچه مقدّر است در آینده رخ دهد، اخبار هر یک از آسمان ها، شمار فرشتگان هر آسمان، نام و شمار پیامبران مرسل و غیر مرسل، اسامی امّت هر پیامبر، اسامی مؤمنان و کافران، اسامی شهرها، وصف قرون اولیّه، شمار طاغوت ها و مدّت حکومت هر یک از آنها، نام و سیرت هر امام و مدّت امامت هر یک در آن آمده است.(1)

امام رضا علیه السلام در یک حدیث طولانی نشانه های امام را می شمارد و می فرماید:

باید مصحف فاطمه نیز در دست او باشد.(2)

مصحف حضرت فاطمه علیه السلام یکی از ودایع امامت می باشد و اینک در محضر حضرت بقیّه اللّه ارواحنا فداه می باشد.(3)

7) دیگر آثار ماندگار حضرت فاطمه علیهاالسلام

از صدّیقه ی طاهره حضرت فاطمه علیهاالسلام آثار ماندگار فراوان بر جای مانده، که

از آن جمله است:

1. اشعار نغز و پر مغز

2. أحراز

3. أذکار

1- [2] . همان، ص 105.
2- [3] . شیخ صدوق، عیون الأخبار، ج 1، ص 169.
3- [4] . تهرانی، الذّریعه، ج 21، ص 126.

4. وصایا

5. مناجات ها

6. وقفنامه ها

7. احتجاج ها

برای تحقیق بیشتر:

1. فاطمه الزّهراء من المهد إلی اللّحد، آیه اللّه سیّد محمدکاظم قزوینی (متوفّای 1415 ق)

2. مسند فاطمه الزّهراء، سیّد حسین شیخ الاسلامی (متوفّای 1432 ق)

3. کتابنامه ی آثار ماندگار تنها یادگار پیامبر، علی اکبر مهدی پور.

ص: 150

درس دوازهم: شهادت جانگداز حضرت فاطمه علیهاالسلام

اشاره

پس از شهادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سران سقیفه چندین بار به خانه وحی تهاجم کردند، در هر مورد، صدیقه طاهره علیهاالسلام تنها مدافع مولای متّقیان بود، پشت در آمده، از آنها خواست که حرمت خانه وحی را نگه دارند، ولی آنها هیزم جمع کرده، در مقابل خانه وحی آتش افروختند و در خانه ای را که جبرئیل بدون اذن وارد نمی شد به آتش کشیدند، ریحانه پیامبر را در میان در و دیوار آزردند و محسن فاطمه را به شهادت رسانیدند و از این طریق ثلث عترت طه را با یک لگد از بین بردند.

وارد خانه شده، مولای متّقیان را برای اخذ بیعت به سوی مسجد بردند.

حضرت فاطمه علیهاالسلام به دفاع خود از امام زمانش ادامه داد، غاصب فدک به غلام خود «قُنفُذ» فرمان داد که دست فاطمه علیهاالسلام را کوتاه کند، او نیز با غلاف شمشیر آنقدر بر آن حضرت کوبید که سینه، بازو و کتف مبارکش شکست و به شدّت بیمار شد و با همین بیماری به شهادت رسید.

ص: 151

قلم همواره در دست مثلث شوم زر، زور و تزویر بود، از این رهگذر حوادث مربوط به خاندان عصمت و طهارت، همواره مورد غفلت قرار گرفته و یا به صورت بسیار کمرنگ مطرح شده است.

با توجه به این که عامل شهادت حضرت فاطمه علیهاالسلام سران سقیفه بودند، ظلم مضاعف شده و اقوال بسیار مختلف نقل شده است:

چهل روز بعد از شهادت پیامبر، 60 روز، 70 روز، 72، روز، 75 روز، 90 روز، 95 روز، 100 روز، شش ماه و هشت ماه.

مشهور بین علمای امامیه 75 روز و 95 روز می باشد.

بزرگانی چون: کلینی، شیخ مفید، طبری امامی و مرحوم مقرّم 75 روز را برگزیده اند.(1)

بزرگان دیگری چون: شیخ طوسی، طبرسی، سید ابن طاووس، شهید اول، کفعمی، شیخ بهایی و سید محسن امین 95 روز را انتخاب کرده اند.(2)

بر اساس روایت 75 روز، سیزدهم جمادی الاولی روز شهادت آن حضرت خواهد بود و بر اساس روایت 95 روز سوم جمادی الثانیه روز شهادت آن بزرگوار می باشد.

در گذشته بازار قم و تهران بر اساس 75 روز، روز 13 جمادلی الاولی، بازار

1- [1] . کلینی، الکافی، ج 1، ص 458؛ شیخ مفید، الاختصاص، ص 185؛ طبری، دلائل الامامه، ص 134؛ مقرّم، وفاه فاطمه.
2- [2] . شیخ طوسی، مصباح المتهجد، ص 793؛ طبرسی، اعلام الوری، ج 1، ص 300؛ سید ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج 3، ص 161؛ شیخ بهایی، توضیح المقاصد، ص 13.

را تعطیل می کردند، ولی در عهد زعامت مرحوم آیه اللّه حاج شیخ عبدالکریم حائری، مرحوم محدّث قمی به امر ایشان ده شب در مسجد بالای سر حضرت معصومه علیهاالسلام منبر رفتند و ارجحیت 95 روز را اعلام کردند. از آن موقع مراجع قم، به روایت 95 روز اعتنای بیشتری قائل هستند و اخیراً مراجع عظام جهان تشیع اقدام نموده، روز سوم جمادی الثّانیه را به عنوان روز شهادت حضرت زهرا علیهاالسلام تعطیل رسمی نموده، در آن روز با ده ها هزار نفر به سوی حرم مطهّر کریمه اهل بیت پیاده روی می کنند و به امر ایشان در همه شهرستان ها این شیوه اجرا می گردد.

جالب توجه و شایان دقت است که شیخ بهایی، شیخ طوسی، علاّمه حلّی، سید ابن طاووس و دیگر بزرگانی که روایت 95 روز را برگزیده اند، تصریح کرده اند که روز شهادت آن حضرت، روز سوم جمادی الثّانیه می باشد.

سید محسن امین در این رابطه می نویسد:

بنابر مشهور در میان اصحاب ما، حضرت فاطمه علیهاالسلام روز سوم جمادی الآخره سال یازدهم هجرت وفات نمود و آن از امام صادق علیه السلام روایت شده است.(1)

نکته دیگری که در اینجا لازم است به آن اشاره شود، این است که دو روایت 75 و 95 به یک روایت برمی گردد، زیرا در قرون اولیه کتاب های حدیثی و تاریخی با خطّ کوفی و بدون نقطه نوشته می شد و در شکل نگارش «سَبعین» و «تِسعین» شبیه یک دیگر نوشته می شود، با نقطه از یکدیگر باز شناخته می شود.

به احتمال قوی متن روایت «تسعین» بوده، برخی از اعلام آن را «سبعین»

1- [1] . سید محسن امین، اعیان الشّیعه، ج 1، ص 319.

خوانده اند، یا بعدها تسعین به سبعین تصحیف شده است.

با توجه به صدور حدیث از امام صادق علیه السلام برای روز سوم جمادی الثانی 95 روز تقویت می شود.

شایسته است که شیفتگان خاندان عصمت و طهارت هر دو ایام فاطمیه را ارج نهاده، برای آن حضرت در هر دو فاطمیه مجالس عزا برگزار کنند.

علّت این که ایام فاطمیه سه روز برگزار می شود این است که ما نمی دانیم در سال یازدهم هجری ماه صفر، ربیع الاول و ربیع الثانی آیا 29 روز بوده، یا 30 روز، یا برخی 29 و برخی دیگر 30 روز بوده است، از این رهگذر سه روز برگزار می کنیم تا روز شهادت را درک کرده باشیم.

محلّ دفن حضرت فاطمه علیهاالسلام

در مورد محلّ دفن حضرت فاطمه علیهاالسلام سه قول است:

1) بقع

2) روضه نبوی

3) خانه خویش

از امام رضا علیه السلام سؤل شد که حضرت فاطمه علیهاالسلام کجا دفن شده، فرمود:

دُفِنَتْ فِی بَیْتِهَا، فَلَمَّا زَادَتْ بَنُو أُمَیَّهَ فِی الْمَسْجِدِ صَارَتْ فِی الْمَسْجِدِ؛

در خانه خویش به خاک سپرده شد، هنگامی که بنی امیه مسجد را توسعه دادند، در مسجد قرا گرفت.(1)

شیخ طوسی همین قول را برگزیده و اضافه کرده که احتمال بقیع بعید

1- [1] . کلینی، الکافی، ج 1، ص 460.

است.(1)

از محضر امام هادی علیه السلام پرسیدند که آیا بیت حضرت فاطمه علیهاالسلام در طیبه است، یا همان گونه که دیگران می گویند در بقیع است؟ در پاسخ نوشتند:

ایشان در کنار جدّم صلی الله علیه و آله می باشد.(2)

از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود:

علی علیه السلام حضرت فاطمه را شبانه در خانه اش به خاک سپرده که بعدها جزو مسجد شد.(3)

امام صادق علیه السلام در این رابطه فرمود:

حضرت فاطمه در خانه اش به خاک سپرده شد، بعدها عمر بن عبدالعزیز آن را در مسجد داخل کرد.(4)

عبدالعزیز بن عمران گوید: حضرت فاطمه در خانه اش به خاک سپرده شد، با او همانند رسول خدا صلی الله علیه و آله معامله شد، یعنی: دقیقاً همان جا که بسترش پهن شده بود، در همان جا مدفون شد.(5)

کسانی که محلّ قبر آن حضرت را در بقیع می دانند به حدیثی از امام حسن مجتبی علیه السلام استناد می کنند که وصیت فرمود: هنگامی که من وفات کردم، مرا تجهیز کنند، سپس به کنار رسول خدا ببرید که تجدید عهد کنم، از آنجا به نزد مادرم حضرت فاطمه ببرید، سپس به بقیع برگردانید و در آنجا دفن کنید.(6)

1- [1] . شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج 6، ص 8.
2- [2] . سید ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج 3، ص 161.
3- [3] . ابن شبّه، تاریخ المدینه المنوّره، ج 1، ص 106.
4- [4] . همان، ص 107.
5- [5] . همان، ص 108.
6- [6] . کلینی، الکافی، ج 1، ص 302.

تصادفاً این حدیث نیز دفن در خانه را تقویت می کند.

شیخ طوسی در ضمن حدیثی از ابن عباس نقل می کند که گفت:

ما پیکر امام حسن را به بقیع بردیم و در کنار مادرش فاطمه دفن کردیم.(1)

در اینجا منظور از مادرش فاطمه، حضرت فاطمه بنت اسد می باشد.(2)

سمهودی از ابن شبه نقل می کند که عباس بن عبدالمطلب را در اول مقابر بنی هاشم، نزد قبر فاطمه بنت اسد دفن کردند.(3)

روی این بیان قبری که در کنار ائمه بقیع می باشد، قبر حضرت فاطمه بنت اسد می باشد.

سمهودی دفن در بقیع را ترجیح می دهد، ولی از عزّ بن جماعه نقل می کند که قوی ترین اقوال آن است که در خانه اش مدفون شده است، در مکان محراب چوبی داخل مقصوره حجره شریف و من دیدم که خدّام حجره از پا نهادن در آن مکان به شدّت امتناع می کنند و آنجا را محلّ قبر حضرت فاطمه علیهاالسلام می دانند.(4)

سمهودی می گوید: قول دیگر این است که در مسجد منسوب به آن حضرت در بقیع مدفون می باشد، که در طرف قبله قبّه عبّاس است.

غزّالی گوید: مستحب است که انسان همه روزه پس از زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به زیارت بقیع برود.

آنگاه قبور زیارتی بقیع را می شمارد، به هنگام بحث از زیارت امام حسن

1- [1] . شیخ طوسی، الامالی، ص 161، ص ح 19.
2- [2] . تستری، تواریخ النّبی والآل، ص 82.
3- [3] . سمهودی، وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی، ج 3، ص 910.
4- [4] . همان، ص 906.

مجتبی علیه السلام می نویسد: آنگاه در مسجد فاطمه علیهاالسلام نماز بخواند، که آن همان «بیتُ الحُزن» می باشد، که حضرت فاطمه در آنجا برای پدرش اقامه عزا می کرد.(1)

سپس به هنگام بحث از قبر ابراهیم (فرزند پیامبر اکرم) گفته: آنجا به بیت الحزن مشهور است.(2)

روی این بیان بیت الاحزان در اول بقیع در کنار قبور ائمّه بقیع قرار دارد و صدیقه طاهره پس از شهادت رسول اکرم صلی الله علیه و آله دست امام حسن و امام حسین علیه السلام را می گرفت به بقیع می آمد، در آن مکان در سایه درختی به اقامه عزا می پرداخت.

پس از بریدن آن درخت توسّط غاصبان فدک، به اُحُد می رفت و در کنار قبر عمویش حضرت حمزه سید الشّهدا به عزاداری می پرداخت.

بعد از شهادت حضرت فاطمه علیهاالسلام بیت الاحزان به مسجد حضرت فاطمه علیهاالسلام معروف شد و به مدّت 50 سال درش بسته شد، هنگامی که کاروان غم از سفر کوفه و شام بازگشتند، حضرت امّ کلثوم درِ بیت الاحزان را باز کرد و در آنجا به عزاداری پرداخت، پس از آن همه روزه حضرت امّ البنین به آن نقطه می رفت و برای حضرت قمر بنی هاشم و دیگر فرزندانش اقامه عزا می کرد و بانوان مدینه در آن مکان اجتماع کرده، با حضرت امّ البنین هم ناله می شدند.

احتمال دفن حضرت در روضه نبوی

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود:

بَیْنَ قَبْرِی وَ مِنْبَرِی رَوْضَهٌ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّهِ؛

1- [1] . همان، ص 907.
2- [2] . همان، ص 918.

بین قبر و منبر من باغی از باغ های بهشت است. (1)

شیخ مفید از این حدیث استفاده کرده که قبر مطهّر حضرت فاطمه علیهاالسلام در روضه نبوی است.(2)

شیخ طوسی در تقریب این سخن فرموده: روایت روضه و بیت با یکدیگر سازگار می باشد، ولی احتمال دفن در بقیع به دور از حقیقت است.(3)

از امام رضا علیه السلام در مورد محلّ دفن صدیقه طاهره سؤل شد، عیسی بن موسی در مجلس حضور داشت، گفت: در بقیع.

راوی پرسید: شما چه می فرمایید؟

حضرت فرمود: گفت.

عرضه داشت: من با عیسی بن موسی کاری ندارم، شما از پدران خود چه نقل می فرمایید؟

حضرت فرمود: در خانه اش به خاک سپرده شد.(4)

روی این بیان احتمال بقیع ضعیف است و احتمال دفن در خانه قوی تر می باشد، که به هنگام توسعه مسجد خانه حضرت فاطمه جزو مسجد قرار گرفته و به «مسجد فاطمه» شهرت یافته است.

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا نماز در خانه فاطمه افضل است یا در روضه؟

فرمود: در خانه فاطمه.(5)

1- [1] . ابن فتّال نیشابوری، روضه الواعظین، ج 1، ص 349.
2- [2] . شیخ مفید، المقنعه، ص 459.
3- [3] . شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج 10، ص 9.
4- [4] . حمیری، قرب الاسناد، ص 367، ح 1314.
5- [1] . شیخ طوسی، همان، ص 8، ح 16.

بر اساس روایتی از امام صادق علیه السلام خانه حضرت فاطمه بین خانه پیامبر و درب مسجد که به کوچه مقابل بقیع (باب جبرییل) باز می شود، قرار دارد.(1)

پاداش زیارت

شیخ طوسی می فرماید: آنچه در پاداش زیارت آن حضرت روایت شده بیش از آن است که به شما آید، سپس روایتی را از شخص حضرت فاطمه علیهاالسلام نقل کرده که فرمود:

پدرم به من خبر داد که هر کس سه روز بر او و بر من سلام کند، خداوند بهشت را برایش واجب می کند.

راوی پرسید: آیا در حال حیات ایشان و شما؟

فرمود: آری در حال حیات و پس از ممات ما.(2)

با توجه به این که امکان حضور در کنار قبر آن حضرت در زمان ما ممکن نیست و مولای متّقیان پس از دفن آن حضرت، محلّ قبر را هموار کرد تا محلّ قبر مخفی باشد، شایسته است که زائران مدینه منوّره، در روضه مطهّر و در کنار ضریح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و در بقیع به آن حضرت سلام کنند.(3)

نکته دیگر این که بر اساس رؤای صادقه یکی از بزرگان قبر مطهّر و مضجع منوّر حضرت معصومه علیهاالسلام در قم جایگزین قبر گمشده آن حضرت می باشد.(4)

1- [2] . همان، ح 15.
2- [3] . همان، ص 9، ح 18.
3- [4] . ابن فتّال نیشابوری، روضه الواعظین، ج 1، ص 349.
4- [5] . مهدی پور، کریمه اهل بیت، ص 43.

زیارت نامه حضرت زهرا علیهاالسلام

زیارت نامه ای از امام باقر علیه السلام برای حضرت فاطمه علیهاالسلام به شرح زیر روایت شده است:

يَا مُمْتَحَنَهُ امْتَحَنَكِ اللّهِ ُ الَّذِی خَلَقَكِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكِ، فَوَجَدَكِ لِمَا امْتَحَنَكِ صَابِرَةً وَ زَعَمْنَا أَنَّا لَكِ أَوْلِيَاءُ، وَ مُصَدِّقُونَ وَ صَابِرُونَ لِكُلِّ مَا أَتَانَا بِهِ أَبُوكِ ، وَ أَتَانَا بِهِ وَصِيُّهُ عليه السلام، فَإِنَّا نَسْأَلُكِ إِنْ كُنَّا صَدَّقْنَاكِ إِلَّا أَلْحَقْتِنَا بِتَصْدِيقِنَا لَهُمَا بِالْبُشْرَى، لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّا قَدْ طَهُرْنَا بِوَلَايَتِكِ؛

ای آزموده ای که خداوند پیش از آن که تو را بیافریند، بیازمود.

پس تو را در مورد آن آزمایش شکیبا یافت.

ما خود را از موالیان شما می دانیم و به آنچه پدر بزرگوارت و وصی اش آورده اند، ایمان داریم و بر آن شکیبا هستیم. اینک از تو می خواهیم که ما را در برابر تصدیق شما، به یک بشارت بزرگ ملحق فرمایی، تا به خود بشارت دهیم که در پرتو ولایت شما پاکیزه شده ایم.(1)

ابو محمد، جعفر بن احمد بن علی قمی، مشهور به «ابن رازی» از محدّثین والامقام قم و معاصر شیخ صدوق، روایت مفصّلی با سلسله اسنادش از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده، که در فرازی از آن آمده است:

يُدْعَى النَّاسُ بِأَسْمَاءِ أُمَّهَاتِهِمْ، مَا خَلَا شِيعَةَ عَلِيٍّ عليه السلام فَإِنَّهُمْ يُدْعَوْنَ بِأَسْمَاءِ آبَائِهِم؛

_در روز رستاخیز همگان با نام مادرانشان خوانده می شوند، به جز شیعیان

1- [1] . شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج 6، ص 10، ح 19.

علی _علیه السلام، که آنها با نام پدرانشان خوانده می شوند.

پیامبر عظیم الشأن از پیک وحی پرسید: ای حبیب من، ای جبرائیل! راز آن چیست؟ گفت:

لِأَنَّهُمْ أَحَبُّوا عَلِيّاً فَطَابَ مَوْلِدُهُمْ؛

_زیرا آنها علی _علیه السلام را دوست داشتند، پس ولادت آنها از طریق حلال انجام یافت.(1)

این حدیث شریف صریح است در این که محبّت مولای متّقیان موجب حلال زادگی می شود و نشان طهارت مولد می باشد.

آخرین فراز از زیارت نامه حضرت فاطمه علیهاالسلام نیز صریح است در این که ولایت فاطمه زهرا علیهاالسلام نشانه طهارت مولد می باشد.

مفهوم مخالفه این زیارت نامه دلالت می کند بر این که دشمنان حضرت فاطمه علیهاالسلام، قاتلان محسن، آتش افروزان درِ خانه وحی، از طیب مولد محروم بودند.

برای تحقیق بیشتر:

1. دلائل الامامه، طبری امامی، از بزرگان شیعه در قرن پنجم.

2. تاریخ المدینه المنوره، ابن شبّه، متوفای 262 ق.

3. قبر گمشده، داود الهامی، متوفای 1421 ق.

1- [1] . ابن رازی، المسلسلات، ص 108.

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9
آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109